

# دلیل الحرجی



حقوق زنان  
شماره ۴۰  
پاییز و زمستان ۱۴۰۳  
قیمت ۱۰۰,۰۰۰ تومان

## شناسنامه:

### حقوق زنان - فصلنامه اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: اشرف گرامی-زادگان  
همکاران این شماره: روفیا تیرگری (دبیر هنری)، آرزو عزیز، سید محسن مقیمی، فاطمه قائمی نسب، ملیحه فلاح‌پور  
هما مهری، زهرا داورزنی، لیلا صادقی.

مدیر امور مالی و اجرایی: همایون کوچک‌زاده

طراح لوگو: مرتضی ممیز

مشاور فنی: علیرضا فرزانی

مدیر هنری و طراح جلد: مریم فرزانی فرد

گرافیکست و صفحه‌ار: عاطفه هاشمی

حروف چینی: حقوق زنان

چاپ: چاپ نظر

نشانی: تهران - خیابان ایرانشهر جنوبی - کوچه مهزاد - پلاک

۱۱ - واحد ۴۰۱

تلفن: ۰۲۷۷۵ ۱۳۰۹۱۲۹ - ۰۹۱۲ ۸۳۱۸۹۴۹

پست الکترونیکی: h\_q\_zanan@yahoo.com

سایت نشریه: www.hqzanan.org

\* نویسندگان و مترجمان ارجمندی که مایلند آثارشان در فصلنامه‌ی حقوق زنان انتشار یابد، به همراه مطالب، درباره‌ی تحصیلات، شغل، آثار پژوهشی و ترجمه‌ی خود توضیح کوتاهی ضمیمه کنند و یا رزومه‌ی خود را به ایمیل نشریه ارسال نمایند.

\* مطالب به‌صورت تایپ شده از طریق ایمیل به نشریه ارسال شود.

\* مطالب ترجمه‌شده باید با یک نسخه از متن اصلی همراه باشد.

\* لطفاً نسخه‌ای از مطالب خود را در پایگانی داشته باشید.

\* حقوق زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.

\* هرگونه استفاده از مطالب و تصاویر اختصاصی نشریه‌ی

حقوق زنان منوط به کسب اجازه از مدیرمسئول است.

\* حقوق زنان در موضوع فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی،

اقتصادی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.

## فهرست

### \* سرمقاله

■ پرزیدنت مسعود!

زنان را فرموش نکنید! / مدیرمسئول / ۰۲

### \* جهت اطلاع

■ ضرورت برنامه برای دولت چهاردهم در محور حقوق زنان / اشرف گرامی-زادگان / ۰۶

### \* زنان و جامعه

■ آزادی بیان، سنگری برای برقراری حکومت قانون / آرزو عزیز / ۰۱۲

■ حقوق و آزادی‌های اساسی زنان در پرتوی قانون اساسی / محسن مقیمی / ۰۲۰

■ شکستن سکوت زنان، جرقه‌ای در حقوق محیط زیست / فاطمه قائمی‌نسب / ۰۲۶

■ حقوق حیوانات خانگی / مهندس ملیحه فلاح‌پور / ۰۴۹

### \* زنان و فرهنگ

■ ستاره‌های دیروز - آن دلون (اسطوره‌های همیشه جوان!) / ۰۵۸

■ ستاره‌های امروز - پنه‌لویه کروژ (بازیگری توانا و فعال حقوق زنان) / ۰۶۴

■ داستان کوتاه: یک لقمه پنیر هوای پاک / گالیا تاونگر / ۰۶۸

### \* زنان و اخبار هنری

■ نیکول کیدمن / کاترین دونو / ۰۷۲

■ ستاره چشم‌آبی سینمای ایران درگذشت / ۰۷۳

■ مگی اسمیت بازیگر سریال دانتون ابی درگذشت / ۰۷۴

■ وداع با بانوی آواز کردی ایران / ۰۷۵

■ «لاتینا»، عنوان کتاب تازه‌ی ملانیا ترامپ / ۰۷۶

■ سوفیا لورن ۹۰ ساله شد / ۰۷۷

■ پری صبری در فنی را وداع گفت / ۰۷۸

### \* زنان و قانون

■ حقوق بشر و ضمانت‌های سازمان یافته / هما مهری / ۸۰

■ بخش عربی / لیلا صادقی / ۰۹۲

■ بخش انگلیسی / زهرا داورزنی / ۰۹۵

### \* اشتراک / ۱۰۰

### خوانندگان عزیز!

به اطلاع می‌رساند تاریخ انتشار شماره ۳۹ نشریه حقوق زنان، زمستان ۱۴۰۲ و بهار و تابستان ۱۴۰۳ است.

# پرزیدنت مسعود! زنان را فراموش نکنید!



اشرف گرامی زادگان  
مدیرمسئول

جلوی منظر صدها شهروند، روح و روان مخاطبان را به بازی گرفت. « رأی می‌دهم و رأی نمی‌دهم» مرتب تکرار شد و گفتمان غالب در جامعه شد. علاقه مندان به استقلال و حفظ کرامت ایرانیان، بخاطر کشور مرتب با تماس‌های مکرر، همه را به رأی دادن ترغیب کردند و دغدغه هایشان را بازتاب دادند. برخی بله گفتند و برخی نگران تکرار روند سال‌های قبل شدند. چه کسی به شهروندان اطمینان می‌داد که کشور متعلق به شماست و حقوق ملت باید اولویت باشد و یا چراغ روشن است؟!

حق بدهید که ضربه‌های وارده به مردم در طی چند سال اخیر، زخم‌های سختی بر جای گذاشت. وقتی راست و دروغ شناسنامه ندارد و هویت خوبان از بدان تمیز داده نمی‌شود، چگونه وارد یک انتخاب سرنوشت ساز شویم؟ این چگونه و چرایی و عدم اطمینان از شاید تنها کاندیدای قابل تامل، تردیدها را بالا برد. همه گفتند او نجیب، سالم، دست پاک و تحصیلکرده و در اجرا توانا بوده است. چند دوره نماینده مردم و ضمناً در هیئت وزیران، وزیر بهداشت بوده

هنوز در التهاب هستیم. هم راست را از دروغ تشخیص نمی‌دهیم و هم لحظه‌ها را به سختی سپری می‌کنیم. گمان کنم همه در این حالت هستند. در عین حال که دوست داریم به امید چنگ بزنییم اما، اماها ما را مشوش می‌کند. شاید در یک حالت برزخی به سر می‌بریم. این که کدام نظریه به واقعیت می‌پیوندد. کدام دیدگاه از بقیه نظرات پیشی می‌گیرد؛ و حق چگونه پیروز می‌شود و اینکه آیا حقوق مردم پاس داشته می‌شود، تا لحظات پایانی انتخابات ادامه یافت. مرحله اول و مرحله دوم...

هنگامی که به بن بست چشم دوخته بودیم گفتند که پایان شب سیه سپید است و وقتی که ریاست خواهان به تقابل یکدیگر آمدند، این دفعه نه « بگم بگم»، بلکه «نمی‌گذارم انتخاب شوی»، اوج قدرت نمایی شد. به عنوان یک شهروند از این همه زیاده‌گویی و طمع تملک مقام به تنگ آمدم. اخلاق به کنجی خزیده بود و قلدری بر روی صندلی جهل و خودخواهی، وجدان را به سخره گرفت. از اخلاق نشانی نبود بلکه فقط و فقط خود برتری‌بینی و قلدر مآبی در





است. او فردی سالم است. این یک امتیاز بود ولی مسئله پاکی تنها امتیاز فردی او نبود بلکه توانایی و اراده او برای توسعه و اجرای خواسته مردم بود که دغدغه اصلی اجرای عدالت و انصاف داشتند. مضافاً آن که در نظر بگیریم در این کشور سه قوه، امور را اداره می‌کنند و نظامیان نیز خود را قوه چهارم حاکمیت می‌دانند (مراجعه به گفتار سردار رحیم صفوی). به هر حال اگر مدیریت ضعیف باشد تمامی قوا نه در کنار هم بلکه در تقابل هم قرار می‌گیرند. کما اینکه در این سال‌ها مباحثی مثل دولت در سایه و یا اختلاف قوا، و هم چنین سازمان‌ها و ادارات موازی، ذهن هر وطنخواهی را بر می‌آشفته. ازین رو در ساختار موجود تنها یک قوه از قوای کشور، حریف مسائل و مشکلات کشور نیست و بیش از هر نکته‌ای، تعامل همه قوا باید مورد توجه قرار گیرد. حال، دولت پیش رو با تشکیل گروه‌های راهبردی مدعی شد که در حال بررسی شایسته سالارانی است تا شایستگی در دولت به کار گرفته شوند بلکه جبران مافات شود و شاید برخی از واجدین شرایط مسئولیت‌هایی در این دولت بپذیرند. اما پس از پایان جلسات، دلخوری‌ها بیانگر

عدم سازش و توافق و همفکری است. ضمن آن که خروجی آن جلسات که با شعار جوان گرایی تبلیغ می‌شد به نظر می‌رسد بیشتر با ریسک کم تخصصی و بی تجربگی منتخبان عجین باشد. تجربه نشان داده که بدون داشتن همکاران و تیمی قوی نمی‌توان بر مشکلات متعدد فائق شد و شعار جوانگرایی خیلی ساده انگارانه پنداشته شده و وفاق مورد نظر را کم‌رنگ خواهد کرد. هنوز مراکزی که با منت به زنان واگذاشتند نه کادر قدری دارد و نه برنامه‌ای شفاف اعلام شده که برای زنان قرار است چه برنامه و روشی اجرا شود. در این میان شخص پوزیدنت مسعود حتی حاضر به گفتگوی اولیه با رسانه‌ها نشده است.

چرا؟ مگر همین رسانه‌ها برای حفظ کرامت و استقلال کشور، این همه فشار تحمل نکردند. مگر همین رسانه‌ها در فضای واقعی و مجازی تحت فشار قرار نگرفتند. مگر بیشتر زخم‌ها را خبرنگاران متحمل نشدند؟

گریز رییس جمهور از پاسخگویی و اعلام





سخنگوی دولت و یا اعلام برنامه‌ها توسط روابط عمومی دولت، به بدن بی‌نای مردم، امید تزریق کند. آیا سخنگوی دولت گزارش عملکرد ایشان را به ملت شریف ایران به طور مرتب اعلام می‌کند یا باید مردم در لابلای اخبار بگردند و آنالیز کنند که دستاوردهای ایشان از سفرها و جلسات و حضور در کمیته‌ها چه می‌تواند باشد! مردم باید هر چه سریعتر و به شکل ملموس حرکت به سمت وعده‌ها و نتایج قابل لمس تغییراتی که بابت آن وارد عرصه انتخابات شده‌اند را مشاهده کنند.

در پایان، با انتخاب رییس جمهور، شهروندان حق دارند همانگونه که قبلاً اعلام شده و وعده داده شده است، گزارش واقعی حرکت دولت جدید به سمت مقصد جدید به مردم داده شود و تلاش‌ها برای رسیدن به آن روشن گردد. همه می‌دانند که مشکلات عدیده و پیچیده است اما منتظر- که حتی بی‌قراریم - تا هر چه زودتر دست‌آورد های دولت جدید را به تماشا بنشینیم.

برنامه به رسانه‌ها، یک زخم دیگر شد بر پیکر نحیف رسانه‌ها، که سال‌هاست در کشور ایران به هیچ‌گرفته می‌شوند. حال آن که رسانه‌ها چشم و گوش جامعه هستند و آنچه بزرگان قبیله نمی‌دیدند، می‌دیدند و اطلاع‌رسانی می‌کردند که آی مسئولین آگاه باشید. کشور در معرض خطرهای فرهنگی اجتماعی، سیاسی و کاهش ثروت ملی شده است. کار در دست کاردان نیست و خطر در کمین است. چقدر هشدار داده شد!

حال انتخاب پزیدنت مسعود به عنوان نهمین رییس جمهور از ۷ مرداد ۱۴۰۳ آغاز شد. جز چند قول درباره دغدغه حجاب، فیلترینگ، آزادی‌های مدنی و سیاسی، انتخاب زنان شایسته در پست‌های دولتی و... برنامه تدوین شده و دارای چهارچوب زمانی و تقسیم وظایف، مستنداتی در دست نیست. بی‌شک دیگر قول شفاهی با انتظارات مردم سازگار نیست. حال که همه یک بار دیگر به ریسمان امید چنگ زده‌اند، انتظار صراحت و شفافیت و عمل به موقع لازمه دلبستگی ملی است در غیر این صورت، چگونه مترصد بمانیم تا گزارش





اشرف گرامی‌زادگان  
کارشناس حقوق بشر

## ضرورت برنامه‌ای برای دولت چهاردهم در محور حقوق زنان

انتخابات همیشه دغدغه چند ماهه هر دوره از شرکت برای رای گیری در کشور است خواه ریاست جمهوری، خواه نمایندگی مجلس. اما همیشه امید به بهبود و عملی شدن وعده های داده شده، وسوسه این مشارکت مردمی است. زیرا هر فردی برای زندگی و اشتغال و یا تحصیل خود برنامه ای دارد و می‌خواهد در روند پیشرفت کشور مداخله کند تا در تحقق خواسته‌هایش تسریع شود. ضمن آن که دلهره عقب ماندن از عصر تکنولوژی در کشوری با تمدنی باستانی، رنجی ماندگار در قلب و روان هر شهروند به جای می‌گذارد و افسوس سال‌های از دست رفته را تکرار می‌کند.

امروز تمام کشورهای جهان و منطقه به آینده پیش رو نظر دارند و با تمهیدات و برنامه‌های همه جانبه در صدد برتری سیستم کشوری خود در حوزه جغرافیایشان هستند؛ حتی برای خود تاریخ می‌نویسند و از کمترین آثار بجای مانده برای خود کتب تاریخی به چاپ می‌رسانند و موزه می‌سازند. همین برنامه ریزی و نگاه به آینده منجر به اشتیاق افراد برای همکاری و تعامل ملی و مشارکت همه جانبه با سردمداران کشورشان می‌شود. چون مشاهده می‌کنند که مسئولین هم از داشته‌هایشان بهره می‌برند و هم برای آینده آنها به صورت گسترده تصمیم می‌گیرند.

حال همین موضوع را در مورد کشور خودمان تحلیل کنیم. پرسش اولیه این است که برنامه‌های توسعه‌ای ما، حفظ تاریخ گذشته مان، نتایج حاصله از آن همه وعده‌ها، آینده نگری، شتاب در کسب دستاوردهای ضروری و... ده‌ها پروژه دیگر که برای توسعه کشور حیاتی است در چه مرحله‌ای از تصمیم گیری است. در دستور کار قرار گرفته یا خیر؟ انجام شده است یا خیر؟ و پرسش‌های دیگر...



هم از طرف فعالان زنان و هم از طرف قوای مختلف و مسئول در کشور. اما چون اقداماتی که نام برده می‌شود به اجرا در نیامده است، بی شک در این حوزه نمره کمی به خواسته های زنان داده می‌شود. ده‌ها طرح در مجلس و یا لایحه در قوه مجریه آماده شده است اما در گلوگاه‌هایی که باید برای اجرایی شدن آن به جریان بیفتد، امضاء نشده و در بایگانی‌ها در حال خاک خوردن است!

البته صحبت از آن اقداماتی است که منجر به حقوق و آزادی‌های زنان و یا حذف و اصلاح موادی از قوانین است و منجر به توسعه و پیشرفت جامعه زنان می‌شود. نتیجه این پیشرفت فقط به نفع زنان نیست بلکه بر روی بسیاری از مسائل دیگر نیز تاثیر گذار است. نمونه‌هایی از این طرح‌ها و لوایح که در دو دولت (یازدهم و دوازدهم) مورد بررسی قرار گرفت، در زیر می‌آید:

**در طی سال‌های گذشته**  
**تلاش‌های قابل توجهی در**  
**حوزه زنان صورت گرفته**  
**است. هم از طرف فعالان زنان**  
**و هم از طرف قوای مختلف**  
**و مسئول در کشور. اما چون**  
**اقداماتی که نام برده می‌شود**  
**به اجرا در نیامده است، بی**  
**شک در این حوزه نمره کمی**  
**به خواسته‌های زنان داده**  
**می‌شود.**

## بیندیشیم که با خود چه کرده‌ایم؟

اگر بخواهیم دست‌آوردهای سال‌های قبل را بررسی کنیم، بی شک می‌توان اقداماتی را نام برد اما باید نگاه کرد به نتایجی که مثبت پنداشته شده است. نمونه اش ساختن ده‌ها سد در کشور با هدف کلی جمع‌آوری آب یا تغییر مسیر آب‌های سطحی و رودخانه‌ها و یا تأمین انرژی برق بوده است. اما متخصصان حفظ محیط زیست از این موضوع راضی نیستند. زیرا آسیب به محیط زیست، فرسایش خاک اطراف، هزینة‌های بالا و ریسک فاجعه را از زبان‌های ساختن سدها و بی توجهی به نتایج اقدامات آن می‌دانند. این مثال فقط یک نمونه است. می‌توان در هر موضوع و یا برنامه‌ای، بررسی اقدامات انجام شده را بازنگری کرد و جوابی تخصصی یافت!

حال به موضوع حقوق و آزادی‌های زنان توجه کنیم. چون این موضوع دغدغه همیشگی ما زنان است. البته بررسی دقیق در این حوزه نیازمند ارزیابی چند جانبه متخصصان حوزه‌های مختلف حقوقی، اجتماعی، روان‌شناسی، اقتصادی و... می‌باشد. ضمن آن که گردآوری این مباحث در این مقال نمی‌گنجد. اهل علم و تخصص می‌دانند که نیاز به تدوین ده‌ها تحقیق و تدوین مقاله است.

## برنامه‌هایی که مغفول مانده‌اند!

در طی سال‌های گذشته تلاش‌های قابل توجهی در حوزه زنان صورت گرفته است.



## لوايح و پيشنهادات دو دوره دولت يازدهم و دوازدهم معاونت امور زنان و خانواده:

- ۱- لايحه تأمين امنيت زنان در برابر خشونت
- ۲- لايحه اصلاح و حذف تبصره ماده ۲۶ قانون حمايت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست
- ۳- طرح لايحه مرکز فراقوه ای زنان و خانواده
- ۴- اصلاح قانون قاچاق انسان
- ۵- تدوين لايحه تعيين تکليف تابعيت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی
- ۶- افزايش مرخصی زایمان در تصویب نامه مصوب هیئت وزیران
- ۷- پيشنهاد تکميل قانون تعزیرات در قوه قضايه
- ۸- پيشنهاد تشكيل مرجع ملی پيشگيري و حمايت از زنان در برابر خشونت
- ۹- سند امنيت زنان و کودکان در روابط اجتماعي (ماده ۲۲۷ برنامه توسعه پنجم)
- ۱۰- لايحه اصلاح تبصره ۲ ماده ۱۴ قانون آيين دادرسي کيفري ۱۳۹۲
- ۱۱- بيمه زنان خانه دار
- ۱۲- آيين نامه اجرائی لايه بيمه اجتماعي پایه
- ۱۳- پيشنهاد اصلاح و بازنگري قانون و لايحه اصلاح و دائمی نمودن قانون مدیریت خدمات کشوری در حوزه زنان
- ۱۴- اصلاح موادی از قانون مدنی در باب خانواده (۲۰ مورد)
- ۱۵- پيشنهاد اصلاح ماده ۲۲ قانون حمايت از کودکان بی سرپرست و بدسرپرست
- ۱۶- قانون کاهش ساعت کار بانوان شاغل دارای شرایط خاص
- ۱۷- لايحه اصلاح موادی از قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۹۱ (با تأکید بر مواد ۳۰۱ و ۳۰۲ کتاب سوم قانون مجازات اسلامي ۱۳۹۲ و ماده ۶۳۰ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامي ۱۳۷۵ (قتل در فراش))
- ۱۸- لايحه اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی (اصلاح سن ازدواج)

لازم است سياست گذاري به  
نفع مردم تغيير يابد و اراده  
متوليان به نفع مردم و برای  
مردم تغيير کند . در غير اين  
صورت همبستگي ملی ايجاد  
نخواهد شد .





۲۹- حق مادر به برداشت از حساب بانکی  
فرزند زیر ۱۸ سال خود

۳۰- تشکیل شورای فقهی حقوقی معاونت  
امور زنان به هدف جمع نظرات  
فقهی با نظرات حقوقی با موضوع  
زنان

۳۱- و....

لیست فوق تأیید کلیه خواسته‌های زنان  
نیست و چه بسا برخی از آنان با توجه به  
شرایط زمان و مکان، نیازمند بازنگری است  
. برخی از آنان نیز به مرحله ارسال نزدیک  
شد اما با تغییر در برنامه مسکوت ماند. لذا  
با عنایت به طرح‌ها و لوایحی که از آغاز در  
کشور برای رفع معضلات جامعه زنان طرح  
شده است و نیازی که در متن اجتماع شاهد  
آن هستیم، ضرورت تدوین برنامه برای  
کاهش مشکلات زنان و نیازهای آنان،  
امری لازم به حساب می‌آید.

کشورهای جهان از همکاری

زنان در رشد و پیشرفت

سرزمین خود استفاده می‌کنند

و فقط به مدیریت اجرایی

کشور و اقدامات دولت

سرزمین خود کفایت نمی‌کنند.

اگر پیوند بین مردم و افراد

مجری برنامه‌ها افزون شود،

نتایج بهتری حاصل خواهد شد.

نگاهی به قانون اعزام

دانشجو به خارج از کشور و

منع دختران مجرد یک نمونه

است - هر چند که مجلس

ششم دست به اصلاح آن

زد- ولی حداقل در می‌یابیم

که آن قانون با چه ذهنیتی

نوشته شده است. ذهنیتی که

کل ساختار قانون را با علامت

سوال مواجه می‌کند.

۱۹- پیشنهاد ایجاد مهدکودک در جوار  
زندان زنان برای کودکان زیر ۲ سال

۲۰- پیشنهاد مرخصی اجباری مادران در  
زمان آلودگی هوا

۲۱- لایحه بازنگری برخی از مواد قانون  
کار در حوزه زنان

۲۲- تنقیح قوانین مربوط به زنان

۲۳- درخواست بخشنامه از قوه قضاییه  
جهت تثبیت حق شرط زنان در ازدواج

۲۴- بازنگری و اصلاح سن مسئولیت  
کیفری اطفال در حقوق ایران

۲۵- لایحه اصلاح حق طلاق زوج در  
قانون مدنی

۲۶- برابری دیه زن و مرد در جنایات

۲۷- لایحه مجازات پدر در قتل فرزند

۸۲- اخذ رضایت‌نامه از شوهر برای اعمال  
جراحی



در صورتی که کشور در برخی موضوعات در شرف ضعف و از دست رفتن است انسجام زنان و حمایت آنان منجر به کاهش نداشته ها خواهد شد. نگاهی به خیریه ها و سایر سازمان های غیر دولتی - چه جمعی و حتی فردی - بی شک اقدامی موثر خواهد بود. حال چگونه می توان از این پتانسیل و انرژی بهره برد؟

## نتیجه مطلوب و ثمره بازنگری !

کشور های جهان از همکاری زنان در رشد و پیشرفت سرزمین خود استفاده می کنند و فقط به مدیریت اجرایی کشور و اقدامات دولت سرزمین خود کفایت نمی کنند. اگر پیوند بین مردم و افراد مجری برنامه ها افزون شود ، نتایج بهتری حاصل خواهد شد.

حال تصور کنید که برنامه ای برای کرامت زنان نباشد و دولت نیز بهایی به همکاری ندهد ، آیا زنان این سردی رابطه را تبدیل به گرمی پیوند خواهند کرد یا خیر؟ عقل می گوید که نخواهند کرد. آنها وقتی دل به انجام امور می بندند که بدانند حق آنان ادا می شود و در جامعه مورد وثوق هستند و هم دارای ارزش می باشند.

زنان به عنوان نیمه دیگر جامعه با جمعیتی تقریبی حدود چهل میلیون نفر دارای نیاز های فراوانی هستند. از ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی گرفته تا ریز برنامه هایی که می تواند همراه با رشد مباحث مطرح در کشور باشد. از کاهش فقر تا حفظ محیط زیست و ده ها نیاز دیگر .

در صورتی که کشور در برخی موضوعات در شرف ضعف و از دست رفتن است انسجام زنان و حمایت آنان منجر به کاهش نداشته ها خواهد شد. نگاهی به خیریه ها و سایر سازمان های غیر دولتی - چه جمعی و حتی فردی - بی شک اقدامی موثر خواهد بود. حال چگونه می توان از این پتانسیل و انرژی بهره برد؟



## نگاهی به داشته های حقوقی

حل آن برای همکاری با مسئولین با یأس مواجه می‌کند و هم اراده کافی در تصمیم‌گیران مشاهده نشده است.

تجربیات کسب شده نشان می‌دهد که داشتن مسئولیت در کشور، همواره همراه با چالش و موانع عدیده است و نمی‌توان از منتخبین انتظار بیش از حد توانشان داشت؛ ازین رو لازم است سیاست‌گذاری به نفع مردم تغییر یابد و اراده متولیان به نفع مردم و برای مردم تغییر کند. در غیر این صورت همبستگی ملی ایجاد نخواهد شد.

وقتی به سوابق حقوق زنان نگاه می‌کنیم، در کل برنامه‌های سه قوه مسئول، مواردی از طرح‌ها و لوایح به ثمر نرسیده است. ولی نمی‌توان از کلمه «اما» پرهیز کرد. زیرا حتی برخی مصوبه‌ها هم نیاز به بازنگری مجدد دارند. چون وقتی مورد به مورد آن قوانین و یا طرح‌ها و لوایح بررسی می‌شود، نقص‌هایی را می‌توان یافت که فقط جامعه زنان به آن پی برده و لمس کرده است و به بی‌ثمری آن دست یافته است. نگاهی به قانون اعزام دانشجویان به خارج از کشور و منع دختران مجرد یک نمونه است - هر چند که مجلس ششم دست به اصلاح آن زد - ولی حداقل در می‌یابیم که آن قانون با چه ذهنیتی نوشته شده است. ذهنیتی که کل ساختار قانون را با علامت سوال مواجه می‌کند؛ و متأسفانه اغلب این تدوین‌ها با همان ساختار ذهنی نوشته شده است. این روند در سالیان متمادی تکرار شده است. در آینده نگاهی به مصوبه های سال‌های قبل می‌اندازیم و بررسی می‌کنیم که داشته‌های قانونی زنان تا چه حد مقبول زنان کشورمان است.

در پایان نکته قابل تأمل این است که واقع بینان دریافته‌اند که مجریان در کشور برای انجام وظایفشان با چالش‌های زیادی مواجه هستند. این موانع هم دلبستگی شهروندان را در همراهی با مشکلات و



# آزادی بیان، سنگری برای برقراری حکومت قانون آزادی بیان در جوامع امروزی چگونه است؟



آرزو عزیز

وکیل پایه یک دادگستری،  
کارشناس مهدکاری اجتماعی،  
کارشناس ارشد حقوق بین الملل

## ۱. مقدمه

آزادی بیان یکی از اصول اساسی و حقوق بنیادینی است که هر فرد در جوامع دموکراتیک می‌تواند از آن برخوردار باشد. این حق مانند سایر حقوق اساسی مانند حق زندگی، حق به عدالت، حق به تربیت، حق به آموزش و حق به بهتر شدن شرایط زندگی در سنگری برای برقراری دموکراسی و حکومت قانون است. آزادی بیان به معنای حق جستجو و انتقاد و نقد و تبیین و اظهار نظر در هر موضوعی و در هر زمینه‌ای و یا به هر شکلی به همراه مسئولیت مندی است. آزادی بیان به معنای این است که هر فرد باید بتواند دیدگاه خود را بیان نماید، هر چند که این دیدگاه از دیدگاه دیگران یا حتی مردمیت متفاوت باشد. در جوامع دموکراتیک، آزادی بیان به عنوان یک حق انسانی برای همه اعضای جامعه تضمین شده است. این به معنای این است که هیچ انسانی نباید به خاطر اظهار نظر یا انتقاد خود تحت فشار قرار یا با شکنجه و یا تعقیب و دستگیری روبرو شود. این حق به معنای حق دسترسی به اطلاعات و رویدادها و توانایی انتقال آن به دیگران نیز است و از هرگونه تلاش برای محدود نمودن آن باید جلوگیری شود. این به معنای تضمین حق انسانی برای هر فرد به ابراز دیدگاه و انتقاد و حفظ آن بدون تعقیب و تمیزبینی است. حق آزادی بیان را می‌توان زمینه ساز سایر حقوق بشر دانست که در اولین اسناد حقوق بشری داخلی و بین‌المللی منعکس شده است. به موجب این تعاریف حق آزادی بیان حق هر انسانی است به اینکه اطلاعات و نظراتی خود را با هر ابزاری و حتی در ورای مرزهای ملی ابراز نماید.





## ۲. اجزاء حق آزادی بیان کدامند؟

آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسانی، شامل مجموعه‌ای از اجزا و جنبه‌های مختلف است که باید مورد حمایت و تضمین قرار گیرد. اجزای حق آزادی بیان عبارتند از:

۱- حق به انتقاد: افراد باید حق داشته باشند تا بتوانند نقدهای خود را نسبت به افراد، سازمان‌ها، دولت و نهادهای دیگر ابراز نمایند بدون اینکه تحت فشار یا سرکوب قرار گیرند.

۲- حق به اطلاعات: افراد باید دسترسی به اطلاعات و رویدادها داشته باشند و باید بتوانند این اطلاعات را به دیگران منتقل نمایند.

۳- حق به اظهار نظر: هر فرد باید حق داشته باشد تا دیدگاه و نظرات خود را بدون اینکه مورد تعقیب یا سرکوب قرار گیرد، بیان نماید.

۴- حق به تحقیق و تبیین: افراد باید حق داشته باشند تا به تحقیق و تبیین موضوعات و مسائل مختلف بپردازند و این اطلاعات را منتشر نمایند.

۵- حق به انتشار: افراد باید حق داشته باشند تا اطلاعات و نظرات خود را در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی مختلف منتشر نمایند.

۶- حق به اعتراض: افراد باید حق داشته باشند تا علیه مواضع و اقدامات نادرست و ناعادلانه اعتراض نموده و اقدامات مناسبی را برای تغییر آنها انجام دهند.

تضمین این اجزا و جنبه‌های حق آزادی بیان در جوامع دموکراتیک و احترام به آنها، اساسی برای حفظ دموکراسی و حقوق بنیادین انسانی است. حفظ آزادی بیان به معنای تضمین حق انسانی افراد به بیان دیدگاه خود بدون هرگونه تهدید یا تعقیبی است.

**آزادی بیان یکی از اصول اساسی و**

**حقوق بنیادینی است که هر فرد در**

**جوامع دموکراتیک می‌تواند از آن**

**برخوردار باشد. این حق مانند سایر**

**حقوق اساسی مانند حق زندگی، حق به**

**عدالت، حق به تربیت، حق به آموزش**

**و حق به بهتر شدن شرایط زندگی در**

**سنگری برای برقراری دموکراسی و**

**حکومت قانون است.**



### ۳. آیا امکان تضمین حق آزادی بیان وجود دارد؟

۱- اعلامیه جهانی حقوق بشر: این اعلامیه به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد حقوق بشری، حق آزادی بیان را به طور صریح در ماده ۱۹ تضمین نموده است که هر فرد حق دارد به آزادی نظر، بیان و اطلاعات دست یابد.

۲- کنوانسیون اروپایی حقوق انسان: این کنوانسیون نیز حق آزادی بیان را تضمین نموده است و در ماده ۱۰ آن آمده است که هر کس حق دارد به آزادی نظر و بیان دست یابد.

۳- کنوانسیون آمریکایی حقوق انسان: این کنوانسیون نیز حق آزادی بیان را تضمین نموده و در ماده ۱۳ آن به آزادی نظر، بیان و انتشار اطلاعات اشاره شده است.

این اسناد و موافقتنامه‌ها تأکید می‌نمایند که حق آزادی بیان یک حق اساسی انسانی است و هر فرد باید بتواند بدون ترس از تعقیب یا محدودیت‌ها دیدگاه‌ها و نظرات خود را بیان کند.

اما مهم‌ترین موضوع در تضمین حق آزادی بیان، اجرای و پایبندی به این حق است. به عبارت دیگر، تنها جاسازی این حق در قوانین کافی نیست بلکه باید اطمینان حاصل شود که افراد به آزادی بیان خود بدون هیچگونه محدودیت، تهدید یا تعقیبی دسترسی داشته باشند. همچنین، باید زیرساخت‌های لازم برای آموزش و اطلاع‌رسانی درباره اهمیت و حدود حق آزادی بیان فراهم شود. در نهایت، تضمین حق آزادی بیان نیازمند همکاری و توجه مسئولین دولتی، جامعه مدنی و رسانه‌ها است تا این حق اساسی و انسانی حفظ شود و افراد بتوانند بدون هیچ محدودیتی نظرات و دیدگاه‌های خود را بیان نمایند.

بله، می‌توان حق آزادی بیان را تضمین نمود. برای تضمین این حق در ادیان و اسناد داخلی و بین‌المللی بسیار از آزادی بیان صحبت شده است، آموزه‌های ادیان الهی، موبد کلیت حق آزادی بیان هستند. در خصوص دیدگاه دین اسلام: (در مورد آزادی بیان باید گفت که اسلام با این گونه آزادی تا حدی که به حقوق دیگران و منافع جامعه اسلامی لطمه نزند موافق است.) سیره پیامبر اسلام و خلفای راشدین، احترام به آزادی عقیده و بیان و انتقاد پذیری بوده است. حضرت علی (ع) در دوران خلافت خود مردم را دعوت می‌نمود که حرف حق خود را بگویند و نیندارند که او هرگز اشتباه نمی‌کند.<sup>۱</sup> یکی از نمونه‌های تأیید آزادی بیان در اسلام، حدیثی از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است که فرمود: «هر کس نشانه خیری ببیند، باید آن را ابراز کند»، که نشان‌دهنده تأکید بر اهمیت ابراز نظر و آزادی بیان در اسلام است. در مورد عقاید دین یهود در این خصوص گفته شده است: «در کتاب مقدس ..... برای آزادی بیان اشاره خاصی وجود ندارد، اما رفتارهای ارشادی و انتقادی پیامبران بنی اسرائیل به عنوان الگوی دیگران در مقابل حکومت‌های زمان را می‌توان نوعی تأیید ضمنی آزادی بیان تلقی نمود»<sup>۲</sup> از طرفی بسیاری از کشورها و سازمان‌ها این حق را در قوانین و مواد مختلف تضمین نموده‌اند. به عنوان مثال، اعلامیه جهانی حقوق بشر، اسناد مربوط به حقوق انسان در اتحادیه اروپا، قانون اساسی برخی کشورها و قوانین مولفه‌ای در بسیاری از کشورها شامل تأکید بر حق آزادی بیان است. برخی از مهم‌ترین اسناد که این حق را تضمین کرده‌اند عبارتند از:

۱. صفایی: ۱۱-۱۲

۲. هاشمی، ۱۳۸۴: ۹۲





## ۴. پیگیری و حفاظت و اجرای حق آزادی بیان چه تأثیراتی بر جامعه دارد؟

اجرای حق آزادی بیان در جوامع بسیاری از تأثیرات مهم و مثبتی دارد. در زیر به برخی از آثار این حق در جوامع اشاره می‌کنم:

۱- تقویت دموکراسی: اجرای حق آزادی بیان باعث تقویت نظام دموکراتیک و حکومت قانون می‌شود. این حق افراد را قادر می‌سازد تا نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را بیان کنند و در تصمیم‌گیری‌های عمومی شرکت کنند.

۲- افزایش شفافیت و اطلاع‌رسانی: اجرای حق آزادی بیان باعث افزایش شفافیت و اطلاع‌رسانی در جامعه می‌شود. این امر باعث افزایش دسترسی مردم به اطلاعات مهم و کاهش فساد در سطح دولتی و اداری می‌شود.

۳- تحقق دیالوگ و تعامل: اجرای حق آزادی بیان فضایی را برای بحث، تبادل اندیشه و تعامل بین افراد و گروه‌های مختلف فراهم می‌نماید. این امر باعث فرهنگ سخنرانی، قبول انتقاد، گفت‌وگو و همکاری می‌شود.

۴- تقویت حقوق انسانی: اجرای حق آزادی بیان باعث تقویت و حفظ حقوق انسانی در جامعه می‌شود. این حق محدودیت‌های دولت و افراد قدرتمند را برای تضمین حقوق همه افراد اعم از اقلیت‌ها، افراد مستضعف یا اقشار جامعه مختلف، می‌کند.

۵- ترویج نوآوری و پیشرفت: اجرای حق آزادی بیان باعث ترویج نوآوری، اندیشه‌های نو و تحول در جوامع می‌شود. این امر باعث افزایش رقابت، تحولات فرهنگی و اجتماعی و پیشرفت علمی و فناوری می‌شود.

به طور کلی، اجرای حق آزادی بیان در جوامع تأثیرات بسیار مثبتی ایجاد می‌نماید و باعث تقویت دموکراسی، افزایش شفافیت و اطلاع‌رسانی، تحقق دیالوگ و تعامل، تقویت حقوق انسانی و ترویج نوآوری و پیشرفت می‌شود. این حق به عنوان یکی از اصول اساسی دموکراسی و حقوق انسانی، نقش مهمی در تقویت جوامع آزاد، عادلانه و پیشرفته ایفا می‌نماید.



حق آزادی بیان را می‌توان زمینه‌ساز سایر حقوق بشر دانست که در اولین اسناد حقوق بشری داخلی و بین‌المللی منعکس شده است. به موجب این تعاریف حق آزادی بیان حق هر انسانی است به اینکه اطلاعات و نظرهای خود را با هر ابزاری و حتی در ورای مرزهای ملی ابراز نماید.

## ۵. در طول زمان چه تغییراتی در حق آزادی بیان ایجاد شده است؟

حق آزادی بیان در طول زمان تغییرات زیادی داشته است. از قرون قدیم تا امروز، این حق در جوامع مختلف به شکل‌ها و اندازه‌های مختلفی تصور و تعریف شده است. در ادامه نکاتی راجع به تغییراتی که حق آزادی بیان در طول زمان تجربه کرده است، ذکر می‌کنم:

۱- تطور فکری و فرهنگی: تحولات فکری و فرهنگی در طول تاریخ انسان‌ها، تأثیر چشمگیری بر تعریف و تفسیر حق آزادی بیان داشته است. نگرش‌ها و اندیشه‌ها نسبت به آزادی بیان در گذر زمان تغییر و به شکل‌های مختلفی تبدیل شده‌اند.

۲- مقررات و قوانین: قوانین و مقررات مرتبط با آزادی بیان نیز تغییرات زیادی را تجربه نموده‌اند. در بسیاری از جوامع، قوانین مختلفی برای تنظیم و محدود نمودن آزادی بیان ایجاد شده است و این قوانین نیز با گذر زمان ممکن است تغییراتی داشته باشند.

۳- تضادها و تضادات: تضادات و اختلافات نظری در مورد حق آزادی بیان از دیرباز تا کنون وجود داشته است. این تضادها ممکن است ناشی از مواقع مختلفی مانند ایدئولوژی، مذهب، منافع سیاسی و اجتماعی و ... باشند.

۴- پیشرفت‌های فناوری: پیشرفت‌ها در فناوری و رسانه‌ها نیز تأثیر بزرگی بر حق آزادی بیان داشته‌اند. فناوری‌های مدرن مانند اینترنت و شبکه‌های اجتماعی، فضای جدیدی برای ابراز و انتقال اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها فراهم نموده که ممکن است به طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر بر حق آزادی بیان داشته باشند.

به طور کلی، حق آزادی بیان در طول زمان تغییراتی داشته است که ممکن است ناشی از عوامل مختلفی نظیر تطورات اجتماعی و فرهنگی، قوانین و قوانین، تضادها و تعارضات اندیشه‌ها، و تکنولوژی باشند. به دلیل پیچیدگی این تغییرات، ادامه تجربه و بحث درباره حق آزادی بیان از اهمیت بالایی برخوردار است.

**اعلامیه جهانی حقوق بشر به عنوان یکی از مهم‌ترین اسناد حقوق بشری، حق آزادی بیان را به طور صریح در ماده ۱۹ تضمین نموده است که هر فرد حق دارد به آزادی نظر، بیان و اطلاعات دست یابد.**





## ۶. نقش حق آزادی بیان در جوامع دموکراتیک چیست؟

حق آزادی بیان به عنوان یکی از اصول اساسی دموکراسی، تأثیر بسزایی بر جوامع دموکراتیک دارد. در زیر تأثیرات اصلی حق آزادی بیان بر جوامع دموکراتیک را بررسی می‌کنم:

۱- افزایش شفافیت و اطلاع‌رسانی: حق آزادی بیان افراد و رسانه‌ها به انتقاد، تحلیل و انتشار اطلاعات مهم برای جامعه را تضمین می‌نماید. این امر باعث افزایش شفافیت و اطلاع‌رسانی در جامعه شده و زمینه‌ساز تصمیم‌گیری‌های هوشمندتر و دقیق‌تر می‌شود.

۲- تحقق دیالوگ و تبادل اندیشه: حق آزادی بیان انسان‌ها را قادر می‌سازد که اندیشه‌ها، ایده‌ها و دیدگاه‌های خود را به طور آزاد ابراز نموده و با دیگران بحث و تبادل نظر کنند. این امر باعث تقویت فرهنگ دیالوگ و تعامل در جوامع دموکراتیک می‌شود.

۳- حفظ حقوق انسانی: حق آزادی بیان به عنوان یکی از حقوق اساسی انسانی، حفظ حقوق و آزادی‌های شهروندان را تضمین می‌نماید. این امر باعث ایجاد تعادل بین حقوق شهروندان، قدرت دولت و انحصار گروه‌های قدرتمند می‌شود.

۴- مسئولیت‌پذیری دولت: حق آزادی بیان به شهروندان این قدرت را می‌دهد که بتوانند دولت را به مسئولیت‌پذیری در اجرای سیاست‌ها و تصمیمات عمومی ملزم نمایند. این امر باعث ایجاد حکومت‌های مسئولیت‌پذیرتر و پاسخگوتر می‌شود.

۵- تعزیز پیشرفت و نوآوری: حق آزادی بیان با ایجاد فضایی برای ابراز اندیشه‌های نو و نظرات مختلف، به تحول و پیشرفت در جوامع دموکراتیک کمک می‌نماید. این امر باعث افزایش نوآوری، تحولات فرهنگی و اجتماعی و رشد اقتصادی می‌شود.

به طور کلی، ( اجرای حق آزادی بیان ، پیش نیاز ضروری است برای پیشرفت دموکراسی و تحقق دیگر مصادیق حقوق بشر) حق آزادی بیان در جوامع دموکراتیک نقش بسزایی در تقویت اصول دموکراسی، تعزیز شفافیت و مسئولیت‌پذیری و تحقق پیشرفت و نوآوری دارد. این حق نه تنها به ارزش‌های دموکراسی و حقوق انسانی پایبند می‌شود، بلکه باعث تحقق اهداف و ارزش‌های برجسته انسانی در جوامع می‌شود.



## ۷. آیا می‌توان آزادی بیان را محدود نمود؟

در برخی موارد ممکن است آزادی بیان محدود شود. این محدودیت‌ها معمولاً به دلایل امنیتی، حفظ نظم عمومی، جلوگیری از ترویج دعوا و تحریض به خشونت، حفظ حقوق دیگران، جلوگیری از ترویج اطلاعات غلط یا آزار و اذیت دیگران، تحقق اهداف دولتی و اجتماعی و موارد مشابه صادر می‌شود. به هر حال، محدودیت‌های اعمال شده برای آزادی بیان باید به طور متعادل و با رعایت اصول حقوق بشر و اصول دموکراسی اعمال شود. همچنین، باید اطمینان حاصل شود که محدودیت‌های اعمال شده تنها زمانی و به اندازه لازم برای حفاظت از مصالح عمومی و حقوق افراد اعمال می‌شوند و به هیچ عنوان به منظور قمع شدن آزادی بیان و تضییع حقوق انسانی نیست. با این حال، ایجاد محدودیت‌های عقلانی و قابل قبول برای آزادی بیان امری دور از ذهن نیست و اهمیت بالقوه حفظ حقوق و آزادی‌های دیگر افراد هم باید در نظر گرفته شود تا از تضاد و تعارض در محدودیت‌های اعمال شده جلوگیری شود. به موجب اسناد بین‌المللی همچون بند ۳ ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی که ابراز می‌دارد: (اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی بشود که در قانون تصریح شده و برای امور ذیل ضرورت داشته باشد. الف: احترام حقوق یا حیثیت دیگران ب: به حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی) می‌توان آزادی بیان را محدود کرد فقط کافی است چنین محدودیتی با این شرایط سه گانه باشد ۱- محدودیت حق آزادی بیان مبتنی بر یک قانون باشد، ۲- محدودیت مذکور با هدف و احترام به حقوق یا حیثیت دیگران امنیت ملی نظم عمومی سلامت عمومی یا اخلاق عمومی باشد، ۳- محدودیت مذکور برای حفظ یا ترویج هدف مورد نظر ضروری باشد. گزارشگر آزادی بیان این معیارها را این گونه نامگذاری کرده است: قانونی بودن (legality) مشروعیت (legitimacy) و تناسب و ضرورت دموکراتیک. (necessity proportionality and democratic) <sup>۴</sup>

4. Hussain a. 1994

**اجرای حق آزادی بیان باعث تقویت نظام دموکراتیک و حکومت قانون می‌شود. این حق افراد را قادر می‌سازد تا نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را بیان کنند و در تصمیم‌گیری‌های عمومی شرکت کنند.**



## نتیجه گیری

حق آزادی بیان یکی از حقوق اساسی و انسانی است که به افراد اجازه می‌دهد نظرات، ایده‌ها، دیدگاه‌ها و اطلاعات خود را بدون تهدید یا محدودیت از سوی دولت یا سازمان‌های دیگر بیان نمایند. این حق در دستور کار حقوق بشر و قوانین بسیاری از کشورها و سازمان‌ها تأکید شده است. (حقوق بشر جز با یک اقدام عمومی ترویج نخواهد شد. مردم باید از ارزش این حقوق آگاه شوند. فقط از طریق بحث آزاد و عمومی می‌توان اعتقاد به این حقوق را محقق نمود).<sup>۵</sup> حق آزادی بیان شامل حق به دسترسی به اطلاعات، حق به انتشار اطلاعات، حق به بیان نظرات و دیدگاه‌ها، حق به جستجوی علمی و همچنین حق به تحقیق و پژوهش است. این حق به طور اساسی برای تضمین دموکراسی، حفظ حقوق انسانی و پیشرفت جامعه بسیار اهمیت دارد.

از طرفی همانطور که می‌دانیم حقوق بشر به دو دسته حقوق مثبت و حقوق منفی تقسیم می‌شوند. حقوق منفی، حقوقی هستند که اصولاً برای تأمین آنها نیازی به مداخله دولت نیست و فقط کافی است دولت مانع اعمال این حقوق نشود اما حقوق مثبت حقوقی هستند که تأمین آنها بدون مداخله فعال دولت محقق نمی‌شود، حق بر آزادی بیان جزء حقوقی است که نه تنها دولت‌ها نباید در آن دخالت نمایند بلکه جهت تضمین این حقوق باید اقدامات مثبت عملی نیز اتخاذ نمایند.

5. Hussain 1995 : 139

### منابع:

۱. صفایی، سید حسین (۰۷۳۱)، حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۷۲، ۵۱-۱
۲. هاشمی، سید محمد (۴۸۳۱). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی: نشر میزان
3. Simons. D. 2006 central Asian pocketbook on freedom of expression. London. Article 19
4. Hussain a. 1994. Report of UN special rapporteur on the Promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression. Un doc. e/cn.4/1994/32
5. Hussain a. 1995. Report of UN special rapporteur on the Promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression. Un doc. e/cn.4/1994/32





سید محسن مفیدی  
دانش آموخته  
کارشناسی ارشد  
حقوق بشر

## حقوق و آزادی‌های اساسی

زنان در پرتو قانون اساسی

## جمهوری اسلامی ایران

### مفهوم حقوق و آزادی‌های اساسی

حقوق و آزادی‌های اساسی به حقوق و آزادی‌هایی اطلاق می‌شود که به عنوان اصول و ارزش‌های بنیادین و غیرقابل تعدیل توسط دولت یا سایر افراد شناخته می‌شوند. این حقوق و آزادی‌ها معمولاً در قوانین اساسی یا اسناد حقوق بشر بیان می‌شوند و برای تمام افراد بدون تبعیض اعمال می‌شوند. به عنوان مثال، حقوق مدنی و سیاسی، حقوق اقتصادی و اجتماعی، حقوق فرهنگی و حقوق محیط زیست می‌توانند به عنوان حقوق و آزادی‌های اساسی محسوب شوند.

### مفهوم آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به آموزه‌های اسلام و تأکید آن بر آزادی انسان‌ها، شاهد آن هستیم که علاوه بر اشاره درباره اهمیت و مبانی آزادی در اصول متعدد آن، به انواع آزادی نیز پرداخته شده و ضمن بیان برخی محدودیت‌های آزادی، تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی شهروندان در چارچوب قوانین از وظایف دولت بر شمرده شده است. در مقدمه قانون اساسی به شعار آزادی به عنوان یکی از شعارها و اهداف اصلی ملت ایران اشاره گردیده است. در همین مقدمه آزادی و کرامت بشر به عنوان یکی از اهداف پیشروی رسانه‌های جمعی مد نظر و مورد تأکید واقع شده است. در این رابطه آمده است: «وسایل ارتباط جمعی (رادیو-تلویزیون) بایستی در جهت روند تکاملی



انقلاب اسلامی در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد و در این زمینه از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید و از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز کند. پیروی از اصول چنین قانونی که «آزادی» و کرامت ابناء بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را می‌گشاید بر عهده همگان است. «در بند ششم اصل دوم قانون اساسی و در ذیل بیان پایه های نظام جمهوری اسلامی ایران به صراحت از آزادی توأم با مسئولیت انسان سخن گفته شده است و در اصل یک آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیر برشمرده شده اند. ذکر آزادی در کنار عناصری چون استقلال، وحدت و تمامیت ارضی از تأکید زیاد نظام اسلامی ایران بر این مفهوم حکایت دارد. البته در ادامه این اصل سخن ظریف و دقیقی نیز بیان شده است: «هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند» در این اصل به حدود و محدودیت‌های آزادی اشاره گردیده است که واکاوی

– قوانینی که به طور مستقیم یا

غیر مستقیم علیه زنان تبعیض قائل

می‌شوند، باید مورد بازبینی و اصلاح

قرار گیرند. این شامل قوانین

خانواده، ارث، و قوانین کیفری است

که در برخی موارد به نفع مردان

تفسیر می‌شوند.



مانند جنسیت نقشی ندارند و انسان به ما هو انسان موضوع بحث قرار می‌گیرد، نقش موازین اسلامی به عنوان مانع، کمرنگ و حتی می‌توان گفت در حد صفر است. اصل ۲۱ قانون اساسی متضمن ضرورت برقراری برخی تبعیض‌های مثبت در حوزه تأمین اجتماعی است. بند دو این ماده، حمایت از مادران را به ویژه در دوران بارداری و حضانت فرزند و بند چهار، ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی سرپرست را مقرر می‌دارد. البته اختصاص حمایت تأمین اجتماعی به زنان در دوران بارداری موجه است زیرا این تبعیض بر مبنای تفاوت‌های بیولوژیکی زنان و مردان مقدر شده است.

البته اختصاص حمایت تأمین اجتماعی در دوران حضانت به زنان می‌تواند نوعی تبعیض ناموجه به زیان مردان باشد، زیرا در عمل مردان هم ممکن است حضانت فرزند خود را بر عهده داشته باشند. علاوه بر این، بر اساس مقررات قانونی، زن و شوهر هر دو تکلیف حضانت را بر عهده دارند (مواد ۱۱۳۱ قانون مدنی). بررسی آرای دیوان عدالت اداری مرتبط با تأمین اجتماعی در پرتو اصل برابری می‌تواند در ارزیابی عملکرد دیوان عدالت اداری و گسترش ادبیات حقوقی تأمین اجتماعی مؤثر باشد. در اینجا نمونه‌ای از آرای دیوان عدالت اداری بررسی می‌شود. به موجب بند «ب» تبصره ۱ مواد ۲ قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری که در تاریخ ۱۳۰۷/۳/۱۷

و ترسیم آن نیاز به بحث مطول دیگری دارد. انواع دیگر مفهوم آزادی، چون آزادی اقتصادی، آزادی در انتخاب شغل و آزادی بیان و نشر افکار در اصولی چون اصل ۲۴، ۴۳ و ۱۷۵ به چشم می‌خورد. این امر نشان از توجه قانون اساسی به انواع آزادی و ذکر مصادیق مشخصی از آن است.

## موقعیت حقوقی زنان در قانون اساسی

وفق اصل ۲۷ زن و مرد به طور یکسان در حمایت قانونی قرار می‌گیرند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند. البته ضمانت یکسان زن و مرد در برابر قانون، زمانی معنای واقعی خود را می‌یابد که قوانین عادی و موضوعه، تبعیض آمیز و ناعادلانه نباشد و زن و مرد را از حقوق مساوی برخوردار کرده باشد. در غیر این صورت حمایت یکسان، خود نوعی تبعیض محسوب می‌شود بنابراین به استناد اصول یادشده، زنان از کلیه حقوق انسانی و به طور خاص حقوق تأمین اجتماعی، به صورت مساوی با مردان برخوردارند و منعی برای آنها نباید وجود داشته باشد تنها قیدی که اصل بیستم قانون اساسی بیان می‌کند، رعایت موازین اسلام است. هرچند در حوزه حقوق خصوصی، تأثیرگذاری موازین اسلامی و نقش آن پررنگتر است.

در حوزه حقوق عمومی و از جمله در تأمین اجتماعی، به این دلیل که خصوصیات فردی

– این حقوق و آزادی‌ها معمولاً در قوانین اساسی یا اسناد  
حقوق بشر بیان می‌شوند و برای تمام افراد بدون تبعیض  
اعمال می‌شوند.

داشته باشند. بنابراین، سابقه اشتغال زنان کارگر در مشاغل غیر از مشاغل مشمول قانون کار لحاظ نمی‌شود. به طور کلی، شکایتی در دیوان عدالت اداری در خصوص این بخشنامه مطرح شد و هیئت عمومی دیوان، بند دوم بخشنامه را در قسمت اول، مغایر با قانون تشخیص داد و آن را ابطال کرد.

## آزادی زنان در پرتو قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

### تضمین‌های قانونی آزادی زنان

اصل بیستم قانون اساسی: این اصل به صراحت بیان می‌کند که همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

به موجب ماده واحده اصلاح شده است، مستخدمان زن با داشتن بیست سال سابقه خدمت می‌توانند بازنشسته شوند. عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که برای زنان کارگر نیز چنین مقرره‌ای پیش‌بینی شود و بر این اساس، مقررات اجتماعی مزایای بیشتری برای آنها در نظر گرفته شود. مواد واحده‌ای در تاریخ ۱۳۰۳/۰۱/۱ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و به موجب آن، تبصره‌ای به عنوان تبصره ۴ به ماده ۳۰ قانون تأمین اجتماعی الحاق شد. این تبصره مقرر می‌دارد: «زنان کارگر با داشتن ۲۷ سال سابقه کار و ۴۲ سال سن به شرط پرداخت حق بیمه با ۲۷ روز حقوق می‌توانند بازنشسته شوند.» با وجود این، سازمان تأمین اجتماعی با صدور بخشنامه‌ای نحوه اجرای تبصره ۴ الحاقی را با قید شرایطی مواجه ساخته بود، به نحوی که استفاده زنان کارگر از مزایای بازنشستگی را منوط به این کرده بود که چنین زنانی در تمام دوران خدمت در مشاغل مشمول قانون کار فعالیت

# HUMAN RIGHTS



تصمیم‌گیری سیاسی محدود است.

تبعیض در بازار کار: زنان در بازار کار ایران با تبعیض‌هایی مانند نابرابری دستمزد، محدودیت در دسترسی به مشاغل خاص و تبعیض در ارتقاء شغلی روبرو هستند.

## راهکارهای بهبود وضعیت آزادی زنان در ایران اصلاحات قانونی:

تغییر قوانین تبعیض‌آمیز: قوانینی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم علیه زنان تبعیض قائل می‌شوند، باید مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرند. این شامل قوانین خانواده، ارث، و قوانین کیفری است که در برخی موارد به نفع مردان تفسیر می‌شوند.

تضمین برابری حقوقی: اصل برابری زن و مرد باید در همه قوانین و مقررات به طور کامل رعایت شود و هیچ استثنائی برای آن قائل نشود.

تقویت قوانین حمایت از زنان: قوانینی که از زنان در برابر خشونت، آزار و اذیت، و تبعیض محافظت می‌کنند، باید تقویت شوند و اجرای آنها به صورت جدی پیگیری شود.

## بهبود وضعیت اقتصادی با ترویج کارآفرینی زنان:

توضیح: ایجاد محیطی حمایتی و فراهم کردن تسهیلات لازم برای زنان کارآفرین، یکی از راه‌های موثر برای افزایش مشارکت اقتصادی زنان است. این شامل مواردی مانند آموزش‌های تخصصی در زمینه کارآفرینی، دسترسی به منابع مالی، مشاوره‌های کسب‌وکار، و فراهم کردن شبکه‌های ارتباطی برای زنان کارآفرین می‌شود.

اهمیت: کارآفرینی به زنان اجازه می‌دهد تا بر اساس ایده‌ها و توانایی‌های خود کسب‌وکاری

مشارکت سیاسی: قانون اساسی ایران حق رأی و نامزدی برای زنان را در همه انتخابات به رسمیت شناخته است.

تحصیلات: زنان ایرانی حق تحصیل در همه مقاطع تحصیلی را دارند و در بسیاری از رشته‌ها به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند.

اشتغال: زنان ایرانی حق کار و اشتغال در مشاغل مختلف را دارند.

## محدودیت‌های آزادی زنان در ایران

با وجود تضمین‌های قانونی، آزادی زنان در ایران با محدودیت‌هایی نیز روبرو است که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

قوانین خانواده: قوانین خانواده در ایران، از جمله قوانین مربوط به ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان و ارث، اغلب به نفع مردان است و آزادی عمل زنان را محدود می‌کند.

حجاب اجباری: حجاب اجباری یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های آزادی‌های فردی زنان در ایران است.

مشارکت سیاسی محدود: با وجود حق رأی و نامزدی، حضور زنان در سطوح بالای





ایجاد کنند  
و استقلال اقتصادی پیدا کنند.  
همچنین، کارآفرینی زنان می‌تواند به رشد  
اقتصادی کشور و ایجاد اشتغال کمک کند.

مثال: بسیاری از کشورها برنامه‌های  
حمایتی از کارآفرینی زنان را اجرا کرده‌اند.  
به عنوان مثال، برنامه‌های وام‌های خرد

برای زنان کارآفرین در کشورهای در حال  
توسعه بسیار موفق بوده است.

### آموزش و آگاهی‌بخشی:

آموزش حقوق زنان: آموزش حقوق زنان به  
دختران و پسران از سنین پایین.

آگاهی‌بخشی در مورد خشونت علیه زنان:  
افزایش آگاهی عمومی در مورد انواع  
خشونت علیه زنان و راه‌های مقابله با آن.

ترویج فرهنگ گفت‌وگو و تحمل: ایجاد  
فضایی برای گفت‌وگو و تبادل نظر در مورد  
مسائل جنسیتی.

– حقوق مدنی و سیاسی، حقوق

اقتصادی و اجتماعی، حقوق

فرهنگی و حقوق محیط زیست

می‌توانند به عنوان حقوق و

آزادی‌های اساسی محسوب

شوند.

### منابع:

۱. عصمتی، زینب، حسینی، سیده لطیفه و حسین‌مردی، محمدمهدی (۱۳۷۲). جایگاه حقوق رفاهی زنان در چتر حمایتی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تأمین اجتماعی به مثابه حق بشری. زن در توسعه و سیاست، ۳۱(۳)، ۶۹۳-۷۱۶.

۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۳. حضوری، مصطفی. (۱۳۹۵). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی: بررسی مفهوم «آزادی». تهران: دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی.

4. "The International Bill of Human Rights: Universal Declaration of Human Rights, International Covenant on Civil and Political Rights, International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights".

5. UN Women. (2015). "The Role of Education in Promoting Gender Equality and Empowering Women." Retrieved from [https://www.unwomen.org/en/news/in-focus/gender-equality-in-the-2030-agenda](https://www.unwomen.org/en/news/in-focus/gender-equality-in-the-2030-agenda)

6. Merry, S. E. (2006). "Transnational Human Rights and Local Activism: Mapping the Middle." \*American Anthropologist\*, 108(1), 38-51. doi:10.1525/aa.2006.108.1.38.

7. Kelley, D. J., Singer, S., & Herrington, M. (2016). \*Global Entrepreneurship Monitor 2016/2017 Global Report\*. Global Entrepreneurship Research www.gemconsortium.org/report](https://www.gemconsortium.org/report)



# شکستن سکوت زنان، جرقه ای در حقوق محیط زیست



فاطمه قارمنی‌نسب  
کارشناس حقوق بین‌الملل

## چکیده

امروزه بحران‌های زیست محیطی به یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی تبدیل شده است و همه می‌دانند که محیط زیست یک ثروت خدادادی است. این مقاله با بیان نقش تاریخی و معاصر موفقیت‌های زنان در برخی چالش‌های زیست محیطی و بررسی حساسیت‌های ویژه زنان نسبت به آسیب‌های زیست محیطی، سعی در شکستن سکوت زنان و افزایش مشارکت فعال و آگاهانه زنان در پیگیری و حل مسائل زیست محیطی دارد. در این مقاله بررسی شده و برای بررسی عملکرد این قوانین از روش تحلیل تطبیقی استفاده شده است. و در نهایت در نتایج تحقیق مشاهده شد که نه تنها مشارکت زنان در مسائل زیست محیطی یکی از مولفه های حقوق بشر و گامی رو به جلو برای مبارزه با تبعیض جنسیتی و تحقق عدالت جنسیتی است، بلکه همانطور که در تجربیات تاریخی حضور زنان بیشتر می‌تواند راه حل‌های پایدارتر و موثرتری برای مقابله با بحران‌های زیست محیطی ارائه دهد و این پیگیری و مشارکت زنان باید همزمان و به موازات رشد صنعتی و رشد تفکر سرمایه داری علیه محیط زیست پیش برود.

## کلید واژه

حقوق محیط زیست، عدالت زیست محیطی، اکوفمینیست، حقوق زنان، جامعه زیست محور

## مقدمه

مقاله حقوق زنان که شامل مواردی چون امکانات اقتصادی، مشارکت سیاسی، فرصت های آموزشی و حقوق باروری است، تأثیر مستقیمی بر نحوه تعامل جوامع و مدیریت محیط دارد. کنوانسیون‌های جنسیتی سنتی در مدیریت خانوار، به عنوان مثال، در رابطه با وظایف مربوط به جمع آوری غذا، سوخت و آب، معمولاً نقش زنان را در پایداری محیط زیست در اکثر کشورهای در حال توسعه کنترل می‌کند.

رابطه بین حقوق زنان و چالش‌های زیست محیطی عمیقاً با اصول عدالت اجتماعی و پایداری زیست محیطی مرتبط است. ارتباط بین این دو در مورد شناسایی و اصلاح بی عدالتی‌های سیستمی است که هم نابرابری جنسیتی و هم آسیب‌های زیست محیطی را افزایش می‌دهد. (Echterling, C. ۲۰۱۶) این عنوان تنها به چگونگی تأثیرگذاری زنان از تخریب محیط زیست یا مشارکت آنها در مدیریت منابع طبیعی نمی‌پردازد. در این



منطقه متمرکز هستند یا به طور کامل در نظر نمی‌گیرند که چگونه حقوق زنان می‌تواند بر تغییرات مرتبط با محیط زیست در چشم‌انداز جهانی تأثیر بگذارد. بنابراین، این مقاله سعی دارد با ارائه چنین تحلیلی که به ابعاد گسترده‌تر می‌نگرد، این خلأ را پر کند. حقیقت این است که زنان کمتر حضور دارند، گرچه از دیرباز متولی و مدیر منابع طبیعی، داروهای گیاهی و زمین‌های کشاورزی در بسیاری از جوامع روستایی و بومی بوده‌اند و امروزه بخش مهمی از نهادهای حامی محیط زیست هستند. همه این نقش‌ها ارتباط نزدیک با محیط نزدیک

آثار مهم مختلفی بر جنسیت و محیط زیست متمرکز شده است. به عنوان مثال، آگاروال (۱۹۹۲)، اهمیت زنان روستایی هند را در مدیریت جنگل‌ها، علیرغم اینکه مشاهدات آنها به طور کلی از تصمیم‌گیری‌های سیاسی دور نگه داشته می‌شود، تشریح کرد. به طور مشابه، دانکلن و دیویدسون (۲۰۱۳) بررسی کردند که چگونه زنان کشورهای توسعه نیافته جزو فقیرترین قربانیان تغییرات آب و هوایی هستند، زیرا آنها به طور مستقیم برای امرار معاش به منابع طبیعی وابسته هستند. با این حال، بیشتر این گونه نوشته‌ها بر



بهبود حقوق زنان برای انواع مختلف مسائل زیست محیطی عمومی و مسئله برابری حیاتی است.

درک و پرداختن به رابطه بین پایداری محیط زیست و حقوق زنان به چند دلیل ضروری است. اولاً، نشان داده شده است که زنانی که توانمند هستند، مراقبان بهتری از محیط زیست هستند. مطالعات مکرراً نشان می‌دهند که نتایج زیست‌محیطی بهتر ناشی از دسترسی برابر زنان به منابع و اختیارات تصمیم‌گیری است (لیچ، ۱۹۹۲). به عنوان مثال، پایداری منابع و انعطاف‌پذیری جامعه اغلب به طور قابل توجهی در مناطقی که زنان در مدیریت منابع آب یا جنگل مشارکت داشته‌اند بهبود می‌یابد (آگاروال، ۲۰۰۱). به خصوص این پیوند نشان می‌دهد که بهبود برابری جنسیتی می‌تواند نه تنها اجتماعی یا اخلاقی باشد، بلکه تاکتیکی مفید در ارتقای پایداری محیطی نیز باشد. گنجاندن زنان در مدیریت محیط زیست ممکن است منجر به ایجاد سیاست‌هایی شود که جامع‌تر و معطوف به سطح محلی باشد. زنان اغلب دیدگاه‌های منحصربه‌فردی در مورد مدیریت محیطی ارائه می‌دهند، ارزش بیشتری برای سلامت جوامع و خانواده‌های خود قائل هستند و بر پایداری بیش از بازگشت فوری تأکید می‌کنند (نایتینگل، ۲۰۰۶). این دیدگاه‌ها برای مقابله با مشکلات پیچیده و مرتبط تخریب محیط زیست که نیازمند راه‌حل‌های جامع و پیش‌رونده است، ضروری است، همچنین نقش زنان از نظر دانش خاص در اکوسیستم‌های منطقه و مشارکت آنها با مدیریت تنوع زیستی، نقشی اساسی در مبارزه با تغییرات اقلیمی ایفا می‌کند. به عنوان تخریب محیط زیست در بیشتر فرهنگ‌ها، دانش سنتی مربوط به کشاورزی، گیاهان دارویی و مدیریت منابع طبیعی از طریق زنان منتقل می‌شود. دانش آنها

را پیش‌فرض می‌گیرند. از این رو، مشکلات و تغییرات اکولوژیکی آن بسیار ارزشمند است. در عین حال، بیشتر این کارکردها فرصت‌های زنان را برای دریافت ابزار، آموزش و قدرت تصمیم‌گیری لازم برای تأثیرات کافی بر سیاست‌ها و عملکردهای زیست محیطی کاهش می‌دهد. هر شکلی از تخریب منابع طبیعی، خواه از طریق آلودگی، جنگل زدایی یا تغییرات آب و هوایی باشد، به طور نامتناسبی بر زنان، به ویژه در محیط‌های بسیار آسیب‌پذیر تأثیر می‌گذارد. این همان چیزی است که باعث یک اثر مضاعف می‌شود: از یک طرف، به طور نامتناسبی بر پیامدهای کوتاه مدت تخریب محیط زیست، مانند ناامنی غذایی یا کمبود آب، تأثیر می‌گذارد. از طرف دیگر، فرآیندهای تعیین و مدیریت سیاست‌های زیست محیطی معمولاً آنها را حذف می‌کند. بنابراین، سرمایه‌گذاری در





با حفظ تنوع زیستی برای اجازه دادن به امنیت غذایی و سازگاری با تغییرات شرایط محیطی مرتبط است (شیوا، ۱۹۸۸). اما اگر قرار است این وعده محقق شود، زنان باید از حقوق و فرصت‌هایی برای مشارکت و مشارکت معنادار در فرآیندهای تصمیم‌گیری زیست‌محیطی در همه سطوح برخوردار باشند. تمرکز مقاله بررسی این است که چگونه پیشرفت در حقوق زنان می‌تواند در محیط زیست تحولاتی در تجزیه و تحلیل انقلابی در حاکمیت محیطی و پایداری ایجاد کند. این مقاله سعی دارد از طریق مطالعه رابطه بین برابری جنسیتی و سلامت محیطی نشان دهد که توانمندسازی زنان نه تنها برای دستیابی به اهداف جهانی زیست محیطی بسیار مفید است. این مقاله به محدودیت‌های نهادی و اجتماعی زنان اشاره می‌کند و موانع دسترسی زنان به منابع و اختیارات تصمیم‌گیری را نیز بررسی می‌کند. این تلاش علمی همچنین نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های فراگیر جنسیتی با بررسی مطالعات موردی در جایی که چنین سیاست‌هایی اجرا شده‌اند، نتایج زیست‌محیطی را بهبود می‌بخشد. به عنوان مثال می‌توان به مدیریت منابع آب در جنوب صحرای آفریقا، مدیریت جنگل مبتنی بر جامعه در هند و برنامه های سازگاری با تغییرات آب و هوایی در آسیای جنوب شرقی اشاره کرد. همچنین با استدلال برای تغییر اساسی در نحوه درک و مقابله با چالش‌های زیست‌محیطی، این مقاله سعی دارد چند دسته از سیاست‌های پیشنهادی برای تلفیق برابری جنسیتی در حاکمیت محیطی را برای دولت‌ها، سازمان‌های مردم نهاد و سازمان‌های بین‌المللی پیشنهاد کند. برای اطمینان از دسترسی عادلانه زنان به منابع، آموزش و رویه‌های تصمیم‌گیری برای توانمندسازی زنان به عنوان عنصر اساسی پایداری زیست‌محیطی، نیازمند بازنگری در قوانین

و رویه‌های زیست‌محیطی فعلی است تا اطمینان حاصل شود که حقوق زنان را شامل می‌شود و از آنها حمایت می‌کند.

### ۱. بررسی رابطه حقوق زن با عدالت زیستی و بافت تاریخی

در بحث امروز، تلاقی عدالت زیست محیطی و حقوق زنان حوزه مهمی از تحقیقات است که هم به بهداشت محیط و هم به سلامت انسان می‌پردازد. زنان به طور نامتناسبی تحت تأثیر بحران جهانی محیط زیست هستند که مشخصه آن آلودگی، جنگل زدایی و تغییرات آب و هوایی است، به ویژه در مناطق حاشیه نشین (اسمیت، ۲۰۱۷).



در حفاظت از منابع طبیعی و دفاع از حقوق آنها ایفا کرد (شیوا و باندیوپادی، ۱۹۸۶). فراتر از جنبش‌های اعتراضی، نقش زنان در کشاورزی سنتی در طول تاریخ سهم قابل توجهی در حفظ محیط زیست داشته است. کاشت، نگهداری و برداشت به طور سنتی در بسیاری از کشورها حوزه زنان بوده است.

درک کامل اکوسیستم‌های اطراف، از جمله انواع خاک، الگوهای آب و هوا، و گونه‌های گیاهی، برای این تلاش ضروری بود. به عنوان مثال، زنان تا ۸۰ درصد از عرضه مواد غذایی را در جنوب صحرای آفریقا تولید می‌کنند (FAO، ۲۰۱۱). آنها اغلب از تناوب زراعی، کشت مخلوط و کودهای آلی در تکنیک‌های کشاورزی پایدار استفاده می‌کنند که به نفع تنوع زیستی و سلامت خاک است. این روش‌ها علاوه بر کمک به ادامه تولید مواد غذایی، به حفظ تعادل اکولوژیکی

رابطه زنان با مراقبت از محیط زیست، به ویژه در تمدن‌های روستایی و بومی همواره چشمگیر بوده است. (بازرگان، ۱۹۸۰). اکوفمینیسم جنبشی در نیمه دوم قرن بیستم است که با سیستم‌های مردسالارانه که منبع سود را بر مردم و محیط زیست قرار می‌دهند، مخالف است. (شیوا، ۱۹۸۸). اکوفمینیست‌های اولیه مانند واندانا شیوا معتقد بودند که همان ساختارهای قدرتی که زنان را سرکوب می‌کند به محیط زیست نیز آسیب می‌رساند. بنابراین، برای رهایی یکی، ناگزیر باید دیگران را آزاد کرد (شیوا، ۱۹۸۹).

این رابطه بین زنان و محیط زیست ریشه‌های فرهنگی عمیقی دارد و تنها نتیجه فلسفه اکوفمینیستی معاصر نیست. زنان به دلیل نقش سنتی خود به عنوان متولیان اصلی و مدیران منابع، بنا به تعریف به طور جدایی‌ناپذیری با پایداری و سلامت اکوسیستم خود مرتبط بودند. آنها به طور مستقیم از طریق کشاورزی و مدیریت جنگل و به طور غیرمستقیم از طریق اقدامات فرهنگی و حفظ دانش که از تعادل اکولوژیکی حمایت می‌کند، به حفاظت از محیط زیست کمک کرده‌اند. یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های تاریخی مشارکت زنان در فعالیت‌های محیطی، جنبش چپیکو است که در دهه ۱۹۷۰ در هند ظهور کرد. زنان روستایی نیروی اصلی پشت این ابتکار بودند.

در مواجهه با جنگل زدایی گسترده، آنها در واقع درختان را در آغوش گرفتند تا از جنگل زدایی جلوگیری کنند. این مقاومت مسالمت‌آمیز در برابر به حاشیه راندن اقتصادی مردم روستایی بود که بیشتر از تردد در جنگل‌های محلی به ویژه توسط زنان آسیب دیده بودند. همچنین علیه تخریب محیط زیست بود. درختان جنگل سوخت، علوفه و آب را برای بقای این جوامع فراهم می‌کردند. بنابراین، رهبری زنان نقش مهمی در جنبش چپیکو (دوره ای محوری در تاریخ محیط زیست)

**امروز، تلاقی عدالت زیست**

**محیطی و حقوق زنان حوزه مهمی**

**از تحقیقات است که هم به**

**بهداشت محیط و هم به سلامت**

**انسان می‌پردازد.**

نیز کمک می‌کنند. حفظ دانش زیست محیطی به طور سنتی نقش زنان در میان اکثر فرهنگ‌های بومی از سراسر جهان است. در بسیاری از فرهنگ‌های بومی، زنان این نقش را به‌عنوان نگهبان بذر، انتخاب، ذخیره و کاشت بذر بر اساس فصل نهضت حاکمیت بذر، که توسط رهبران زن در بسیاری از جوامع بومی در سراسر جهان رهبری می‌شود، دارند، که نقشی اساسی در حفاظت از تنوع زیستی دارد. و ارتقای تاب‌آوری کشاورزی در مواجهه با تغییرات آب و هوایی، به منظور اطمینان از دسترسی نسل



شامل کاشت درختان و علف‌ها در کنار رودخانه‌ها و حوزه‌های آبخیز است (ون کوپن، ۲۰۰۱). نقش‌های سنتی زنان در تولید برنج در جنوب و جنوب شرقی آسیا نشان دهنده ارتباط نزدیک آنها با مراقبت از محیط زیست است. زنان در این مناطق نه تنها مسئول کاشت و برداشت برنج هستند، بلکه مسئول انتخاب انواع برنج‌هایی هستند که به بهترین وجه مکمل اکولوژی محلی هستند. حفظ تنوع ژنتیکی برنج برای توانایی محصول در تولید غذا بسیار مهم است. (Wang, F., Zhang, S., Liu, M., Lin, X., Liu, H., Peng, Y., Lin, Y., Huang, J. & Luo, C. 2014)

ایمنی و مقاومت در برابر اثرات بیماری‌ها، آفات و تغییرات آب و هوایی (Feldstein & Jiggins, 1994) علاوه بر کشت برنج، زنان در مدیریت آبیاری نیز مشارکت می‌کنند، جایی که ورودی‌های ارزشمندی را در مدیریت منابع آب ایجاد می‌کنند و اطمینان حاصل می‌کنند که مزارع آبیاری کافی بدون به خطر

های آینده به طیف متنوعی از محصولات مقاوم، این زنان از مجموعه بزرگی از بذرها، از جمله بذرهای موروثی و گونه‌های بومی محافظت کرده‌اند (Nazarea, ۲۰۰۵).

موقعیت‌های سنتی زنان به‌عنوان حامی محیط‌زیست به دلیل مسئولیت‌های سنتی که در جوامع مختلف ایفا می‌کنند، ذاتاً برای حفاظت از محیط‌زیست قرار گرفته‌اند. (Massey, L., Camerden, P., Gaos, A., Liles, M., Seminoff, J., Ahern, A. 2021) جمع‌آوری هیزم، آب و گیاهان دارویی وظیفه زنان در بسیاری از جوامع روستایی است. این فعالیت‌ها بخشی از وظایف روزانه را تشکیل می‌دهند که نیازمند اطلاعات دقیق در مورد منطقه سکونت و علاقه انسان به طبیعت، در حفاظت است. در این راستا، انواع مختلفی از تالاب‌ها در مناطق کوهستانی مرتفع در آمریکای جنوبی وجود دارد که در طول زمان توسط زنان یعنی بوفدال مدیریت شده است. این تالاب‌ها برای مراتع و تنظیم آب ضروری هستند. در طول سال‌ها، زنان تخصص خود را در مورد نحوه نگهداری از این اکوسیستم‌ها منتقل کرده‌اند و این تالاب‌ها برای بقای جمعیت انسان و گاو ضروری هستند (Valdivia, 2001). برای هزاران سال، قبایل آند بر این دانش بوم‌شناختی سنتی برای کمک به سازگاری با شرایط محیطی تکیه کرده‌اند، زنان معمولاً مسئول مدیریت منابع آب خانگی در جنوب صحرای آفریقا هستند.

منابع آب در مناطقی که آب کمیاب است حیاتی است. آنها اغلب انتخاب می‌کنند که چه مقدار آب برای آشامیدن، پخت و پز، نظافت و کشاورزی استفاده شود و نیازهای کوتاه مدت را با پایداری بلندمدت منابع آب متعادل می‌کنند. به منظور جلوگیری از فرسایش و اطمینان از تامین آب در فصول خشک، فعالیت‌های زنان عموماً





زنان در باغبانی شهری و سایر فعالیت‌های سبز در بسیاری از شهرهای جهانی پیشرو هستند. علاوه بر تضمین امنیت غذایی برای جمعیت شهری، این ابتکارات همچنین به بهبود کیفیت هوا، کاهش اثر جزیره گرمایی شهری و ایجاد فضاهای سبز مفید برای سلامت جسمی و روانی کمک می‌کند (Tidball & Krasny, ۲۰۱۰). اشتغال زنان در کشاورزی شهری امتداد وظایف سنتی آنان در زمینه مواد غذایی است.

تولید و حفاظت از محیط زیست با توجه به نیازهای زندگی شهری معاصر. در رهبری محیطی مطالعات موردی متعددی که در سراسر جهان انجام شده است نقش زنان را به عنوان رهبران محیط زیست نشان می‌دهد. (Venés, F., Barca, S. & Navas, G. 2023) از جمله آنها جنبش کمربند سبز در کنیا به رهبری وانگاری ماتای برنده جایزه نوبل است. علاوه بر احیای محیط زیست با کاشت درخت، این

انداختن دسترسی به منابع آب در سطح محلی دارند. دانش سنتی زنان در مورد گیاهان دارویی نیز در حفاظت از تنوع زیستی مهم بوده است. زنان با استفاده از آشنایی خود با فلور محلی، اغلب به عنوان پزشکان مراقبت‌های بهداشتی اولیه در بسیاری از جوامع بومی عمل می‌کنند و جراحات و بیماری‌ها را درمان می‌کنند. (Novriyanti, N., Nursanti, N. & Wulan, C. 2021) این اطلاعات به نجات گونه‌های گیاهی که در روش‌های کشاورزی معاصر نادیده گرفته می‌شوند یا از بین می‌روند، علاوه بر ارتقای سلامت پایدار جامعه کمک می‌کند.

برداشت منابع و حفاظت از جنگل دو نمونه از اقدامات زیست محیطی گسترده تر هستند که اغلب با استفاده از گیاهان دارویی مرتبط هستند (بالیک و کاکس، ۱۹۹۶). نقش زنان در مدیریت منابع طبیعی به روستا محدود نمی‌شود. آنها همچنین در محیط‌های شهری مهم هستند. برای مثال،





مفید برای سلامت جسمی و روانی کمک می‌کند (تیدبال و کراسنی، ۲۰۱۰). اشتغال زنان در کشاورزی شهری امتداد وظایف سنتی آنان در زمینه مواد غذایی است. تولید و حفاظت از محیط زیست با توجه به نیازهای زندگی شهری معاصر. زنان در رهبری محیطی مطالعات موردی متعددی در سراسر جهان انجام شده است.

## ۲. تبعیض جنسیتی و سوگیری جنسیتی در تصمیم‌گیری، آموزش و دسترسی به منابع زیستی

در بسیاری از جنبه‌های زندگی، از جمله تصمیم‌گیری، آموزش، و دسترسی به منابع، تبعیض جنسیتی هنوز یک مشکل دائمی است. این نابرابری‌ها پیامدهای گسترده‌ای برای توسعه شخصی و حرفه‌ای زنان و همچنین مسائل اجتماعی بزرگ‌تر، به‌ویژه آنهایی که به پایداری زیست‌محیطی مربوط می‌شوند، دارد. تلاش جهانی برای پرداختن به مسائل مربوط به تغییرات آب و هوا و افزایش تخریب محیط زیست به دلیل به حاشیه راندن زنان در مناطق بحرانی با مشکل مواجه شده است. این مقاله با بررسی راه‌های مختلفی که تبعیض جنسیتی توانایی زنان را برای رسیدگی به مسائل زیست‌محیطی محدود می‌کند، نیاز حیاتی به برابری جنسیتی را به‌عنوان عنصر کلیدی توسعه پایدار برجسته می‌کند. دسترسی به منابع؛ شکاف جنسیتی دسترسی نابرابر به منابع یکی از راه‌های اصلی تبعیض جنسیتی است. در این زمینه منابع به عنوان زمین، آب، پول، فناوری و اطلاعات تعریف می‌شود که همگی برای مدیریت کارآمد زیست‌محیطی ضروری هستند. محدودیت‌های سیستمی مانع از دسترسی زنان به این منابع در بسیاری از نقاط جهان می‌شود، به‌ویژه برای کسانی

جنبش هدف دیگری را دنبال می‌کند: تشریح نقش زنان از طریق مشارکت آنها در مراقبت از محیط زیست. این جنبش به اثبات توانایی زنان در اقدام علیه تخریب محیط زیست و توسعه پایدار با توجه به کاشت بیش از ۵۱ میلیون درخت در سراسر کنیا دست یافته است. (ماتای، ۲۰۰۴)

ایمن و مقاوم در برابر اثرات بیماری‌ها، آفات و تغییرات آب و هوایی (Feldstein & Jig- (gins, 1994). علاوه بر کشت برنج، زنان در نگهداری سیستم‌های آبیاری نقش مهمی ایفا می‌کنند که در آن نقش مهمی در مدیریت منابع آب و اطمینان از آبیاری کافی مزارع بدون تهدید دسترسی به منابع آب محلی ایفا می‌کنند. دانش سنتی در مورد گیاهان دارویی نیز به شدت بر فعالیت‌های زنان در زمینه حفاظت از تنوع زیستی تأثیر گذاشته است. در اکثر جوامع بومی، زنان با ایجاد دانش خود در مورد فلور محلی، این مسئولیت را به عنوان ارائه دهنده مراقبت‌های بهداشتی اولیه، درمان جراحات و بیماری‌های بیمار بر عهده می‌گیرند. بیش از هر چیز، این اطلاعات به حفظ گونه‌های گیاهی که *hoac sendo* با روش‌های کشاورزی معاصر نابود شده‌اند، کمک می‌کند و سلامت جامعه پایدار را ارتقا می‌دهد.

برداشت منابع و حفاظت از جنگل دو نمونه از اقدامات زیست‌محیطی گسترده‌تر هستند که اغلب با استفاده از گیاهان دارویی مرتبط هستند (بالیک و کاکس، ۱۹۹۶). نقش زنان در مدیریت منابع طبیعی به روستا محدود نمی‌شود. آنها همچنین در محیط‌های شهری مهم هستند. به عنوان مثال، زنان باغبانی شهری و سایر فعالیت‌های سبز را در بسیاری از شهرهای جهانی رهبری می‌کنند. علاوه بر تضمین امنیت غذایی برای جمعیت شهری، این طرح‌ها همچنین به بهبود کیفیت هوا، کاهش اثر جزیره گرمایی شهری و ایجاد فضاهای سبز





که در جوامع روستایی و حاشیه‌نشین زندگی می‌کنند. مالکیت زمین و منابع کشاورزی: علیرغم مشارکت غالب زنان در عملیات کشاورزی، هنجارهای فرهنگی و چارچوب های قانونی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه گاهی اوقات آنها را از مالکیت زمین منع می‌کند (آگاروال، ۱۹۹۴). بدون مالکیت، زنان در نظارت طولانی مدت زیست محیطی یا شیوه های کشاورزی پایدار سرمایه گذاری نمی‌کنند و تصمیمات کمتری در مورد استفاده از زمین می‌گیرند. برای مثال، اگرچه زنان در جنوب صحرای آفریقا کمتر از ۲۰ درصد از زمین را در اختیار دارند، اما تقریباً ۷۰ درصد از غذا را در آنجا تولید می‌کنند (FAO 2011). این نابرابری نه تنها توانایی آنها را در استفاده از روش‌های کشاورزی سازگار با محیط زیست که در توقف فرسایش خاک و تضمین امنیت غذایی حیاتی هستند، کاهش می‌دهد، بلکه تأثیر اقتصادی آنها را نیز کاهش می‌دهد. منابع آب: حوزه مهم دیگری که در آن تفاوت‌های جنسیتی قابل توجه است، دسترسی به آب است. علیرغم اینکه زنان جمع آوری کننده آب اولیه برای خانوارها هستند، معمولاً زنان تأثیر کمی بر تصمیم گیری در مورد زیرساخت‌های آب یا مقررات مدیریت آب دارند (زنان سازمان ملل، ۲۰۱۴). این محدودیت به ویژه برای مناطقی که کمبود آب در نتیجه تغییرات آب و هوایی است مضر است. دانش سنتی زنان در مورد منابع آب محلی و شیوه‌های پایدار برای استفاده از آب همواره با رویه‌های مردانه از بالا به پایین در تصمیم‌گیری به پیاده‌رو منتقل می‌شود. این امر دیدگاه آنها را از علل مؤثر بر پایداری و کارایی مصرف آب به حاشیه می‌برد.

آموزش از یک سو سنگ اصلی برابری جنسیتی و در میان حقوق اساسی بشر است. اگرچه، این عامل همچنان برای اثبات تبعیض جنسیتی در مدارس و همچنین



مانع از روند رهایی زنان و توانایی آنها برای مقابله با مسائل زیست محیطی است. علاوه بر محدودیت‌های دانش و قابلیت‌ها، شکاف‌های آموزشی باعث مشارکت پایین در هر سطحی در تصمیم‌گیری می‌شود. مدرسه، اعم از ابتدایی و متوسطه: به دلیل موانع فرهنگی-اجتماعی، محدودیت‌های مالی و سوگیری‌های جنسیتی در خانواده‌ها و جوامع، دختران کمتر از پسران در بسیاری از مناطق جهان به تحصیلات ابتدایی و متوسطه می‌پردازند (یونسکو، ۲۰۱۵). اثرات بلندمدت این شکاف آموزشی اساسی بر ظرفیت زنان برای مشارکت و پرداختن به مسائل زیست محیطی قابل توجه است. زنانی که فاقد سواد ابتدایی و مهارت‌های محاسبه هستند، دسترسی کمتری به اطلاعات در مورد حفاظت از محیط زیست، تغییرات آب و هوا و شیوه‌های سازگار با محیط زیست دارند. علاوه بر این، فقدان یک پایگاه آموزشی قوی، مشارکت آنها را در ساختارهای حکومت محلی، که اغلب محل تصمیم‌گیری‌های حیاتی در مورد مدیریت منابع طبیعی هستند، محدود می‌کند. آموزش فنی و تحصیلات تکمیلی: در آموزش عالی، تفاوت‌های جنسیتی حتی مهم‌تر است، به ویژه در دروس STEM (علم، فناوری، مهندسی و ریاضیات) که برای مدیریت محیط زیست و نوآوری ضروری است (یونسکو، ۲۰۱۷). این عدم بازنمایی بسیار تحت تأثیر افسانه‌های قدیمی است که STEM را به عنوان منطقه ممنوعه برای زنان طبقه بندی می‌کند. این بدان معناست که تنها تعداد محدودی از زنان می‌توانند در توسعه فناوری‌های جدید با محوریت محیط زیست، انجام تحقیقات در مورد محیط زیست، یا مدیریت برنامه‌های سازگاری با آب و هوا کمک کنند. فراتر از این، فقدان برنامه‌های آموزشی فنی برای زنان با کمبود امکانات برای چنین آموزش‌هایی



هر شکلی از تخریب منابع

طبیعی، خواه از طریق

آلودگی، جنگل زدایی یا

تغییرات آب و هوایی باشد،

به طور نامتناسبی بر زنان،

به ویژه در محیط های بسیار

آسیب پذیر تاثیر می گذارد.

در مناطق روستایی بدتر می شود. مشاغل با تأکید بر محیط زیست مانند جنگلداری، مهندسی محیط زیست و کشاورزی برای توسعه پایدار مورد نیاز خواهند بود. حمایت و آموزش برای محیط زیست: نقش زنان در مراقبت از محیط زیست باید از طریق آموزش مفاهیم اکولوژی، حفاظت و توسعه پایدار که در محیط زیست به طور متفاوت بیان می شود، افزایش یابد.

این به حاشیه راندن به کاهش سطح درک آنها از مسائل زیست محیطی کمک می کند، که برای آنها لازم است تا بتوانند عدالت زیست محیطی را در جوامع خود ترویج کنند. در نتیجه، فقدان بازنمایی دیدگاه های زنان در بحث های انتقادی درباره سیاست های زیست محیطی و حاکمیت، به تقویت حاشیه نشینی آنها کمک می کند.

اگرچه برای مشارکت همه اقشار جامعه و توجه به همه زوایای دید در فرآیندهای تصمیم گیری محلی، ملی و بین المللی و سطوح جهانی تأثیرگذاری بر رفتارها و قوانین محیطی مهم است، اما صدای زنان در بسیاری از زمینه ها شنیده نمی شود. نابرابری جنسیتی اغلب منجر به طرد شدن زنان از این فرآیندها می شود که توانایی آنها را برای تأثیرگذاری بر انتخاب هایی که تأثیر فوری بر زندگی و محیط آنها دارد، تضعیف می کند. حکومت محلی و رهبری محله: هنجارهای جنسیتی سنتی و سیستم های مردسالارانه اغلب زنان را از مشارکت در حکومت محلی در سطح روستا باز می دارد (کورنوال، ۲۰۰۳). در نتیجه عمدتاً این زنان هستند که از این منابع طبیعی استفاده و مدیریت می کنند. در بیشتر موارد در مناطق روستایی، مردان گروه های تصمیم گیری



که زنان در مشاغلی مانند تولید، انرژی و کشاورزی به شدت کمتر حضور دارند، جایی که می‌خواهیم بیشترین تأثیر را داشته باشیم. طبق گفته McKinsey & Company (۲۰۱۸)، عدم حضور زنان در مدیریت ارشد نه تنها تنوع دیدگاه‌های ارائه شده در فرآیندهای تصمیم‌گیری تجاری را محدود می‌کند، بلکه پتانسیل معرفی سیاست‌های زیست‌محیطی حساس به جنسیت را نیز محدود می‌کند. سایر کسب و کارهایی که برابری جنسیتی را مهم نمی‌دانند نیز کمتر نسبت به شیوه‌های پایدار و روش‌هایی که عملکردشان بر مردان و زنان تأثیر می‌گذارد، نگرانی نشان می‌دهند. در این مورد، واضح است که اثرات حذفی ناشی از عدم دسترسی به منابع، آموزش و فرآیندهای تصمیم‌گیری، تأثیرات شدیدی بر ظرفیت زنان برای حل مشکلات زیست‌محیطی دارد. این حذف علاوه بر تأثیر بر حفظ نابرابری جنسیتی، اثربخشی برنامه‌ها و پروژه‌های زیست‌محیطی را نیز به خطر می‌اندازد. سیاست‌های زیست‌محیطی ناکارآمد: از آنجایی که این سیاست‌ها خواسته‌ها و درک نیمی از جمعیت را در نظر نمی‌گیرند، سیاست‌های زیست‌محیطی گاهی اوقات در فرآیند تصمیم‌گیری که زنان از فعالیت‌های زنان کنار گذاشته می‌شوند، مؤثرتر می‌شوند. (آگاروال، ۲۰۱۰).

برای مثال، سیاست‌هایی که مشارکت زنان در کشاورزی و مدیریت آب را در نظر نمی‌گیرند، ممکن است جنبه‌های مهم پایداری منابع را از دست بدهند. این محرومیت ممکن است منجر به سیاست‌های کمتر موفق شود که بی‌عدالتی

مانند شوراهای روستا یا مصرف‌کنندگان آب را تشکیل می‌دهند که بر چنین انجمن‌هایی تسلط دارند. این نابرابری جنسیتی باعث می‌شود که دیدگاه‌ها و دانش زنان در بحث‌های مربوط به توزیع منابع، استفاده از زمین و جنبه‌های مدیریت زیست‌محیطی به طور مداوم شنیده نشود. به عنوان مثال، تحقیقات در جنوب آسیا نشان داده است که وقتی زنان در مدیریت جنگل‌های محلی مشارکت می‌کنند، نتایج برای حفاظت از جنگل برتر است، اما آنها به طور منظم از این سطوح تصمیم‌گیری حذف می‌شوند (آگاروال ۲۰۱۰). سیاست‌گذاری ملی و بین‌المللی: در سطوح ملی و بین‌المللی که سیاست زیست‌محیطی طراحی می‌شود، زنان به طور مشابه کمتر حضور دارند. زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، با این حال تنها ۲۴ درصد از کرسی‌های پارلمان را در سراسر جهان در اختیار دارند. وقتی صحبت از وزارتخانه‌های محیط زیست به میان می‌آید، این درصد به طور قابل توجهی کمتر است (اتحادیه بین پارلمانی، ۲۰۲۰). به دلیل این عدم حضور، سیاست‌های زیست‌محیطی اغلب خواسته‌ها و مشارکت‌های منحصربه‌فرد زنان را نادیده می‌گیرند، که منجر به سیاست‌های کور جنسیتی می‌شود که نابرابری‌های موجود را بدتر می‌کند. برای مثال، پروژه‌های سازگاری با آب و هوا که تقسیم کار جنسیتی را در نظر نمی‌گیرند، می‌توانند بار بیشتر زنان را با کارهایی که قبلاً به‌طور نامتناسبی از این پدیده متحمل می‌شوند، سنگین کنند. کسب‌وکارها و رهبری شرکت‌ها: تبعیض جنسیتی در سطوح اجرایی شرکت‌ها و سازمان‌های زیست‌محیطی نیز وجود دارد. بدیهی است

نوآوری‌های زیست محیطی محرومیت زنان از مشاغل STEM و تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی منجر به از دست رفتن فرصت‌ها برای نوآوری و توسعه پایدار شده است. زنان به عنوان مراقبین، مدیران منابع و رهبران جامعه، مجموعه خاصی از دانش و تجربه را برای محیط زیست به ارمغان می‌آورند. زنانی که با شیوه‌های نوآورانه جنگل‌داری در کنیا از طریق جنبش کمربند سبز توسعه یافته‌اند، همزمان با بازسازی زمین‌های تخریب‌شده، از نظر اجتماعی و اقتصادی توانمند شده‌اند. بدون زنان در این زمینه‌ها، بینش‌ها و نوآوری‌های ارزشمندی که منجر به نتایج زیست محیطی عادلانه‌تر و پایدارتر می‌شود، نه تنها برای آنها، بلکه برای جامعه نیز از بین می‌رود. راه رو به جلو برای مقابله با تبعیض علیه زنان به خاطر پایداری محیطی: پرداختن به تبعیض جنسیتی در تصمیم‌گیری، آموزش و دسترسی به منابع، در صورتی که پایداری زیست محیطی به واقعیت تبدیل شود، ضروری است. این شامل یک رویکرد چند وجهی است که نه تنها مستلزم برنامه‌های آموزشی و قوانین، بلکه نقش‌های جامعه در ترویج برابری جنسیتی است. در نتیجه، اصلاحات قانون و سیاست با هدف دسترسی برابر زنان به زمین، آب و منابع مالی باید توسط دولت‌ها تصویب و حمایت شود. تغییرات قانونی باید در جهت تشویق مشارکت زنان در فرآیندهای سیاست‌گذاری منطقه‌ای و ملی باشد. از این نظر، طبق نظر تریپ و کانگ (۲۰۰۸)، سهمیه‌های جنسیتی در رهبری سیاسی و شرکتی، در برخی موارد، راه موثری برای افزایش نمایندگی و نفوذ زنان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری ثابت کرده است. طرح‌های آموزشی همچنین نقش حیاتی در تجهیز دختران و زنان به نقش‌های رهبری در مدیریت محیط زیست و دسترسی بیشتر آنها به آموزش دارد.



اجتماعی و تخریب محیط زیست را بدتر می‌کند. همچنین قابل ذکر است که زنان در نتیجه نابرابری جنسیتی بیشتر در معرض خطرات زیست محیطی مانند آلودگی، تغییرات آب و هوایی و بلایای طبیعی قرار دارند. با این حال، زنان ظرفیت کمتری برای پیش‌بینی، واکنش و بهبودی از شوک‌های محیطی دارند. به عنوان مثال، تحقیقات نشان می‌دهد که هنجارهای فرهنگی که تحرک و در دسترس بودن اطلاعات زنان را محدود می‌کند، آنها را در برابر مرگ در بلایای طبیعی بیشتر از مردان آسیب پذیر می‌کند (Neumayer & Plümper, 2007). علاوه بر این، ناتوانی در امکانات مالی و تحصیلی آنها را از بازگشت به زندگی قبلی خود در پی این بلایا باز می‌دارد. در یک دور باطل وارد آنها می‌شود - مردم نمی‌توانند از فقر خارج شوند و همچنین نمی‌توانند از خطرات ناشی از طبیعت اجتناب کنند.

بلافاصله فرصت‌های از دست رفته برای



می‌دهند ذکر شده است. کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW) که در سال ۱۹۷۹ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، یکی از جامع ترین موافقت نامه‌های بین‌المللی است که به حقوق زنان می‌پردازد. CEDAW از کشورهای امضاکننده می‌خواهد که تمامی اشکال تبعیض علیه زنان را از بین ببرند و موقعیت خود را به طور کامل ارتقا دهند. (CEDAW، ۱۹۷۹) اعلامیه پکن و پلتفرم اقدام، که در چهارمین کنفرانس جهانی زنان در سال ۱۹۹۵ به تصویب رسید، دستور کار جهانی را برای توانمندسازی و دستیابی به برابری جنسیتی تعیین کرد. (UN Women، 1995) این اسناد بین‌المللی نقش بزرگی در شکل دادن به سیاست‌ها و قوانین ملی ایفا کرده اند که برابری جنسیتی را پیش می‌برند. بسیاری از بازتاب‌های آن در چارچوب‌ها و سیاست‌های ملی ناشی از تعهدات انجام شده در سطح بین‌المللی است. به عنوان مثال، بسیاری از کشورها قوانینی را تصویب کرده اند که حقوق زنان برای تحصیل، اشتغال و مشارکت سیاسی را تضمین می‌کند. این قوانین برای تضمین مشارکت کامل زنان در جامعه و کمک به توسعه پایدار ضروری است. با این حال، در بسیاری از موارد، اجرای این قوانین به دلیل موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یک چالش باقی مانده است (عفو بین‌الملل، ۲۰۱۸). در این میان، سیاست‌های زیست‌محیطی شامل قوانینی است که به نفع مشارکت زنان در تصمیم‌گیری در مورد مسائل زیست‌محیطی است. به عنوان مثال، سیاست ملی برای توانمندسازی زنان در سال ۲۰۰۱ در هند «نیاز فوری برای مشارکت دادن زنان در فرآیندهای برنامه ریزی و تصمیم‌گیری در مورد مدیریت و احیای محیط زیست را تشخیص می‌دهد.» به طور مشابه، در کنیا، قانون اساسی ۲۰۱۰ تصریح می‌کند که زنان باید حداقل یک

این حوزه آموزش فنی در زمینه مشاغل STEM، آموزش پس از متوسطه و آموزش پایه را پوشش می‌دهد. برنامه‌های آموزش محیط‌زیست باید در نظر گرفته شود تا اطمینان حاصل شود که برابری جنسیتی می‌تواند ترویج شود، بنابراین به زنان و دختران اجازه می‌دهد تا فرصت‌های برابر برای مشارکت و منافع داشته باشند. ارتقای برابری جنسیتی در سازمان‌ها؛ در رویه‌های رهبری و تصمیم‌گیری کسب‌وکارها و سازمان‌ها، برابری جنسیتی باید از اولویت بالایی برخوردار باشد. این امر مستلزم حمایت در قوانین مربوط به شمول و تنوع، راهنمایی و حمایت از زنان شاغل در زمینه‌های علم، فناوری، مهندسی، و ریاضیات و همچنین در سایر مشاغل مرتبط با محیط زیست است. در واقع، سازمان‌های آگاه از جنسیت، پاسخ‌های خلاقانه‌ای به مشکلات زیست‌محیطی پیدا می‌کنند و نتایج بلندمدتی ارائه می‌کنند. به طور خلاصه، یکی از بزرگترین موانعی که زنان را از پرداختن به نگرانی‌های زیست‌محیطی باز می‌دارد، تبعیض جنسیتی در محل کار، موسسات آموزشی و در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. این امر به نوبه خود اثربخشی برنامه‌ها و پروژه‌های زیست‌محیطی را سلب کرده است. معکوس کردن این نابرابری جنسیتی از طریق مشارکت کامل زنان در تمام سطوح مدیریت زیست‌محیطی برای دستیابی به پایداری زیست‌محیطی حیاتی است. وقتی منابع، دانش و تصمیم‌گیری بی‌طرفانه در دسترس زنان باشد، جامعه ممکن است از دیدگاه‌ها و راه‌حل‌های منحصر به فردی که زنان برای دستیابی به نتایج زیست‌محیطی عادلانه و پایدار ارائه می‌کنند، استفاده کند.

### حقوق زن در حقوق محیط زیست

حقوق زنان در کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی متعددی که اساس آن را تشکیل



سوم از کل نهادهای منتخب و انتصابی، از جمله آنهایی که در اداره محیط زیست دخیل هستند را تشکیل دهند (قانون اساسی کنیا، ۲۰۱۰).

کشاورزی بخش مهمی است که تلاقی حقوق زنان و سیاست های زیست محیطی در آن آشکارتر است. زنان بخش قابل توجهی از نیروی کار کشاورزی را به ویژه در کشورهای در حال توسعه تشکیل می دهند. از سوی دیگر، دسترسی محدود آنها به زمین، اعتبار و فناوری، بهره وری و پتانسیل آنها را برای رسیدگی مثبت به پایداری محیطی محدود می کند. هنگامی توانمندسازی زنان در کشاورزی، پیامدهای زیست محیطی مثبت مختلفی وجود دارد. به عنوان مثال، اگر زنان از حقوق زمین مطمئن برخوردار باشند، به احتمال زیاد در شیوه های کشاورزی پایدار سرمایه گذاری می کنند - از جمله تناوب زراعی و زراعت جنگل - که می تواند سلامت خاک و تنوع زیستی را بهبود بخشد، همانطور که آگاروال (۲۰۱۸) اشاره کرد. علاوه بر این، زنان اغلب نقش اصلی را در جمع آوری آب و هیزم در مناطق روستایی ایفا می کنند، فعالیت هایی که مشارکت آنها در مدیریت چنین منابعی می تواند چنین اقداماتی را پایدارتر کند. حوزه دیگری که در آن رویکردهای حساس به جنسیت می تواند به سیاست های زیست محیطی موثرتری تبدیل شود، مدیریت منابع آب است. در واقع، زنان اغلب مدیریت در سطح خانه را بر عهده دارند و دانش سنتی خاصی در رابطه با منابع آب در سطح محلی دارند. مشارکت زنان در مدیریت منابع آب می تواند منجر به نتایج پایدارتر و عادلانه تر شود. به عنوان مثال، در بسیاری از کشورهای جنوب صحرای آفریقا، زنان نقش های کلیدی را در پروژه های مبتنی بر جامعه مرتبط با مدیریت آب ایفا می کنند. این پروژه ها شامل، اما نه محدود به، ساخت و نگهداری نقاط آبی، جدای از ایجاد کمیته

های استفاده کنندگان آب است. در واقع، با توجه به تحقیقات، یک مورد بارز این است که وقتی زنان در چنین کمیته هایی شرکت می کنند، مدیریت آب موثر می شود و منافع به خوبی توزیع می شود.

ابتکارات مختلفی در هند برای توانمندسازی زنان و کشاورزی پایدار آغاز شده است. SEWA با فراهم کردن امکانات رفاهی برای زنان است که به بهبود معیشت و پایداری محیطی کمک کرده است. در کنیا، مشارکت زنان همچنین به آنها قدرت داده است تا نقش های رهبری را در جوامع خود به عهده بگیرند، هنجارهای جنسیتی سنتی را به چالش بکشند و برابری جنسیتی را ترویج کنند (نگیگی، ۲۰۱۸). همان گونه که حضور زنان همواره در تمامی عرصه های اجتماعی و غیره مایه خیر و برکت بوده است، حتی در نسل سوم دادگاه های کیفری که به جنایات جنگی مختلف چندین کشور رسیدگی کرده اند، توانسته اند به مقام های قضاوت دست یابند. این دادگاه ها برای تأمین عدالت برای بزه دیدگان و نظام حقوقی این دادگاه ها، نبود آنها می تواند بد و آسیب به جامعه باشد. عدم شرکت زنان در برخی رویدادهای محیطی را هم داشتیم که برای یک جامعه زیانبار شده است. به عنوان مثال، پروژه شکاف در ترکیه (قائم نسب، ۲۰۲۴) و در معاهده چندجانبه دریای خزر که انجام شده است (فاطمه قائم نسب، ۲۰۲۴) تنها شاهد سکوت زنان هستیم که زنان را آسیب پذیرتر می کند. (قائم نسب، ۲۰۲۴)

برای دستیابی به سیاست های زیست محیطی موثرتر، تقویت قوانین ضروری است اقداماتی که حقوق زنان را ترویج می کنند شامل تضمین این است که قوانین مربوط به مالکیت زمین، ارث و دسترسی به منابع به جنسیت حساس بوده و به طور کامل اجرا می شوند. دولت ها همچنین باید کنوانسیون ها و معاهدات بین المللی



ارتباط پیچیده‌ای با توانمندسازی زنان دارد. بنابراین، این مقاله سعی دارد توضیح دهد که چگونه تقویت حقوق زنان می‌تواند اثرات نامطلوب بر محیط زیست را به میزان قابل توجهی کاهش دهد. جایگاه زنان در مدیریت منابع طبیعی: در بسیاری از کشورها، به ویژه در کشورهای فقیر، مدیریت منابع طبیعی مانند غذا، سوخت و آب اغلب شغل اصلی زنان است. آنها به دلیل کار روزانه خود که شامل جمع‌آوری هیزم، جمع‌آوری آب و تولید محصولات می‌شود، دیدگاه منحصر به فردی در مورد وضعیت اکوسیستم محلی و روش‌های پایدار مورد نیاز برای حفظ آن دارند (آگاروال، ۱۹۹۲). با این درک شخصی، زنان به عنوان حافظ منابع طبیعی حیاتی قرار می‌گیرند. با این حال، به دلیل تعصبات جنسیتی ناخودآگاه و هنجارهای فرهنگی، مشارکت آنها در مدیریت منابع معمولاً به حداقل می‌رسد و در نتیجه عملکرد محیطی ضعیفی را به همراه دارد. به دلیل نقشی که ایفا می‌کنند، در بسیاری از مناطق، زنان بیشتر از مردان درباره تنوع زیستی محلی، کیفیت خاک، و شیوه‌های کشاورزی پایدار می‌دانند. (دنتون، ۲۰۰۲). با وجود این، مردان اغلب بر فرآیندهای تصمیم‌گیری مدیریت محیطی تسلط دارند، که منجر به اعمال و سیاست‌هایی می‌شود که از شایستگی زنان استفاده نمی‌کند. این شکاف جنسیتی علاوه بر به حاشیه راندن زنان، مانع از طرح‌های پایداری می‌شود، زیرا تخصص محلی مهم را از حاکمیت محیطی حذف می‌کند. تأثیر توانمندسازی زنان بر پایداری محیط زیست. مشارکت کامل زنان در مدیریت محیط زیست منجر به استفاده برابرتر و کارآمدتر از منابع طبیعی می‌شود. هنگامی که به زنان نقشی در فرآیندهای تصمیم‌گیری داده می‌شود، آنها اقدامات پایداری را که به نفع خانواده و جامعه بزرگتر است، در اولویت قرار می‌دهند (Nellemann و همکاران، ۲۰۱۱). این به

را که حقوق زنان و پایداری محیط‌زیست را ارتقا می‌دهند، باید با در نظر گرفتن دیدگاه جنسیتی طراحی و اجرا کنند. این به معنای مشارکت دادن زنان در هر مرحله از توسعه سیاست، از برنامه ریزی گرفته تا اجرا و ارزیابی است. همچنین نیاز است که دولت‌ها جمع‌آوری داده‌های تفکیک شده بر اساس جنسیت را تقویت کنند تا چالش‌ها و فرصت‌های خاصی را که زنان در مدیریت زیست‌محیطی با آنها روبرو هستند، شناسایی کنند.

سیاست‌هایی که توانمندسازی زنان را در کشاورزی و مدیریت آب ارتقا می‌دهد باید پذیرفته شود. این شامل اعطای دسترسی زنان به منابعی مانند زمین، اعتبار، و فناوری، و همچنین فرصت‌های آموزشی برای ایجاد ظرفیت است. این باید مستلزم ایجاد سازمان‌ها و شبکه‌های زنان باشد که شیوه‌های کشاورزی پایدار و مدیریت منابع آب را در میان زنان ترویج کنند.

## ۵. حقوق زنان به عنوان یک کاتالیزور برای تغییرات محیطی

این امر حقوق زنان را برای ارتقای مدیریت منابع طبیعی و کاهش بارهای زیست‌محیطی توانمند می‌کند. مقدمه برابری جنسیتی و پایداری محیطی دو دغدغه تحت تأثیر حمایت و تقویت حقوق زنان هستند. با افزایش نگرانی‌های جهانی مانند از دست دادن تنوع زیستی، جنگل‌زدایی و تغییرات آب و هوایی، رفع نیاز به منابع طبیعی که به طور فراگیر و کارآمد مدیریت می‌شوند، افزایش یافته است. زنان بیشترین مسئولیت را در مدیریت منابع و حفاظت از محیط زیست دارند و در جوامع به ویژه در مناطق روستایی و بومی مسئولیت دارند. زمانی که این حقوق به طور کامل رعایت شوند، سهم بسیار زیادی در فعالیت‌های دوستدار محیط زیست دارند. مدیریت بهتر منابع طبیعی

در سراسر جهان به دلیل کاهش دسترسی به آب، افزایش بلایای طبیعی یا تغییرات در تولیدات کشاورزی متحمل می‌شوند.

در نهایت، کسب‌وکارها همچنین دارای موقعیت ممتازی در مورد ترویج شیوه‌های پایدار هستند که از تلاش‌ها برای کاهش تأثیر تغییرات آب و هوایی حمایت می‌کنند. به عنوان مثال، در کشورهای جنوب صحرای آفریقا، زنان در اتخاذ تکنیک‌های کشاورزی مقاوم در برابر آب و هوا با استفاده از روش‌های آبیاری صرفه جویی در آب و محصولات مقاوم به خشکی پیش‌تاز هستند (نلسون و استاتز، ۲۰۰۹). این اقدامات نه تنها به کاهش وابستگی به روش‌های فشرده کشاورزی کمک می‌کند، بلکه به جوامع کمک می‌کند تا با شرایط آب و هوایی در حال تغییر سازگار شوند و در عین حال، انتشار گازهای گلخانه‌ای را کاهش دهند. همین موضوع در پروژه‌هایی که به انرژی‌های تجدیدپذیر - انرژی خورشیدی و بادی مربوط می‌شوند - که در آن مشارکت زنان نرخ پذیرش فناوری انرژی پاک را برای کمک به کاهش تأثیرات بر تغییرات آب و هوایی افزایش داده است، گواهی می‌دهد. (Cecelski, ۲۰۰۰)

زنان زمانی می‌توانند فناوری‌ها و رفتارهای دوستدار محیط زیست را توسعه دهند که به آموزش، منابع مالی و اختیارات تصمیم‌گیری دسترسی داشته باشند. با این حال، موانع ساختاری از جمله محدودیت‌های مالی، تفاوت‌های آموزشی و تبعیض جنسیتی اغلب مانع از دستیابی زنان به پتانسیل کامل خود به عنوان رهبران کاهش تغییرات آب و هوایی می‌شود. با توجه به چنین موانعی، سهم آنها در پایداری محیطی می‌تواند بیشتر بهبود یابد. چارچوب‌های توانمندسازی زنان در مدیریت زیست‌محیطی: حقوقی و سیاستی ترجمه چارچوب‌های قانونی و سیاستی که برابری جنسیتی را در عمل پیش می‌برد،

این دلیل است که معمولاً مسئولیت‌های مراقبت از زنان افزایش می‌یابد.

اثرات دراز مدتی که تخریب محیط زیست ممکن است بر سلامت و معیشت انسان و حیوانات وارد کند. محققان شناسایی کرده‌اند که تعداد بیشتری از زنان شرکت‌کننده در سازمان‌های مدیریت منابع آب، اولویت بالاتری در حفظ و توزیع عادلانه آن و در نتیجه دسترسی و پایداری دارند. در کشاورزی، مشارکت زنان در تصمیم‌گیری اغلب با اتخاذ شیوه‌های کشاورزی سازگارتر با محیط زیست، از جمله تنوع محصولات، کشاورزی ارگانیک و حفاظت از خاک همراه بوده است. این راه‌حل‌ها نه تنها امنیت غذایی را افزایش می‌دهند، بلکه به به حداقل رساندن اثرات نامطلوب زیست‌محیطی فعالیت‌های کشاورزی سنتی، مانند از دست دادن تنوع زیستی و فرسایش خاک کمک می‌کنند. مطالعه موردی: زنان هندی و حفاظت از جنگل‌ها یکی از الهام‌بخش‌ترین نمونه‌هایی که چگونه توانمندسازی زنان می‌تواند ابتکارات حفاظتی مؤثری را ایجاد کند، جنبش چیبکو در هند است. با این حال، در طول دهه ۱۹۷۰ بود که جنبش زنان سرانجام بر سیاست جنگل‌های هند تأثیر گذاشت، که خواستار افزایش کنترل جامعه بر منابع محلی و به رسمیت شناختن نقش زنان به عنوان حافظان محیط‌زیست بود. به همین ترتیب، حقوق زنان و کاهش تغییرات آب و هوایی در رابطه با کاهش تغییرات آب و هوایی عبارتند از:

مسائل در کانونی که زنان در آن مشارکت دارند و نقش عمده‌ای در توانمندسازی خود دارند. تغییرات اقلیمی به دلیل کاهش دسترسی به آب، افزایش بلایای طبیعی یا تغییر شرایط تولید کشاورزی، زنان را به طور نامتناسبی در بخش‌های بزرگی از جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال، زنان بار قابل توجهی را از تغییرات آب و هوایی



را وضع کرده‌اند، شاهد دستاوردهایی در نتایج زیست‌محیطی و برابری جنسیتی بوده‌اند (UNFCCC، ۲۰۱۹). این سیاست‌ها شامل اقداماتی مانند تضمین مشارکت زنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، تامین مالی پروژه‌های زیست‌محیطی به‌ویژه توسط زنان، و تشویق روش‌های حساس به جنسیت برای کاهش و سازگاری با تغییرات آب و هوایی است. با تصویب قوانینی که از حقوق زنان در زمین، آب و سایر منابع طبیعی حمایت می‌کند، دولت‌های ملی می‌توانند بیشتر توانمندسازی زنان را در اداره محیط زیست تشویق کنند. امنیت مالکیت زمین بسیار مهم است زیرا زنان را تشویق می‌کند تا در تکنیک‌های مدیریت زمین پایدار سرمایه‌گذاری کنند (FAO، ۲۰۱۰). بعلاوه، قوانینی که از منابع مالی، تکنولوژیکی و آموزشی زنان

در مزایای کامل ناشی از مزایای مختلف توانمندسازی زنان در مدیریت محیط‌زیست بسیار مفید است. اینها شامل دو کنوانسیون است که بر برابری جنسیتی تأکید می‌کنند، یعنی CEDAW و SDGs. سازمان ملل (۲۰۱۵) اینها را احتمالاً چارچوب‌هایی توصیف می‌کند که سیاست‌های ملی ادغام نگرانی‌های جنسیتی خود را در مدیریت زیست‌محیطی بر اساس آنها استوار می‌کند. به عنوان مثال، مشارکت زنان در اقدامات اقلیمی، اکنون چیزی است که از طریق کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا به رسمیت شناخته شده است. (UNFCCC)، که دیدگاه‌های جنسیتی را در بر می‌گیرد. کشورهایی مانند رواندا و کاستاریکا که سیاست‌های آب و هوایی متناسب با جنسیت



نسل بعدی رهبران زن محیط‌زیست کمک زیادی کنند. نشان داده شده است که مشارکت زنان در حاکمیت محیطی در پاسخ به برنامه های ارائه آموزش در زمینه کشاورزی پایدار، انرژی های تجدیدپذیر و حمایت از محیط زیست افزایش می یابد (WOCAN، ۲۰۱۲). این برنامه ها علاوه بر افزایش قابلیت های فنی زنان، به آنها اعتماد به نفس می دهد تا هنجارهای جنسیتی را به چالش بکشند و نقش های رهبری را در جوامع خود به عهده بگیرند. آموزش همچنین می تواند بر نحوه نگرش جامعه به نقش های جنسیتی و محیط تأثیر بگذارد. با تشویق آموزش های حساس به جنسیت که بر اهمیت مشارکت زنان در پایداری محیط زیست تأکید می کند، جوامع می توانند شروع به حذف موانعی کنند که مانع از مشارکت کامل زنان در حاکمیت محیطی می شود.

حمایت می کند، ضروری است تا زنان بتوانند به طور کامل در اداره محیط زیست مشارکت داشته باشند.

کمک آموزش و پرورش، زنان را قادر می سازد تا در مسائل زیست محیطی پیشرو باشند از طریق مدیریت فعالیت های حفاظتی، کشاورزی پایدار و حتی حمایت از سیاست های زیست محیطی، زنان تحصیل کرده می توانند محیط زیست را بهتر درک کنند و در نتیجه روی آن عمل کنند. (یونسکو، ۲۰۱۶) زنان تحصیل کرده همچنین اعتماد به نفس بیشتری دارند و می توانند در فرآیندهای تصمیم گیری چه در سطح محلی و چه در حوزه های سیاسی بزرگتر شرکت کنند. طرح های آموزشی که بر برابری جنسیتی و چالش های زیست محیطی تأکید دارند، می توانند به

ارزش افزوده اصلی ناشی از مشارکت زنان در مدیریت محیط زیست، و ارزش اقتصادی ایجاد شده زمانی که زنان برای انجام این کار در مدیریت محیط زیست توانمند شوند. تحقیقات نشان داده است که افزایش مشارکت زنان در مدیریت منابع با افزایش بهره وری کشاورزی و افزایش تاب آوری جوامع در برابر شوک های زیست محیطی مرتبط است. این را شاید بتوان به این دلیل نسبت داد که زنان باید بیشتر به فکر پایداری و رفاه بلندمدت خانواده خود باشند و بنابراین مراقبت و مدیریت بهتر منابع را به شیوه ای منطقی تر نشان دهند. به عنوان مثال، تنها سازمان های مدیریت جنگل های جامعه تحت رهبری زنان در نپال می توانند





**حقوق مدنی و سیاسی، حقوق**

**اقتصادی و اجتماعی، حقوق**

**فرهنگی و حقوق محیط زیست**

**می‌توانند به عنوان حقوق و**

**آزادی‌های اساسی محسوب شوند.**

وضعیت محیط جهانی و ارتقای جایگاه زن در جامعه باید موثر باشد. همانطور که در این مقاله به آن پرداخته شد، زنان همواره محرک تغییر و انقلاب در همه زمینه‌ها بوده‌اند. محدودیت‌های ایجاد شده علیه زنان که دنیای معاصر سعی در رهایی آنها از آن دارد، به منبع بین‌المللی رشد و توسعه از همه جهات تبدیل شده است. این امر به دلیل ماهیت آن که قانون نرم است در حقوق محیط زیست قابل اجرا است. در حالی که تغییراتی در قوانین بین‌المللی برای تضمین مشارکت زنان در همه سطوح مورد نیاز است، باید توجه ویژه به نیازها و پتانسیل‌های زنان در زمینه حفاظت از محیط زیست شود، زیرا مشارکت عمومی تنها راه دستیابی به رویکردهای جامع و یکپارچه است که ممکن است به آن دست یابد. همراه با اهداف زیست محیطی و اجتماعی پایدار از طرق پیشنهادی زیر: آموزش و افزایش آگاهی، توانمندسازی اقتصادی، مشارکت در سیاست‌گذاری، رهبری و شبکه‌سازی، بهره‌برداری از دانش بومی، ایجاد چارچوب‌های قانونی، استفاده از فناوری‌های جدید؛ فناوری‌های جدید، همکاری بین‌المللی، مشارکت آنها در این زمینه فراتر از مشارکت سنتی است. به عنوان یک محرک قوی و موثر به دور از تبعیض و محدودیت جنسیتی برای حفظ ارزش‌های زیست محیطی برای آینده‌ای پایدارتر برای نسل بعدی عمل می‌کند. در این زمینه بهتر است پژوهشگران برای بررسی اثرات مشارکت زنان در سیاست‌های

جنگل‌های تخریب‌شده را احیا کنند، تنوع زیستی را بهبود بخشند، آب با کیفیت ارائه کنند و دسترسی مردم محلی به منابع جنگلی را تسهیل کنند. این نه تنها به محیط زیست پایدار از طریق فروش انواع مختلف محصولات جنگلی و اکوتوریسم کمک کرد، بلکه منافع مالی نیز به همراه داشته است. دستاوردهای این سازمان‌ها نشان می‌دهد که چگونه توانمندسازی زنان می‌تواند به پیشرفت اقتصادی و زیست محیطی منجر شود. علاوه بر این، تشویق زنان به مشارکت در اقتصاد سبز می‌تواند به اشتغال و اقتصاد کلی کمک کند.

مشارکت زنان در اکوتوریسم، کشاورزی پایدار و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌تواند چشم‌اندازهای اقتصادی جدیدی را بگشاید، به‌ویژه در مناطق روستایی که ممکن است گزینه‌های شغلی سنتی زیادی وجود نداشته باشد. (ILO، ۲۰۱۵). دولت‌ها و شرکت‌ها می‌توانند با تقویت مشارکت زنان در این بخش‌ها، توسعه اقتصادی عادلانه را ارتقا دهند و همزمان به نگرانی‌های زیست محیطی رسیدگی کنند.

### نتیجه‌گیری

حضور و مشارکت فعال زنان در مبارزه با بحران‌های زیست محیطی نه تنها یک نیاز اجتماعی و اخلاقی، بلکه یک ضرورت قانونی است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. به ویژه تقویت حقوقی مرتبط باید در جنبه‌های زیر صورت گیرد: دسترسی برابر برای زنان به منابع طبیعی، حق آنها برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی، و حق آنها برای حفاظت در موقعیت‌های مهم. مقررات بین‌المللی و ملی باید توسط قوانین و سیاست‌هایی اجرا شود که نه تنها حقوق زنان را تضمین می‌کند، بلکه آنها را به عنوان یک شریک کلیدی در حفاظت از محیط زیست به رسمیت می‌شناسد.



**اشتغال زنان در کشاورزی شهری امتداد وظایف سنتی آنان در زمینه مواد غذایی است. تولید و حفاظت از محیط زیست با توجه به نیازهای زندگی شهری معاصر. زنان در رهبری محیطی مطالعات موردی متعددی در سراسر جهان انجام شده است.**

دست هم دهیم تا با ایجاد قوانین حمایتی، تامین مالی پروژه‌های زنان و تشویق مشارکت آنها در تصمیم‌گیری‌های زیست محیطی، به تحقق عدالت زیست محیطی نزدیک شویم.

زیست محیطی مطالعات دقیقی انجام دهند تا با بررسی مدیریت زنان، ضرورت مشارکت آنان را قویا اعلام کنیم و در این راستا لازم است همه مقامات، از نهادهای بین المللی گرفته تا جوامع محلی، بیایند همه دست به

#### منابع:

۱. آگراوال، ب. ب. (Agarwal, B.) (۱۹۹۲). مذاکرات جنسیت و محیط زیست: درسهایی از هند. مطالعات زنان، ۱(۱۱۸)، ۱۵۸-۱۱۹.
۲. آگراوال، ب. ب. (Agarwal, B.) (۲۰۱۸). برابری جنسیتی، امنیت غذایی و اهداف توسعه پایدار: نظر فعلی در پایداری محیطی، ۳۴-۲۶-۳۳.
۳. دانکلن، آی. (Dankelman). دیویدسون، جی. (Davidson, J.) (۲۰۱۳). زنان و محیط زیست در جهان سوم: اتحاد برای آینده. راتلج. (Routledge)
۴. لیچ، ام (Leach, M.) (۱۹۹۲). جنسیت و محیط زیست: تله‌ها و فرصت‌ها. توسعه در عمل، ۱۲-۱۲-۲۳.
۵. نایتینگل و جی (Nightingale, A. J.) (۲۰۰۶). ماهیت جنسیت: کار، جنسیت و محیط. محیط و برنامه ریزی: د. جامعه و فضا، ۲(۲۴)، ۱۶۵-۱۸۵.
۶. شیوا، وی (Shiva, V.) (۱۹۸۸). زنده ماندن: زنان، اکولوژی و بقا در هند. کتاب‌های زد (Zed Books).
۷. عفو بین الملل. (۲۰۱۸). حقوق زنان حقوق بشر است: شکل دادن به دستور کار بین المللی انتشارات عفو بین الملل.
۸. پوشلت تی. دی، بدستو. ال (Beuchelt, T. D., & Badstue, L.) (۲۰۱۳). جنسیت، تغذیه و تولید مواد غذایی هوشمند از نظر آب و هوا: فرصت‌ها و معاوضه‌ها امنیت غذایی، ۵ (۵)، ۷۰۹-۷۲۱.
۹. سازمان ملل (United Nations). کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (CEDAW).
۱۰. قانون اساسی کنیا (The Constitution of Kenya, 2010). (۲۰۱۰). قانون اساسی کنیا، ۲۰۱۰. شورای ملی گزارشگری قانون.
۱۱. داتا، پی (Datta, P.) (۲۰۱۹). توانمندسازی زنان و کشاورزی پایدار: مورد SEWA در هند. بررسی سیاست توسعه، ۳۷(۶)، ۷۶۳-۷۴۸.
۱۲. المیرست، آر. (Elmhirst, R.). معرفی بوم‌شناسی‌های سیاسی فمینیستی جدید. تالار محیط زیست ۴۲ (۲)، ۱۲۹-۱۳۲.
۱۳. فائو (FAO). زنان در کشاورزی: از بین بردن شکاف جنسیتی برای توسعه. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد.
۱۴. گورونگ، جی. دی. (Gurung, J. D.). موانندو، اس (Mwanundu, S.) هوف، کی (Howe, K.) (۲۰۱۴). جنسیت و توسعه پایدار در مناطق کوهستانی: مورد نیال. تحقیق و توسعه کوهستان، ۳(۲۴)، ۲۱۹-۲۱۹.
۱۵. جکسون، سی. (Jackson, C.) (۲۰۱۳). شمول اجتماعی و آسیب پذیری جنسیتی در برابر تغییرات آب و هوایی. توسعه در عمل، ۲۳(۸)، ۱۰۵۱-۱۰۶۱.
۱۶. جونز، ان (Jones, N.) و تارپ، اف (Tarp, F.) (۲۰۱۶). آیا توانمندسازی زنان باعث توسعه پایدار می‌شود؟ شواهدی از روستاهای بنگلادش. توسعه جهانی، ۸۷، ۳۴۸-۲۶۱.
۱۷. کبیر، ان (Kabera, N.) (۲۰۱۶). برابری جنسیتی، رشد اقتصادی و عاملیت زنان: «تنوع بی‌پایان» و «شباهت یکتا» محدودیت‌های مردسالارانه. اقتصاد فمینیستی، ۱(۱۲۲)، ۲۹۵-۳۲۱.
۱۸. کاپور، ا (Kapur, A.) (۱۹۹۳). حقوق زنان و پایداری محیطی در هند: بررسی پیوندها. در دبان مجله مطالعات جنسیتی، ۲۱ (۱)، ۱۵-۳۷.
۱۹. مینزن دیک، آر (Meinzen-Dick, A.) کویسومینگ، آ (Quisumbing, A.) برمن، جی (Behrman, J.) بیرنبر جنزانو، پی



۲۰. Biernmayr-Jenzano, P. (۲۰۱۴). ایجاد تحقیقات کشاورزی در جنسیت در کشاورزی (ص ۲۳-۵۵). اسپرینگر.
۲۱. مولت، اس. (Mollett, S)، فاریا، سی (Faria, C)، (۲۰۱۳). آشفنگی با جنسیت در بوم‌شناسی سیاسی فمینیستی. جنوفاروم (Geoforum)، ۴۵، ۱۱۶-۱۲۵.
۲۲. انگیگی، اس، ان (Ngigi, S. N)، (۲۰۱۸). برابری جنسیتی و توسعه پایدار: نقش زنان در مدیریت منابع آب کنیا مجله بین المللی توسعه منابع آب، ۳۴ (۳)، ۳۵۶-۳۶۹.
۲۳. زنان سازمان ملل (UN Women)، (۱۹۹۵). بیانیه یکن و پلتفرم اقدام سازمان ملل متحد سازمان ملل متحد جنوب شرقی. مجله مسائل حقوقی، اخلاقی عمومی، ۱۲ (۰۲)، ص ۱۴۶۲-۱۴۸۰.
۲۴. راما (WRMA)، (۲۰۱۸). گزارش سالانه ۲۰۱۸. اداره مدیریت منابع آب، کنیا.
۲۵. کرنشواو، ک (Crenshaw, K)، (۱۹۸۹). حاشیه‌زدایی از تلاقی نژاد و جنسیت: نقد فمینیستی سیاه پوست از دکترین ضد تبعیض، نظریه فمینیستی و سیاست ضد نژادپرستی. انجمن حقوقی دانشگاه شیکاگو، ۱۹۸۹ (۱)، ۱۳۹-۱۶۷.
۲۶. قائمی نسب، ف. (Ghaeminasab)، (۲۰۲۴). مشروعیت ساخت سداها در آبراه های بین المللی با تمرکز بر پروژه سد آناتولی جنوب شرقی. مجله مسائل حقوقی، اخلاقی عمومی، ۱۲ (۰۲)، ص ۱۴۶۲-۱۴۸۰.
۲۷. قائمی نسب، ف. (Ghaeminasab)، ۲۰۲۴. چالش‌های بین‌المللی آرای داوری بین‌المللی. ۴. (۲۰۲۴). Cijf، ۱۰، ۳۰۴۸۹-۳۰۴۹۰.
۲۸. گارد، جی (Gaard, G)، (۱۹۹۳). اکوفمینیسم: زنان، حیوانات، طبیعت. انتشارات دانشگاه تمپل.
۲۹. ماتای، و، و (Maathai, W)، (۲۰۰۴). جنبش کمربند سبز: به اشتراک گذاشتن رویکرد و تجربه. کتاب های فانوس.
۳۰. اچرلینگ، سی (Echterling, C)، (۲۰۱۶). چگونه جهان را حفظ کنیم و درسهای دیگر دربرابر ادبیات محیط زیستی کودکان، ادبیات کودکان در آموزش و پرورش.
۳۱. ماسی، ال (Massey, L)، کمردن، پی (Camerden, P)، گوس، آ (Gaos, A)، لیلز، ام (Liles, M)، سمینوف، جی (Seminoff, J)، اهم، ا (Ahern, A)، (۲۰۲۱). چالش برانگیز بودن نابرابری جنسیتی در حفاظت از حیات وحش: گروهی از زنان که تلاش های حفاظت از لاک پشت های دریایی را رهبری می کنند. السالوادور محیط محلی: مجله بین المللی عدالت و پایداری.
۳۲. وانگ، اف (Wang, F)، ژانگ، اس (Zhang, S)، لیو، ام (Liu, M)، لی، لین، اچ (Lin, X)، پنگ، وای (Peng, Y)، لین، وای (Lin, Y)، هوانگ، جی (Huang, J)، لیو، سی (Luo, C)، (۲۰۱۴). ژنتیک تجزیه و تحلیل تنوع نشان می دهد که محیط جغرافیایی نقش مهم تری نسبت به رقم برنج در انتخاب جمعیت *Villosiclavla vires* ایفا می کند. میکروبیولوژی کاربردی و محیطی.
۳۳. نورویوانتی، ان (Novriyanti, N)، نورساتنی، ان (Nursanti, N)، وولان، سی (Wulan, C)، (۲۰۲۱). ارتباط کوتاه: آیا زنان دانش سنتی در مورد گیاهان دارویی دارند؟ مطالعه موردی در اطراف جنگل شهری جامبی، اندونزی. مجله آسیایی اخلاق زیستی (Ethnobiology).
۳۴. ونس، اف (Venes, F)، یارسا، اس (Barca, S)، ناواس، جی (Navas, G)، (۲۰۲۳). نه قربانیان، بلکه مبارزان: مروری جهانی بر رهبری زنان در مبارزات ضد معدن. مجله بوم شناسی سیاسی.
۳۵. گارتولا، اچ (Gartaula, H)، ساپکوتا، تی (Sapkota, T)، خاتری چتری، ا (Khatri-Chhetri, A)، پراساد، جی (Prasad, G)، بستو، ال (Badstue, L)، (۲۰۲۰). اثرات جنسیتی گزینه های کاهش گازهای گلخانه ای برای کشت برنج در هند. تغییرات اقلیمی.
۳۶. گان، سی (Gan, C)، مک نامارا، سی (McNamara, C)، گوناسیری، اچ (Gunasiri, H)، اولیوا، پی (Oliva, P) و سبار، بی (Sebar, B)، (۲۰۲۳). زنان و سلامت سیاره‌های در آسیا و اقیانوسیه. مرزها در اقلیم.
۳۷. اولالکن، آر (Olalekan, R)، (۲۰۱۹). نقش زنان در حفاظت و توسعه محیط زیست در نیجریه. اکولوژی و علم حفاظت: دسترسی آزاد.
۳۸. مرچنت، سی (Merchant, C)، (۱۹۸۰). مرگ طبیعت: زنان، اکولوژی و انقلاب علمی. هارپر و رو.
۳۹. نایتینگل، آ، جی (Nightingale, A. J)، (۲۰۰۶). ماهیت جنسیت: کار، جنسیت و محیط. محیط و برنامه ریزی: جامعه و فضا، ۳۴ (۲)، ۱۶۵-۱۸۵.
۴۰. سیلوا، ای. (Silva, E)، (۲۰۱۶). زنان بومی، جنگل زدایی، و مبارزه برای آمازون. مجله مطالعات محیطی، ۱۵ (۴)، ۲۲۹-۲۴۵.
۴۱. اسمیت، جی (Smith, J)، (۲۰۱۷). جنسیت و تغییر آب و هوا: تأثیرات، علم، سیاست. مجله سیاست آب و هوا، ۱۸ (۱)، ۳۹-۴۹.
۴۲. کر، ام (Carr, M)، (۲۰۰۸). زنان و امنیت غذایی: اثرات تغییرات آب و هوا. صندوق بین المللی توسعه کشاورزی.
۴۳. مک لیود، ای (McLeod, E)، بروتن آدامز، ام (Bruton-Adams, M)، فاستر، جی (Förster, J)، گینز، جی (Franco, C)، گورونگ، بی (Gaines, G)، جیمز، آر (Gorong, B)، (۲۰۱۸). درس هایی از جزایر اقیانوس آرام: سازگاری با تغییرات آب و



- هوایی با حمایت از انعطاف پذیری اجتماعی و زیست محیطی. مرزها در علوم دریایی، ۵، ۳۲۹.
۴۴. نسرين، م. (Nasreen, M)، حسین، ک. (Hossain, K)، و حسین، م. س. (Hossain, M. S). (۲۰۱۳). تغییر اقلیم و معیشت در بنگلادش: تجربیات مردمی که در مناطق ساحلی زندگی می کنند. شکل دادن به توسعه انعطاف پذیر آب و هوا در بنگلادش.
۴۵. آکسفام (Oxfam). (۲۰۰۵). تاثیر سونامی بر زنان بین المللی آکسفام
۴۶. سازمان ملل متحد (UNDP). (۲۰۰۹). راهنمای منابع در مورد جنسیت و تغییر آب و هوا. برنامه توسعه سازمان ملل متحد
۴۷. زنان سازمان ملل (UN Women). (۲۰۱۵). تاثیر تغییر آب و هوا بر زنان نهاد سازمان ملل متحد برای برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان.
۴۸. دبلیو. اچ. ا. (WHO). (۲۰۱۱). جنسیت، تغییرات آب و هوا و سلامت. سازمان بهداشت جهانی.
۴۹. آگاروال، بی (Agarwal, B). (۱۹۹۴). زمینه ای از خود: جنسیت و حقوق زمین در جنوب آسیا. انتشارات دانشگاه کمبریج
۵۰. آگاروال، بی (Agarwal, B). (۲۰۱۰). جنسیت و حکومت سبز: اقتصاد سیاسی حضور زنان در جنگلداری جامعه و فراتر از آن. انتشارات دانشگاه آکسفورد
۵۱. کورنوال، آ (Cornwall, A). (۲۰۰۳). صداهای چه کسی؟ انتخاب های چه کسی؟ تاملاتی در مورد جنسیت و توسعه مشارکتی. توسعه جهانی، ۳۱(۸)، ۱۳۲۵-۱۳۴۲.
۵۲. فائو (FAO). (۲۰۱۱). وضعیت غذا و کشاورزی ۲۰۱۰-۲۰۱۱: زنان در کشاورزی - بستن شکاف جنسیتی برای توسعه. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد.
۵۳. اتحادیه بین المجالس (Inter-Parliamentary Union). (۲۰۲۰). زنان در پارلمان های ملی IPU.
۵۴. ماتای، و (Maathai, W) و کینز کمریند سبز: به اشتراک گذاشتن رویکرد و تجربه. کتاب های فانوس.
۵۵. مک کینزی و شرکت (McKinsey & Company). (۲۰۱۸). زنان در محل کار ۲۰۱۸.
۵۶. تریپ، آ. ام (Tripp, A. M)، کانگ، آ. (Kang, A). (۲۰۰۸). تاثیر جهانی سهمیه ها: در مسیری سریع برای افزایش نمایندگی قانونی زنان. مطالعات سیاسی تطبیقی، ۴۱(۳)، ۳۳۸-۳۶۱.
۵۷. یونسکو. (۲۰۱۵). گزارش نظارت بر آموزش جهانی ۲۰۱۵: آموزش برای همه ۲۰۰۰-۲۰۱۵: دستاوردها و چالش ها.
۵۸. یونسکو. (۲۰۱۷). شکستن کد: آموزش دختران و زنان در STEM.
۵۹. زنان سازمان ملل. (۲۰۱۴). بررسی جهانی نقش زنان در توسعه ۲۰۱۴: برابری جنسیتی و توسعه پایدار.
۶۰. بانک جهانی. (۲۰۱۲). گزارش توسعه جهانی ۲۰۱۲: برابری جنسیتی و توسعه.
۶۱. دانکلن، آی (Dankelman, I). (۲۰۱۰). جنسیت و تغییرات اقلیمی: یک معرفی. روتلج
۶۲. نومایر، ای (Neumayer, E) پلامیر، تی (Plümpner, T). (۲۰۰۷). طبیعت جنسیت در فاجعه ی طبیعی
۶۳. برنامه توسعه سازمان ملل متحد (UNDP). (۲۰۱۶). برابری جنسیتی در حاکمیت محیطی: چشم انداز سیاست نیویورک.
۶۴. یونسکو. (۲۰۱۶). آموزش برای اهداف توسعه پایدار: اهداف یادگیری. پاریس: یونسکو
۶۵. کنوانسیون چارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییر آب و هوا (UNFCCC). (۲۰۱۹). جنسیت و تغییر آب و هوا: مقاله فنی در مورد تأثیرات متفاوت آب و هوا.
۶۶. وکون (WOCAN) (سازمان زنان برای تغییر در کشاورزی و مدیریت منابع طبیعی). (۲۰۱۲). کتاب منبع جنسیت در کشاورزی هوشمند با آب و هوا: ماژول ۱۸ برای جنسیت در کشاورزی.
۶۷. جنکینز و ام. هانلی (Jentex & M Hunley)، درختان و توسعه جنگل: دیدگاهی از کشورهای در حال توسعه (ص. ۸۶-۱۰۴). نیرویونی: یو ان دی پی (UNEP).
۶۸. شیوا، و. باندیوپادای، جی (Shiva, V) و باندیوپادای، جی (Bandyopadhyay, J). (۱۹۸۶). جنبش چپیکو: حفاظت از جنگل بر اساس قدرت مردم. در H.C.
۶۹. کویسامینگ، آ. آر (Quisumbing, A. R)، مینزن، دیک، آر (Meizen-Dick, R)، برمن، جی، آ (Behrman, J. A). (۲۰۱۴). حقوق زمین زنان به عنوان راهی برای کاهش فقر: چارچوب و بررسی شواهد موجود توسعه جهانی، ۴۸، ۷۲-۸۹.
۷۰. چلسکی، ای (Cecelski, E). (۲۰۰۰). امکان دسترسی عادلانه به برق رسانی روستایی: تفکر فعلی و فعالیت های عمده در زمینه انرژی، فقر و جنسیت. گزارش توسعه جهانی، واشنگتن دی سی: بانک جهانی.
۷۱. نلمن، سی (Nellemann, C)، برمن، آر (Verma, R). (۲۰۱۱). هیسلپ، ال (Hislop, L). زنان در خط مقدم تغییرات آب و هوایی: خطرات و امیدهای جنسیتی برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNEP).
۷۲. نلسون، وی (Nelson, V)، و استاترز، تی (Stathers, T). (۲۰۰۹). انعطاف پذیری، قدرت، فرهنگ آب و هوا: مطالعه موردی از تانزانیا نیمه خشک، و جهت های تحقیقاتی جدید. جنسیت و توسعه، ۱۷(۱)، ۸۱-۹۴.







مهندس ملیحه فلاح‌پور  
کارشناس ارشد محیط زیست

# حقوق حیوانات خانگی

## مقدمه

حیوانات خانگی از دیرباز بخشی از زندگی انسانی بوده‌اند. از نگهداری از سگ‌ها و گربه‌ها در خانه‌ها گرفته تا پرورش پرندگان زینتی، حیوانات خانگی نقش‌های متعددی را در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف ایفا کرده‌اند. اهمیت و توجه به حقوق حیوانات به ویژه در سال‌های اخیر به شدت افزایش یافته است، چرا که جامعه جهانی به اخلاقیات و مسئولیت‌های انسانی در قبال این موجودات حساس‌تر شده است. با این حال، وضعیت حقوق حیوانات در کشورهای مختلف به شدت متفاوت است و بستگی به فرهنگ، قوانین، و سطح آگاهی عمومی دارد.

در ایران، با وجود علاقه زیاد به نگهداری از حیوانات خانگی، چالش‌های زیادی در زمینه حمایت از حقوق آنها وجود دارد. این چالش‌ها نه تنها ناشی از کمبود قوانین جامع و کارآمد هستند، بلکه به نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی خاص ایران نیز برمی‌گردند. این مقاله قصد دارد تا با بررسی وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران، از منظر قانونی، اجتماعی و فرهنگی، راهکارهایی برای بهبود این وضعیت ارائه دهد. این مقاله همچنین تلاش می‌کند تا با مقایسه تجربیات دیگر کشورها، به تحلیل عمیق‌تری از وضعیت حقوق حیوانات در ایران بپردازد.



این مفاهیم به تدریج وارد گفتمان حقوقی و اجتماعی در بسیاری از کشورها شده و منجر به تدوین قوانین و مقرراتی برای حمایت از حقوق حیوانات شده‌اند. این قوانین به طور گسترده‌ای در کشورهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند و به عنوان مبنای اخلاقی و قانونی برای حمایت از حیوانات، به ویژه حیوانات خانگی، در سراسر جهان به کار رفته‌اند.

## ۲- تفاوت‌های حقوق حیوانات و رفاه حیوانات

یکی از مسائل اساسی در حوزه حقوق حیوانات، تفاوت میان حقوق حیوانات و رفاه حیوانات است. حقوق حیوانات به معنای شناسایی و رعایت حقوق بنیادین حیوانات است که مستقل از نیازها و خواسته‌های انسانی وجود

## ۱- مفهوم حقوق حیوانات

حقوق حیوانات به معنای شناسایی و احترام به حقوق ذاتی حیوانات است که شامل حق زندگی، حق آزادی از شکنجه و حق برخورداری از شرایط زندگی مناسب است. این مفهوم در سال‌های اخیر به یکی از موضوعات مهم در فلسفه اخلاق و حقوق تبدیل شده است. پیتر سینگر، یکی از پیشگامان این زمینه، در کتاب «آزادی حیوانات» (۱۹۷۵) مطرح کرد که حیوانات نیز مانند انسان‌ها قادر به تجربه درد و لذت هستند و بنابراین باید از حقوقی برخوردار باشند که آنها را در برابر رنج و آزار محافظت کند (۱).

فلسفه حقوق حیوانات با تاکید بر اینکه حیوانات به دلیل داشتن احساسات و قابلیت تجربه درد و رنج، مستحق برخورداری از حقوق بنیادین هستند، به دنبال پایان دادن به بهره‌کشی از حیوانات است. این فلسفه به جای دیدگاه‌های سنتی که حیوانات را به عنوان ابزارهای سودمند برای انسان‌ها می‌دیدند، به حیوانات به عنوان موجوداتی با ارزش ذاتی می‌نگرد که باید به آنها حقوقی مشابه با حقوق انسان‌ها اعطا شود.

حقوق حیوانات بر پایه اصول اخلاقی و فلسفی استوار است که توسط فیلسوفانی مانند تام ریگان نیز مورد بررسی قرار گرفته است. ریگان در کتاب خود «حقوق حیوانات» استدلال می‌کند که حیوانات دارای ارزش ذاتی هستند و باید حقوقی داشته باشند که مستقل از منافع انسانی رعایت شود. او معتقد است که حیوانات باید به عنوان «موجودات دارای زندگی» شناخته شوند که حقوقی بنیادین مانند حق حیات و حق آزادی از بهره‌کشی دارند (۲).



شود و از درد و رنج غیر ضروری در امان باشند. به عنوان مثال، در صنعت کشاورزی، رفاه حیوانات به معنای بهبود شرایط نگهداری دامها و کاهش درد و رنج آنها است. این می‌تواند شامل فراهم کردن فضای کافی برای حرکت، دسترسی به تغذیه مناسب و جلوگیری از استفاده از روش‌های غیر انسانی در ذبح حیوانات باشد. در اینجا، هدف اصلی کاهش درد و رنج حیوانات است، نه الزاماً پایان دادن به استفاده از آنها.

در ایران، بیشتر توجه‌ها بر رفاه حیوانات متمرکز بوده و قوانینی که تصویب شده‌اند (از جمله: لایحه حمایت از حیوانات (۴)) بیشتر به بهبود شرایط نگهداری و استفاده از حیوانات پرداخته‌اند. برای مثال، برخی قوانین به کنترل و نظارت بر شرایط نگهداری دامها و جلوگیری از بدرفتاری با حیوانات خانگی می‌پردازند. با این حال، هنوز نیاز به شناخت و احترام به حقوق ذاتی حیوانات و تدوین قوانینی که به طور خاص به این حقوق پرداخته باشد، وجود دارد. برای مثال، در برخی کشورها مانند بریتانیا، قانون رفاه حیوانات (Animal Welfare Act) که در سال ۲۰۰۶ به تصویب رسید (۵)، علاوه بر بهبود شرایط رفاهی، حقوق حیوانات را به عنوان یک مسئله اساسی مطرح کرده و هر گونه آزار و اذیت حیوانات را به شدت مجازات می‌کند. این قانون به عنوان الگویی برای بسیاری از کشورها در تدوین قوانین مشابه مورد استفاده قرار گرفته است.

### ۳- حقوق حیوانات در سطح بین‌المللی

حقوق حیوانات در سطح بین‌المللی در دهه‌های اخیر به یک مسئله بسیار مهم تبدیل

دارد. این حقوق شامل حق حیات، حق آزادی از شکنجه و بهره‌کشی، و حق برخورداری از شرایط زندگی مناسب است. به عبارت دیگر، حقوق حیوانات به دنبال تضمین حقوق ذاتی حیوانات است که نباید توسط انسان‌ها نقض شود (۳).

در مقابل، رفاه حیوانات بیشتر به بهبود شرایط زندگی حیوانات و کاهش درد و رنج آنها تمرکز دارد. این مفهوم عمدتاً در رابطه با حیواناتی که در صنایع مختلف مانند کشاورزی، تحقیقات علمی، و نمایش‌های سرگرمی استفاده می‌شوند، مطرح می‌شود. رفاه حیوانات به معنای این است که حیوانات باید در شرایطی نگهداری شوند که نیازهای اساسی آنها مانند غذا، آب، سرپناه و مراقبت‌های پزشکی تأمین



و بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته است.

در اتحادیه اروپا، حقوق حیوانات به طور جدی‌تری مورد توجه قرار گرفته و قوانین جامع و سختگیرانه‌ای برای حمایت از حیوانات تصویب شده است. «کنوانسیون اروپایی برای حفاظت از حیوانات اهلی» که در سال ۱۹۸۷ به تصویب رسید، یکی از این قوانین است. این کنوانسیون کشورهای عضو را موظف می‌کند تا استانداردهای بالایی را برای نگهداری و مراقبت از حیوانات خانگی اعمال کنند. به عنوان مثال، این کنوانسیون شامل مقرراتی است که از بدرقتاری با حیوانات خانگی جلوگیری می‌کند و شرایط بهینه‌ای را برای زندگی آنها تضمین می‌کند (۷).

علاوه بر این، در سال ۱۹۹۹ اتحادیه اروپا قانونی را تصویب کرد که به موجب آن استفاده از قفس‌های تنگ برای نگهداری طیور در سراسر این اتحادیه ممنوع و حد استاندارد حداقلی مشخص شد. این قانون به عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات در جهت بهبود رفاه حیوانات در اروپا شناخته می‌شود و منجر به بهبود چشمگیر شرایط نگهداری طیور در این قاره شد (۸).

در ایالات متحده، «قانون رفاه حیوانات» که در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید (۹)، اولین قانون فدرالی بود که به صورت جامع به حمایت از حیوانات پرداخته و مقرراتی برای حفاظت از حیوانات در برابر آزمایش‌های غیرانسانی، سوءاستفاده و نگهداری در شرایط نامناسب تدوین کرد. این قانون، اگرچه بیشتر به رفاه حیوانات توجه دارد، اما به عنوان نقطه عطفی در تاریخ حقوق حیوانات در ایالات متحده شناخته می‌شود. قانون رفاه حیوانات همچنین شامل



شده است و چندین معاهده و سند بین‌المللی برای حمایت از حیوانات تدوین شده است. «اعلامیه جهانی حقوق حیوانات» که در سال ۱۹۷۸ توسط یونسکو به تصویب رسید، یکی از مهم‌ترین اسناد در این زمینه است. این اعلامیه شامل ۱۴ ماده است که به حقوق اساسی حیوانات از جمله حق حیات، آزادی از درد و رنج، و برخورداری از محیط زیست مناسب اشاره دارد (۶).

این اعلامیه تأکید می‌کند که تمام حیوانات دارای حقوقی ذاتی هستند که باید توسط انسان‌ها رعایت شود. به عنوان مثال، ماده ۲ این اعلامیه تصریح می‌کند که: «هر حیوان حق دارد به گونه‌ای زندگی کند که مناسب با نوع و نیازهای طبیعی او باشد.» این اعلامیه، اگرچه الزام‌آور نیست، اما به عنوان یک معیار اخلاقی و راهنمایی برای تدوین قوانین ملی



صید» (۱۳) به تصویب رسید که بیشتر به حفاظت از حیات وحش و جلوگیری از شکار بی‌رویه پرداخته بود. این قانون، اگرچه در زمان خود یک گام مثبت در راستای حفاظت از حیوانات محسوب می‌شد، اما به حقوق حیوانات خانگی توجه چندانی نداشت و تنها به حفاظت از گونه‌های وحشی در معرض خطر تمرکز داشت.

این قانون شامل مقرراتی برای کنترل شکار و صید حیوانات وحشی و تعیین مناطق حفاظت شده بود. با این حال، به رغم اهمیت این قانون در حفاظت از حیات وحش، در زمینه حمایت از حیوانات خانگی و اهلی همچنان نواقصی وجود داشت. برای مثال، این قانون به صورت صریح به حمایت از حیوانات خانگی در برابر بدرفتاری‌های انسان‌ها نپرداخته بود و بیشتر به جنبه‌های مربوط به شکار و صید تمرکز داشت.

در دهه‌های بعد، تلاش‌هایی برای تدوین قوانین جدید در راستای حمایت از حیوانات انجام شد. از جمله «لایحه حمایت از حیوانات» (۴) که تلاشی بود در جهت حفظ حقوق حیوانات و محافظت از آنها در برابر آسیب‌ها و سوء رفتارهای انسانی. بدیهی است موفقیت این لایحه و سایر قوانین مربوط به حمایت از حیوانات در ایران بستگی به اجرای صحیح، نظارت موثر و فرهنگ سازی فراگیر در میان جامعه دارد.

در سال‌های اخیر، با افزایش آگاهی عمومی و تغییرات فرهنگی در جامعه ایران، توجه به حقوق حیوانات به ویژه حیوانات خانگی افزایش یافته است. سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و گروه‌های حامی حیوانات نقش

مقرراتی برای حیوانات خانگی و حیواناتی که در صنعت نمایش و سرگرمی استفاده می‌شوند، است (۳).

در سطح جهانی، سازمان‌های بین‌المللی متعددی نیز در زمینه حمایت از حقوق حیوانات فعالیت می‌کنند. از جمله مهم‌ترین این سازمان‌ها می‌توان به «انجمن جهانی حفاظت از حیوانات» (۱۰)، و «مردم برای رفتار اخلاقی با حیوانات» (۱۱) اشاره کرد. این سازمان‌ها با برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخش، لابی‌گری در سطح ملی و بین‌المللی، و ارائه خدمات حقوقی و حمایتی به حیوانات، به دنبال بهبود وضعیت حقوق حیوانات در سراسر جهان هستند.

یکی از موفق‌ترین نمونه‌های قوانین حقوق حیوانات، قانون «پنج آزادی» است که توسط انجمن رفاه حیوانات مزرعه‌ای (Farm Animal Welfare Council) در بریتانیا پیشنهاد شد. این پنج آزادی شامل آزادی از گرسنگی و تشنگی، آزادی از ناراحتی، آزادی از درد، جراحت و بیماری، آزادی از ترس و اضطراب، و آزادی بیان رفتارهای طبیعی است (۱۲). این اصول به طور گسترده‌ای توسط کشورهای دیگر و سازمان‌های بین‌المللی به عنوان پایه‌ای برای تدوین قوانین رفاه حیوانات پذیرفته شده است.

#### ۴- وضعیت حقوق حیوانات در ایران

وضعیت حقوق حیوانات در ایران همچنان در حال توسعه و تغییر است و در مقایسه با کشورهای پیشرفته، همچنان با چالش‌های جدی مواجه است. اولین قوانین مرتبط با حمایت از حیوانات در ایران به دهه ۱۳۴۰ بازمی‌گردد. در این دوره، «قانون شکار و



با وجود این چالش اغلب شاهد عدم همکاری و هماهنگی لازم میان شهرداری‌ها، سازمان‌های غیردولتی، و دیگر نهادهای مسئول هستیم. این مسئله باعث شده است که بسیاری از تلاش‌ها برای کنترل جمعیت حیوانات ولگرد و حمایت از حیوانات خانگی به طور کامل به نتیجه نرسد و بسیاری از حیوانات خانگی همچنان در معرض خطر باشند.

● یکی دیگر از مشکلات، نگرش‌های فرهنگی و مذهبی است که برخی حیوانات خانگی به ویژه سگ‌ها را به عنوان موجودات ناپاک تلقی می‌کنند. این نگرش‌ها باعث شده که بسیاری از افراد از نگهداری حیوانات خانگی خودداری کنند یا در صورت نگهداری، آنها را در شرایط نامناسبی قرار دهند. به عنوان مثال، در برخی مناطق روستایی، سگ‌ها و گربه‌ها به عنوان حیوانات نجس تلقی می‌شوند و مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند. این موضوع نیازمند تغییر نگرش‌های فرهنگی و مذهبی است تا حقوق حیوانات خانگی در ایران به درستی شناخته و محترم شمرده شود.

● یکی دیگر از چالش‌های اساسی، عدم وجود سیاست‌های مشخص برای آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی درباره حقوق حیوانات خانگی است. آموزش عمومی و افزایش آگاهی جامعه درباره نیازهای اساسی حیوانات خانگی، نقش مهمی در بهبود وضعیت این حیوانات ایفا می‌کند. در بسیاری از کشورها، برنامه‌های آموزشی جامعی وجود دارد که به افراد نحوه صحیح نگهداری از حیوانات خانگی و احترام به حقوق آنها را آموزش می‌دهد. این برنامه‌ها شامل دوره‌های آموزشی در مدارس، کمپین‌های آگاهی‌بخش عمومی، و انتشار منابع آموزشی است. در

مهمی در ترویج حقوق حیوانات ایفا کرده‌اند. از جمله این سازمان‌ها می‌توان به «انجمن حمایت از حیوانات ایران» و «پناهگاه حیوانات وفا» اشاره کرد. این سازمان‌ها با برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخش، آموزش عمومی و ارائه خدمات به حیوانات نیازمند، تلاش می‌کنند تا وضعیت حقوق حیوانات را بهبود بخشند. برای مثال، کمپین‌های مربوط به عقیم‌سازی سگ‌ها و گربه‌ها، جلوگیری از رهاسازی حیوانات خانگی و حمایت از حیوانات بی‌سرپرست، از جمله فعالیت‌های مهم این سازمان‌ها است.

#### ۵- چالش‌ها و فرصت‌ها برای بهبود شرایط حیوانات خانگی در ایران

حیوانات خانگی در ایران، مانند بسیاری از کشورهای دیگر، نقش مهمی در زندگی افراد ایفا می‌کنند. نگهداری از سگ‌ها، گربه‌ها، پرندگان زینتی و حیوانات خانگی کوچک، به بخشی از فرهنگ خانوادگی و اجتماعی بسیاری از ایرانیان تبدیل شده است. با این حال، وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران همچنان با چالش‌های متعددی مواجه است.

● یکی از مهم‌ترین مشکلات در زمینه حقوق حیوانات خانگی در ایران، نبود قوانین جامع و مشخص برای حمایت از این حیوانات است. بسیاری از حیوانات خانگی در ایران از حمایت قانونی کافی برخوردار نیستند و در معرض سوءاستفاده و بدرفتاری قرار دارند. برای مثال، گزارش‌های متعددی از رهاسازی حیوانات خانگی در خیابان‌ها و بیابان‌ها، شکنجه حیوانات، و نگهداری آنها در شرایط نامناسب منتشر شده است. این موارد نشان‌دهنده ضعف‌های جدی در قوانین حمایتی و نظارت بر اجرای آنها است.



خانواده‌هایی است که حیوانات خانگی را به عنوان اعضای خانواده خود پذیرفته‌اند و به آنها احترام و مراقبت لازم را ارائه می‌دهند. این تغییر نگرش در جامعه ایرانی، می‌تواند به عنوان یک فرصت مهم برای بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران مورد استفاده قرار گیرد.

● علاوه بر این، گسترش فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های حامی حیوانات می‌تواند به بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی کمک کند. این سازمان‌ها می‌توانند با برگزاری کمپین‌های آگاهی‌بخش، جمع‌آوری کمک‌های مالی، و اجرای برنامه‌های حمایتی، نقش مهمی در حمایت از حیوانات خانگی ایفا کنند. همچنین، ایجاد شبکه‌های همکاری میان این سازمان‌ها

ایران، چنین برنامه‌های آموزشی به ندرت اجرا می‌شوند و این خلأ آموزشی باعث می‌شود که بسیاری از افراد به درستی از نیازهای حیوانات خانگی خود آگاهی نداشته باشند. به عنوان مثال، بسیاری از افراد از اهمیت تغذیه مناسب، مراقبت‌های پزشکی، و ایجاد فضای مناسب برای حیوانات خانگی خود بی‌اطلاع هستند. این کمبود آگاهی می‌تواند منجر به مشکلات جدی برای حیوانات خانگی شود که در نهایت به بدرقتاری یا رهاسازی آنها منجر می‌شود.

● نبود برنامه‌های جامع برای کنترل جمعیت حیوانات خانگی به ویژه سگ‌ها و گربه‌های ولگرد از دیگر مشکلات عمده حقوق حیوانات در ایران است. نبود این برنامه‌ها باعث افزایش جمعیت حیوانات ولگرد در برخی از مناطق شهری و روستایی شده که مشکلات متعددی از جمله مسائل بهداشتی و ایمنی عمومی را به دنبال داشته است. در برخی موارد، شهرداری‌ها اقدام به جمع‌آوری و کشتار حیوانات ولگرد کرده‌اند که این اقدامات با واکنش‌های منفی از سوی جامعه و گروه‌های حامی حیوانات مواجه شده است.

● علاوه بر این، عدم وجود پناهگاه‌های کافی برای حیوانات بی‌سرپرست یکی دیگر از مشکلات عمده در ایران است. بسیاری از حیوانات خانگی که توسط صاحبان خود رها شده‌اند، به خیابان‌ها و بیابان‌ها سرگردان می‌شوند و در شرایط سختی زندگی می‌کنند. نبود پناهگاه‌های کافی و کمبود منابع مالی برای حمایت از این حیوانات باعث شده که بسیاری از آنها در معرض خطرات جدی قرار گیرند. با این حال، فرصت‌هایی نیز برای بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران وجود دارد:

● یکی از این فرصت‌ها، رشد سریع تعداد



و نهادهای دولتی می‌تواند به بهبود هماهنگی و اجرای بهتر قوانین حمایتی کمک کند.

### ۶- راهکارهای پیشنهادی برای بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران

برای بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران، نیاز به اقدامات جامع و هماهنگ در سطوح مختلف وجود دارد. این اقدامات باید شامل تدوین و تصویب قوانین جامع، آموزش عمومی، و تقویت همکاری میان نهادهای دولتی و غیردولتی باشد.

#### الف) تدوین و تصویب قوانین جامع:

اولین و مهم‌ترین گام برای بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران، تدوین و تصویب قوانین جامع و کارآمد است. این قوانین باید به طور خاص به حقوق حیوانات خانگی بپردازند و شامل مقرراتی برای جلوگیری از بدرفتاری، رهاسازی، و سوءاستفاده از این حیوانات باشند. همچنین، این قوانین باید شرایط لازم برای نگهداری از حیوانات خانگی را تعیین کنند و مجازات‌های سنگینی برای نقض این مقررات در نظر بگیرند.

#### ب) آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی:

آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی درباره حقوق حیوانات خانگی نقش بسیار مهمی در بهبود وضعیت این حیوانات ایفا می‌کند. برای این منظور، می‌توان برنامه‌های آموزشی جامعی را در مدارس، دانشگاه‌ها، و رسانه‌های عمومی اجرا کرد. این برنامه‌ها می‌توانند شامل دوره‌های آموزشی درباره نحوه صحیح نگهداری از حیوانات خانگی، اهمیت تغذیه مناسب، و نیازهای بهداشتی و روانی این حیوانات باشند.

#### ج) تقویت همکاری میان نهادهای

**دولتی و غیردولتی:** تقویت همکاری میان نهادهای دولتی و غیردولتی برای اجرای قوانین حمایتی و بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی ضروری است. این همکاری‌ها می‌تواند شامل برنامه‌های مشترک برای کنترل جمعیت حیوانات ولگرد، ایجاد پناهگاه‌های بیشتر برای حیوانات بی‌سرپرست، و اجرای برنامه‌های عقیم‌سازی باشد. همچنین، می‌توان از تجربه و دانش سازمان‌های بین‌المللی در زمینه حقوق حیوانات بهره‌برداری کرد و آنها را در برنامه‌های ملی گنجانند.

#### د) حمایت از سازمان‌های غیردولتی:

حمایت از سازمان‌های غیردولتی و گروه‌های حامی حیوانات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این سازمان‌ها نقش مهمی در آگاهی‌بخشی، حمایت از حیوانات نیازمند، و اجرای برنامه‌های حمایتی دارند. دولت و بخش خصوصی می‌توانند با ارائه کمک‌های مالی، تسهیلات و زیرساخت‌های لازم، این سازمان‌ها را در اجرای برنامه‌هایشان یاری کنند.

#### ه) تغییر نگرش‌های فرهنگی و

**اجتماعی:** یکی از مهم‌ترین اقدامات برای بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران، تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی است. این تغییرات می‌تواند از طریق آموزش عمومی، اجرای کمپین‌های آگاهی‌بخش، و ترویج فرهنگ احترام به حقوق حیوانات





این مقاله تلاش کرد تا با بررسی وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران و مقایسه آن با تجربیات موفق دیگر کشورها، راهکارهایی برای بهبود این وضعیت ارائه دهد. امیدواریم که این تحلیل‌ها و پیشنهادات بتوانند به عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات عملی در آینده مورد استفاده قرار گیرند و به بهبود شرایط زندگی حیوانات خانگی در کشور کمک کنند.

#### منابع:

1. Singer, Peter. *Animal Liberation*. New York: HarperCollins, 1975.
2. Regan, Tom. *The case for animal rights*. University of California Press, 1983.
3. Erasmus, Marisa. "Animal Welfare and Animal Rights: Ethics, Science and Explanations." Department of Animal Sciences, Purdue University, 2020.
4. [www.dotic.ir](http://www.dotic.ir)
5. [www.legislation.gov.uk/ukxi/2007/2078/contents](http://www.legislation.gov.uk/ukxi/2007/2078/contents)
6. Universal declaration of animal rights, UNESCO, 1978.
7. *European Convention for the Protection of Pet Animals*. Council of Europe, Strasbourg, 1987.
8. Official Journal of the European Communities, Council Directive 1999/74/EC
9. *Animal Welfare Act*, United States, 1966.
10. World Animal Protection. "Global Animal Protection Index." 2020.
11. PETA (People for the Ethical Treatment of Animals). "Animal Rights Milestones." 2020.
12. Farm Animal Welfare Council. "Five Freedoms." FAWC, 1993.
۱۳. قانون شکار و صید، مصوب ۱۳۴۶.

انجام شود. باید تلاش شود تا نگرش‌های منفی و تبعیض‌آمیز نسبت به برخی حیوانات خانگی مانند سگ‌ها تغییر کند و مردم به حقوق و نیازهای این حیوانات احترام بگذارند.

#### نتیجه‌گیری

حقوق حیوانات خانگی یکی از موضوعات مهم و حساس در جوامع مدرن است که نه تنها از بعد قانونی بلکه از منظر اخلاقی و اجتماعی نیز باید مورد توجه قرار گیرد. در ایران، با وجود چالش‌های متعدد، افزایش آگاهی عمومی و تلاش‌های سازمان‌های غیردولتی نشان‌دهنده توجه روزافزون به حقوق حیوانات خانگی است. با این حال، برای بهبود وضعیت فعلی، نیاز به اقدامات جامع و هماهنگ در سطوح مختلف وجود دارد.

تدوین و تصویب قوانین جامع، آموزش عمومی و آگاهی‌بخشی، تقویت همکاری میان نهادهای دولتی و غیردولتی، حمایت از سازمان‌های غیردولتی، و تغییر نگرش‌های فرهنگی و اجتماعی، از جمله اقدامات کلیدی هستند که می‌توانند به بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی در ایران کمک کنند. تنها با همکاری و تعهد همه‌جانبه از سوی دولت، جامعه و نهادهای مدنی، می‌توان به بهبود وضعیت حقوق حیوانات خانگی و ایجاد یک جامعه که در آن حقوق حیوانات به درستی محترم شمرده می‌شود، دست یافت.



## ستاره‌های دیروز | آلن دلون

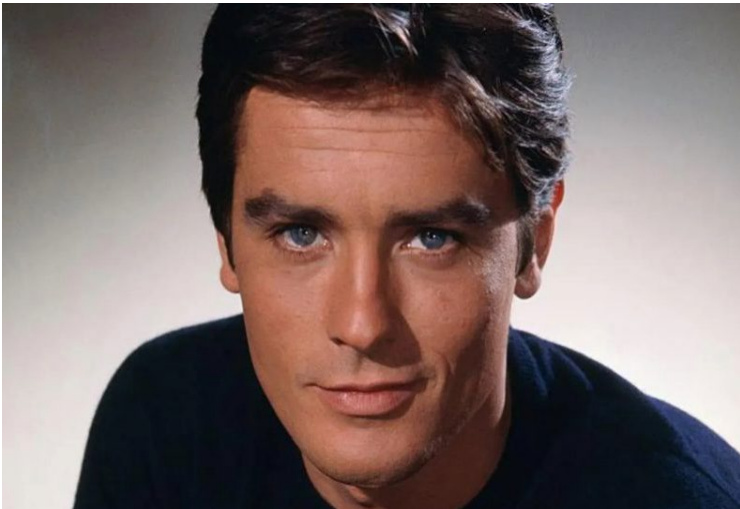
## اسطوره‌ای همیشه جوان



روفیاتبیرگری  
کارشناس‌متن‌تر

با بازی‌های درخشان خود الهام‌بخش بسیاری از بازیگران بود. او نه تنها یک بازیگر بلکه نماد زیبایی، جذابیت و رمز آلودگی شناخته می‌شود. با ظاهری جذاب و نبوغ سرشار درونی‌اش بزرگ‌ترین کارگردانان را مجذوب خود کرد. آلن دلون بی تردید یکی از چهره‌های مشهور و محبوب فرانسه است که دامنه شهرت و محبوبیت‌اش را از مرزهای کشورش فراتر نهاده و به عنوان یکی از بتهای نسل خود مطرح شد.

سال‌های کودکی و نوجوانی این خوش‌سیماترین بازیگر مرد تاریخ، تلخ‌ترین خاطرات عمر اوست و حتی می‌توان گفت که تأثیر مخرب این دوران در روزهای اوج نیز با او بوده است و سایه روشنای شخصیت دوگانه بر جذابیت او افزوده است.



از نظر تجاری بسیار موفق تلاقی پیدا کرد. آلن دلون در سال ۱۹۵۸ در فیلم «کریستین» بازی کرد. شاید مشهورتر از خود فیلم رابطه عاشقانه او در زندگی حقیقی با بازیگر نقش مقابلش رومی اشنایدر بود. رابطه‌ای که سال‌ها ادامه داشت و خوراک عکس و خبر مجلات زرد بود. فیلم «استخر» (۱۹۶۹) یکی از مشهورترین فیلم‌هایی بود که این زوج نقش مقابل هم را بازی کردند. دلون با فیلم «زیر آفتاب سوزان» (۱۹۶۰) به شهرتی جهانی دست پیدا کرد. در همان سال او در یکی از سنگ‌بناهای سینمای مدرن ایتالیا، «روکو و برادران» (لوکینو ویسکونتی ۱۹۶۰) بازی کرد. ستاره فرانسوی که ارزش فرصتی که اساتید سینمای مدرن ایتالیا در اختیارش قرار داده بودند را به خوبی می‌دانست، در ادامه با فیلم‌هایی مثل «کسوف» (میکل آنجلو آنتونیونی، ۱۹۶۲) و «یوز پلنگ» (لوکینو ویسکونتی ۱۹۶۳) جای پای خودش را در سینمای هنری ایتالیا محکم کرد. این آثار با پخش جهانی گسترده و شرکت در فستیوال‌های فیلم، دلون را به یکی از نشانه‌های سینمای هنری اروپای غربی بدل کردند.

او هم‌چنین در سال ۱۹۴۴ در یکی از بهترین فیلم‌هایش به نام «شورشی»، (آلن کوالیه) بازی کرد. در نقش سرباز فراری ارتش فرانسه در الجزایر که از سازمان ضد جاسوسی فرانسه مأموریت می‌گیرد تا یک وکیل مدافع حقوق الجزایری را برباید و در چرخش در داستان عاشق و کیلی که اسیر کرده است، می‌شود.

آلن دلون با این که یکی از زیباترین مردان تاریخ سینما بود، اما زیر آن زیبایی لایه‌های تاریک تری داشت که به نقش‌هایش عمقی فوق العاده می‌بخشیدند.

## تولد ستاره‌ای که نماد سینما شد

آلن دلون بازی در سینما را در اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز کرد و در دهه ۱۹۶۰ به نوعی سمبل فرهنگی و نشانه مدل بدل شد، مقام و موقعیتی که در مقیاس جهانی تا اواخر دهه ۱۹۷۰ حفظ شد.

آلن فابین موریس دلون در ۸ نوامبر ۱۹۳۵ در بخش سو در ۱۰ کیلومتری پاریس به دنیا آمد. پدر او تباری کرس-ایتالیایی داشت و مادرش از خانواده‌ای با ریشه‌های فرانسوی و آلمانی بود.

او نوجوانی و جوانی ناآرامی داشت و ابتدا در مدرسه کاتولیک و بعد در نیروی دریایی غالباً در حال توبیخ و مواخذه شدن بود. دلون بعدها ادعا کرد نیمی از دو سال از خدمتش در نیروی دریایی که بخشی از آن در جنگ هندوچین گذشت را در بازداشت بوده است. در نهایت از نیروی دریایی اخراج شده است. بعد از بازگشت به فرانسه دلون با مشاغل پیش‌پافتاده امرار معاش می‌کرد تا این که به همراه بازیگر فرانسوی بریژیت او برد به کن رفت تا بختش را در سینما بیازماید. در همان جا بود که به خاطر ظاهرش دیوید سلزینگ تهیه‌کننده فیلم برابردارته قراردادی با او امضا کرد. این قرارداد دلون را ملزم می‌کرد که زبان انگلیسی بیاموزد و به آمریکا برود. اما در همان روزها ملاقات با کارگردان فرانسوی ایو آلگره بود که او را متقاعد کرد که در فرانسه بماند. و به او نقشی کوچک در «وقتی پای زن‌ها وسط می‌آید» (۱۹۵۷) داد. یک سال بعد در فیلم «خوشگل باش اما خفه شو» ساخته برادر ایو مارک آلگره، برای اولین بار با ژان پل بلموندو همبازی شد. کارنامه دلون و بلموندو از پایان دهه ۱۹۵۰ تا دهه ۱۹۹۰ به موازات یکدیگر پیش رفت و در چند فیلم



شد. او ابتدا در «ماجراجویان» درو برانکو بازی کرد و بعد در فیلم کلیدی زندگی‌اش به کارگردانی ژان پیر ملویل و ساموایی».

با ساموایی دلون درس‌هایی که از بازی در فیلم آنتونیونی گرفته بود را با سنتی امریکایی از بازیگران نقش‌های یاغیان آرام (دوستاره محبوبش جان گارفیلد و مونتگمری کلیفت) و نوعی شمایل نگاری ویژه دنیای ملویل تلفیق کرد. همکاری دلون و ملویل در سه فیلم گنگستری / پلیسی نه فقط نقطه اوج کارنامه دلون بلکه شکل دهنده پرسونای سینمایی او تقریباً تا پایان عمرش بود. آمیزه‌ای از سردی و بی تفاوتی با کشش به سوی خطر و حتی مرگ. دلون به بهترین شکل با حداقل حرکات صورت یا در واقع بدون هیچ حرکت صورت و فقط با نگاه و یا استفاده‌ای مینیاتوری از حرکات محدود و کنترل شده دستانش تصویرگر فرشته مرگ در دنیای ملویل شد که اوج آن در «دلیر سرخ» (۱۹۷۰) بود.

بهترین فیلم دلون در دهه ۱۹۷۰ «آقای کلاین» بود که توسط کارگردان امریکایی جوزف لوزی در فرانسه ساخته شد. داستان مرد موفقی که در روزهای اشغال پاریس در جنگ جهانی دوم که هویتش با یک یهودی که قرار است به اردوگاه مرگ فرستاده شود اشتباه گرفته می‌شود.

دلون که شم تجاری خوبی داشت از همان آغاز کار در بعضی از فیلم‌هایی که به فروششان ایمان داشت به جای گرفتن دستمزد درصدی از فروش فیلم را بر می‌داشت. یکی از موفق‌ترین نمونه‌ها فیلم‌هایی است که او در آنها با ستاره پا به سن گذاشته سینمای فرانسه ژان گابن همبازی شد. موفق‌ترین فیلم بین سه اثری که در آنها با هم ظاهر شدند «دسته سیسیلی‌ها» (۱۹۹۴) بود. به گفته گابن که در این فیلم‌ها به سنت قدیم به گرفتن دستمزد اکتفا کرده بود، دلون تقریباً ۱۰ برابر او پول در آورد. دلون کمی بعد شرکت فیلمسازی خودش را تأسیس کرد و تهیه‌کننده فیلم‌های خودش شد.

اگر تبعید اجباری به امریکا در دوره جنگ جهانی به تداوم حرفه ژان گابن ضربه زد، دلون در مقیمی غلط در نیمه دهه ۱۹۶۰ آن اشتباهی که هفت سال پیش نکرده بود را مرتکب شد و به هالیوود رفت. فیلم‌های امریکایی‌اش یا بد بودند یا اگر ارزش‌هایی داشتند در گیشه شکست خوردند.

### بازگشتی به یاد ماندنی

بازگشت آلن دلون از امریکا در سال ۱۹۶۷ با حضور در دو فیلم، بازگشتی به یاد ماندنی



کارگردان‌ها وحتى تماشاگران همیشه دوست دارند مرا تنها ببینند.»

در سال ۲۰۱۹ جشنواره فیلم کن از او تجلیل کرد و به این بازیگر اسطوره‌ای نخل طلای افتخاری داده شد. دلون در حالی که اشک می‌ریخت گفت: «امشب برای من بیش از آن که پایان فعالیت حرفه‌ای باشد، به نظرم پایان زندگی است.»

وی همچنین یادآور شد این زنان بودند که مرا دوست داشتند و باعث شدند وارد این حرفه شوم و برای من جنگیدند. او هفت بار نامزد دریافت نخل طلای کن شد، اما هرگز آن را دریافت نکرد.

### آلن دلون در تهران

در دنیای دوبله، دلون در ایران با صدای خسرو خسرو شاهی شناخته شده است. البته در سال‌های دور کاووس دوستدار، منوچهر زمانی و محمود قنبری نیز به جای او صحبت کرده‌اند.

میرعلی حسینی که خود یک بار به جای این ستاره فرانسوی صدا پیشگی کرده است می‌گوید: «کسی که بیشتر از همه به آلن دلون هویت ایرانی داد خسرو خسروشاهی بود. خسرو شاهی برای آلن دلون صدایی ساخت که روی چهره‌اش نشست. صدایی که با سرگذشت دوران سخت کودکی و جوانی این ستاره سینما که در چهره‌اش هویدا بود، همخوانی داشت.»

آلن دلون ۵۵ سال پیش برای شرکت در هفته فیلم‌های فرانسوی و نمایش فیلم «استخر» که بازیگر نقش اول آن بود به تهران سفر کرد.

روزنامه اطلاعات روز سوم بهمن ۱۳۴۸ در گزارشی نوشت: «آلن دلون هنرپیشه معروف فرانسوی شب گذشته در میان

با این که سال‌های اوج گرفتن دلون با تولد جنبشی که به نام موج نوی فیلم‌های سینمای فرانسه شناخته می‌شود همزمان بود، دلون هرگز در فیلمی از موج نو بازی نکرد. شاید برای همین بود که تنها حضورش در فیلمی از ژان لوگ گدار یکی از فیلمسازان کلیدی موج نو، تقریباً سه دهه بعد از تولد و فروکش کردن آن موج، به شکلی خالص و سراسر است و «موج نو» به شکل نام گرفت. (۱۹۹۰)

### ستاره‌ای که به سوی تنهایی اش

#### شتافت

آلن دلون با این که یکی از زیباترین مردان تاریخ سینما بود، اما زیر آن زیبایی لایه‌های تاریک تری داشت که به نقش‌های عمیق فوق‌العاده می‌بخشیدند.

دلون درباره رابطه مادر و پدرش گفته است: «می‌خواستند همدیگر را دوست داشته باشند تا ما سه نفر کنار هم راه برویم اما من یاد نمی‌آید که آنها را دست در دست هم دیده باشم. من هرگز حتی یک نشانه از محبت بین آنها ندیدم.»

در مراسم وداع ژان پل بلمونو، دلون قبل از خداحافظی با دوستش گفته بود: «من کاملاً ویران شده‌ام... مواظب باش، بد نبود اگر هر دو با هم می‌رفتیم... او تابوت را در حالی که گریه می‌کرد در آغوش گرفت و جهان با او گریست. او گفت: ژان (کابن) لینو (ونتورا)، رومی (اشنایدر) ... همه مرده‌اند.

آلن در سال ۱۹۹۸ در فیلم «تیمه شانس» در کنار ژان پل بلمونو بازی کرد و سپس اعلام بازنشستگی کرد و گفت: «من در بیشتر فیلم‌هایی که بازی کرده‌ام یا دزد بودم یا پلیس، اما جالب این است که فرقی نمی‌کرده که چه کاره بوده‌ام، در همه فیلم‌ها تنها بوده‌ام. نمی‌دانم، اما فکر می‌کنم



«فکر می‌کنم کارگردان‌ها وحتى تماشاگران همیشه دوست دارند مرا تنها ببینند.»



می‌شود. همان گونه که ماجراهای فیلم پیش می‌رود رومی و دلون هم دلباخته هم می‌شوند. دو هنرپیشه جوان یک سال بعد نامزدی خود را اعلام کردند. رابطه عاشقانه آنها سال‌ها ادامه داشت اما پس از ۵ سال به جدایی ختم شد.

رومی ازدواج می‌کند و صاحب پسری می‌شود که در حین بالا رفتن از حصاری میخ دار سقوط می‌کند و دچار مرگی زود هنگام می‌شود. عشق نافرجام او با آلن و مرگ فرزندش او را از پای در می‌آورد. این ستاره بزرگ آلمانی زمانی گفته بود: «من ویران شده‌ام، خیلی خسته هستم، حس می‌کنم پیر شده‌ام، در تمام آرزوها و تلاش‌هایم شکست خورده‌ام. هیچ کس، هیچ کس به اندازه من نمی‌خواست و برای خواسته‌اش تلاش نکرد. قلب رومی اشنايدر در ۲۹ مه ۱۹۸۲ در پاریس از تپیدن باز ایستاد. او هنگام مرگ در اوج شهرت و محبوبیت بود و تنها ۴۳ سال داشت. دلون

استقبال صدها تن از دختران و پسران جوان وارد ایران شد و پس از پیاده شدن از هواپیمای ملی ایران رفت و شروع به دست دادن و احوال‌پرسی کرد.»

به نوشته این روزنامه، در فرودگاه مهرآباد پوری بنایی و بهروز وثوقی دو ستاره سینمای ایران هم از او استقبال کردند. رسانه‌ها در آن زمان نوشتند بسیاری از دخترها و پسرهایی که اوج جذابیت و زیبایی مردانه را در آلن دلون می‌بینند فرصتی داشتند تا از چند قدمی او را ببینند.

### عشق نافرجام آلن دلون و رومی اشنايدر

آلن دلون ستاره نوپای فرانسوی در سال ۱۹۵۸ در کنار رومی اشنايدر بازیگر مشهور و محبوب آلمانی در فیلم «کریستین» ظاهر می‌شود. یک درام باشکوه که داستانش در وین سده نوزدهم روی می‌دهد. مرد جوان پرشوری که میان عشق و وظیفه گرفتار



ستاره سینمای فرانسه در سال ۲۰۱۷ و پیش از درگیر شدن با بیماری گفته بود برای استقبال از مرگ آماده است. آخرین حضور آلن دلون در انتظار عمومی در سال ۲۰۱۹ و به هنگام دریافت نخل افتخاری جشنواره کن بود. او بعد از چند سال تحمل رنج بیماری و گوشه نشینی سرانجام در ۱۸ اوت ۲۰۲۴ در ۸۸ سالگی درگذشت و به سوی تنهایی خود شتافت.

**من در بیشتر فیلمهایی که بازی کرده‌ام یا دزد بودم یا پلیس، اما جالب این است که فرقی نمی‌کرده که چه کاره بوده‌ام، در همه فیلمها تنها بوده‌ام.**

در سال ۱۹۶۴ با ناتالی کانوواس (بازیگر) ازدواج کرد و از او صاحب یک پسر به نام آنتونی شد. در سال ۱۹۶۹ این دو از هم جدا شدند. آلن دلون در سال ۱۹۸۷ در ۵۲ سالگی با یک مانکن هلندی به نام رزالی ازدواج کرد و از او صاحب دختری به نام آنوشکا و پسری به نام آلن فارینالی شد. در سال ۲۰۰۰ این دو از هم جدا شدند. اما آلن دلون هیچ گاه رومی عشق زندگی‌اش را فراموش نکرد. اندکی بعد از مرگ رومی ترتیبی داد تا پسرش دیوید هم در گور او به خاک سپرده شود. بعد از ۴۰ سال از مرگ رومی در هنگام وداع با بهترین دوستش ژان پل بلوندو با گریه نام تنها زنی که بر زبانش جاری شد رومی اشنايدر بود.



## ستاره‌های امروز | پنه‌لوپه کروز

### بازیگری توانا و فعال حقوق زنان

نخستین بازیگر اسپانیایی در تاریخ سینما است که موفق به کسب جایزه اسکار شد و از پنج آکادمی فیلم اروپا جوایزی دریافت کرد. به زبان‌های اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسوی و انگلیسی تسلط دارد و بخشی از درآمد حاصل از فعالیت‌های حرفه‌ای خود را صرف امور خیریه می‌کند.

پنه‌لوپه کروز در ۲۸ آوریل ۱۹۷۴ در حومه مادرید به دنیا آمد. در ۱۵ سالگی در یک نمایش جلوی دوربین ظاهر شد و مدتی هم کار اجرای تلویزیونی را تجربه کرد. «خامون خامون» (۱۹۹۲) اولین حضور سینمایی او در کنار خاویر بارم بازیگر سرشناس اسپانیایی بود. پنه‌لوپه ۱۸ ساله برای بازی در این فیلم نامزدی جایزه بازیگر تازه کار اتحادیه بازیگران اسپانیا و نامزدی جایزه گویا (اسکار اسپانیایی) را به دست آورد. دومین فیلم او هم با عنوان «روزگار خوش» در همان سال به روی پرده رفت و پنه‌لوپه جایزه نقش مکمل را از اتحادیه بازیگران اسپانیا دریافت کرد. بعد از بازی در چند فیلم اسپانیایی و ایتالیایی متوسط، پنه‌لوپه موفق شد در فیلم کمدی «همه چیز دروغ است» (۱۹۹۴) جایزه بهترین بازیگر فیلم کمدی اسپانیایی را به دست آورد. «دختر رویاهای شما» (۱۹۹۸) جایزه گویای بهترین بازیگر نقش اول زنی و جایزه اتحادیه بازیگران اسپانیا را برایش به همراه آورد. در سال ۱۹۹۹ همکاری با کارگردان مطرح اسپانیایی «پدرو آلمودورا» در اثر تحسین شده «همه چیز در باره مادرم» به عنوان بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان موفق به دریافت جایزه اسکار، گلدن گلوب و بفتا شد و نام پنه‌لوپه در میان سینما دوستان و سینمای آمریکا به عنوان بازیگری توانا مطرح شد.





بازی در کنار جانی دپ در دو فیلم «کوکابین» و «دزدان دریایی کاراییب»، همکاری با تام کروز در «آسمان وانیلی» و هم بازی شدن با نیکلاس کیج در «ماندولین کاپیتان کارولی» بر شهوت و محبوبیت او افزود.

سال ۲۰۰۶ و همکاری دوباره در یکی از بهترین آثار «پدروآلمودوار» با عنوان «بازگشت» اولین نامزدی جوایز اسکار، گلدن گلوب و بفتای بهترین بازیگر نقش

- نخستین بازیگر اسپانیایی در تاریخ سینما است که موفق به کسب جایزه اسکار شد و از پنج آکادمی فیلم اروپا جوایزی دریافت کرد.
- به زبان‌های اسپانیایی، ایتالیایی، فرانسوی و انگلیسی تسلط دارد و بخشی از درآمد حاصل از فعالیت‌های حرفه‌ای خود را صرف امور خیریه می‌کند.
- پنه لوپه با الهام از مادر ترزا بنیادی برای حمایت از دختران بی‌خانمان در هند ایجاد کرد.
- او از حضور در فعالیت‌های بشردوستانه ابایی ندارد.



### مدافع حقوق زنان و دختران بی‌خانمان

پنه لویه با الهام از مادر ترزا بنیادی برای حمایت از دختران بی‌خانمان در هند ایجاد کرد و خود نیز حمایت دو زن جوان را بر عهده گرفت. او درآمد حاصل از اولین فیلم امریکایی خود را به مادر ترزا اهدا کرد. در سال ۲۰۰۰ به نپال رفت تا با عکاسی از کودکان تبت برای نمایشگاهی که به همت دالایی لاما برگزار می‌شد حضوری موثر داشته باشد. او همچنین از ساکنان خانه‌های اقیانوس آرام، پسرانی که اکثر آنها از اعضای سابق باند‌های مواد مخدر بودند

عکس گرفت. وی در این باره می‌گوید: «دیدن این کودکان قلب مرا شکست. باید خودم را کنترل کنم تا گریه نکنم. نه از روی ترس و نگرانی بلکه با دیدن این که زندگی تا چه حد پیچیده می‌شود و انتخاب‌های دولت تا چه حد سخت است.»

کروز هنگامی که نخستین فرزند خود را باردار بود در حمایت از مبارزه با ایدز، در اول دسامبر ۲۰۱۰ ساختمان امپریال استیت در شهر نیویورک را با چراغ‌های قرمز روشن کرد، به عنوان جزیی از

اول زن را برای پنه لویه کروز به ارمغان آورد. با ایفای نقش در «ویکی کریستینا بارسلونا» (۱۲۰۸) یکی از بهترین فیلم‌های هودی آلن اولین جایزه اسکار و بفتای بهترین بازیگر نقش مکمل زن را دریافت کرد.

### همکاری با کارگردان مطرح ایرانی

سال ۲۰۱۸ حضور پنه لویه و همسر بازیگرش خاویر باروم در تازه‌ترین اثر اصغر فرهادی نام این بازیگر توانمند را در میان تماشاگران ایرانی بیش از پیش مطرح ساخت. «همه می‌دانند» ملودرام جنایی و رازآلود اصغر فرهادی، دومین اثر بین‌المللی او و دومین فیلم اسپانیایی تاریخ افتتاحیه جشنواره کن به حساب می‌آید. اثری که توانست نامزدی نخل طلای این جشنواره را به دست آورد. فیلمساز ماجرای حقیقی گروگان‌گیری دخترکی اسپانیایی را دستمایه کار خود قرار می‌دهد. پنه لویه ایفاگر نقش زنی است که با دو فرزندش به زادگاه خود برمی‌گردد تا در مراسم ازدواجی شرکت کند؛ مراسمی که مصادف با مفقود شدن دخترش و ماجرای‌های پس از آن می‌شود. حضور باورپذیر کروز در کنار درخشش همسرش خاویر باردم از مهم‌ترین مولفه‌های موفقیت فیلم به شمار می‌آید. برنده بهترین بازیگر جایزه اسپانیایی قاب نقره‌ای، نامزد بهترین بازیگر زن جوایز گویا، اتحادیه بازیگران اسپانیا و انجمن نویسندگان سینمای اسپانیا، دستاورد همکاری اصغر فرهادی و پنه لویه کروز است.



سخنانی بنیانین نتایهو را به شدت محکوم کرد و از امریکا و انگلیس خواست تا در حمایت از دولت تندرو اسرائیل تجدید نظر کند. او گفت: « مردم فلسطین در رنج و عذابند؛ آنچه در غزه اتفاق می‌افتد کاملاً غیر قابل قبول، وحشتناک و غیر انسانی است. ممنوعیت ورود آب، غذا، دارو و برق همان طور که یونیسف می‌گوید، جنگی علیه کودکان است و این آسیب برای نسل‌ها ادامه خواهد داشت.»

کمپین آگاهی بخشی بخش ایدز که هدف آن ریشه کن کردن انتقال ایدز از مادران باردار به نوزادان است.

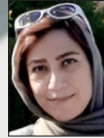
### مردم فلسطین در رنج و عذابند

پنه لویه کروز همراه با همسرش خاویر باردیم بیانیه‌ای صادر کردند و از جنگ غزه و دولت اسرائیل انتقاد کردند.

خاویر باردیم بازیگر پر آوازه اسپانیایی جایزه یک عمر دستاورد هنری سال گذشته در جشنواره سن سباستین را امسال از دستان همسرش پنه لویه کروز دریافت کرد. او در



# یک لقمه پنیر هوای پاک



گالیا توانگر  
نویسنده

صبح مه‌آلودِ دردمندی است. نفسم به شماره افتاده است و چشمم تار می‌بیند. دویست سال اول عمرم هیچ کدام از این گرفتاری‌ها نبود. هر چه بوده و هست برای این چند دهه اخیر است.

یک لحظه به فکرم می‌رسد، روی بار میوه یک وانت بنشینم تا محله‌های بالا برای خودم بخوانم و میوه بخورم.

اما با خودم می‌گویم: «آن وقت کسی کُت پر مشک‌ام را نمی‌بیند و خاطرخواهم نمی‌شود. باید آهسته و خرامان و گاه تند و پرشتاب بروم تا زندگی‌ام موج شود و روی شانه‌های بادهای وحشی قدر و قیمت استواری‌ام برای زندگی کردن و زنده ماندن دیده شود.»

چشم‌هایم هم در مه بالای خیابان می‌سوزد. صدایم هم می‌گیرد. نفس‌هایم هم برای پیشروی بیشتر نمی‌کشند. یک جایی قدری می‌نشینم و آرام می‌گیرم.

یک مونس، با پالتو و دامن پر مشکى براق کنارم می‌نشیند.

از من بی‌مقدمه می‌پرسد: «چرا اینجا نشسته‌ای؟»

- خوب خودت چرا کنار من نشستی؟

- آخر از آن بالا نور خورشید می‌خورد لای پرهایت و بعد از نم‌نم باران چند دقیقه پیش این منطقه، رنگین‌کمانی شده بودند.

باید سر و وضعم را در این سرمای بی‌پیر درست کنم و بروم سمت شمال شهر. شاید وصلتی هم این مابین رخ دهد و بالانشین شهر و خوش‌نشین شوم.

از محله‌های خسته و درهم جنوبی راهم را آغاز می‌کنم.

درست است که جنوب شهری‌ام، اما این مانع نمی‌شود که فکر تعویض طبقه‌ام بعد از دو قرن و نیم نیفتم. وقتی عمرت دراز می‌شود، فرصت این را داری که با برتری هوشی‌ات خیلی چیزها را جابه‌جا کنی. هرچند بزرگ و سردسته‌ی ما اسمش را می‌گذارد: «تجربه عمر دراز!»

اما من از نژاد هوشمندی هستم. هر چهره را در مغزم اسکن می‌کنم و هرگز از خاطر نمی‌رود. یا مثلاً فکر می‌کنم و فکر می‌کنم و یک لقمه را از دهان گربه‌ها که دزدند، در می‌آورم.

سردسته‌ی ما همه چیز را به دید اغماض می‌نگرد، بس که محافظه‌کار است. شاید همین محافظه‌کاری‌اش باعث شده که سه قرن و نیم بی‌هیچ چالش جدی، در پارک محله «خاک سفید» دوام بیاورد و گه‌گاهی پای بساط ولگردی، دود تریاک بگیرد و به یکنواختی زندگی‌اش دلخوش باشد.

اما من دارم می‌روم تا تکه‌ی لقمه خودم را از دهان سرنوشت بقایم.

مونس با لحنی مشکوکانه می‌پرسد: «می‌خواهی فرار کنی؟ نمی‌خواهی برای گرفتن لقمه پنیرِ هوای پاکات روبروی بالا شهری‌ها بایستی و سهمت را بگیری؟»

با تردید می‌گویمش: «اما بالای شهر برای بالا شهری‌هاست. من دو ۲۵۰ سال پیش همان پایین‌ها به دنیا آمدم. اگر قرار باشد لقمه‌ام را بگیرم، باید همگی‌مان برویم در خانه صاحبِ آسمانِ کلان‌شهر!»

مونس بی‌مقدمه پاسخ می‌دهد: «تو عرضه جنگیدن برای حقت را نداری و همه چیز را می‌خواهی کردن خدای آسمان و سرنوشتت بیندازی! من با یک بزدل هیچ‌وقت ازدواج نمی‌کنم.»

این بار با تشریح می‌گویمش: «انتظار داری چه کنم؟ یک‌تنه روبروی بالا شهری‌ها بایستم و بگویم می‌خواهم وارد قلمرو شما شوم و از دارودسته شما زن بگیرم؟ نه جانم، دلم نمی‌خواهد سر هیچ‌و پوچ یا کور شوم و یا مرا بکشند.»

مونس با دلخوری حرف آخرش را می‌زند: «باید بروی و با دارودسته و بزرگ‌ترت به خواستگاری‌ام بیایی و تکه پنیرِ هوای پاکات را بیایی و به من بدهی.»

مات و مبهوت نگاهش می‌کنم. چشمان مشکلی نافذش شوخی ندارند و اگر مونس بالا شهری را می‌خواهد، باید بروم و با تیر و طایفه‌ام در قلمروشان را بزمنم و خواستگاری‌اش کنم.

راه‌رفته را به سمت محلات پایین‌شهر بازمی‌گردم و دنبال سردسته پایین‌شهری‌ها هر سوراخ‌وسنبه‌ای را می‌جویم تا پیدایش کنم. اسمش «راهور» است، باین‌حال در

من می‌روم بالای شهر.

بالای شهر جای بالای شهری‌هاست. چرا تو یک‌کاره بلند شده‌ای و آمده‌ای؟

بینم چشم‌های تو نمی‌سوزد؟ نفس‌هایت به شماره نمی‌افتد؟ قفسه‌ی سینه‌ات تیر نمی‌کشد، وقتی در مه صبح بالای خیابان تنت را به هر طرف می‌کشی و گریزی نمی‌یابی؟

بله دقیقاً درست است. اما تو از کجا می‌دانی؟

از این جا که دیگر بالای شهر و پایین شهر ندارد. همه‌جا مار دودی چنبره زده و لقمه‌ما را و خانه و کاشانه ما را دزدیده است. راستی اوضاع محله تو (بالای شهر) چطور است؟ شنیده‌ام گاه می‌توان تکه‌ای آبی از آسمان را دید و یافت.

ناگهان یک دسته از بالا شهری‌ها از دوردست آسمان شهر، سروکله‌شان پیدا می‌شود. دختر پالتو و دامن پَرِ مشکی، بی آن که سؤال آخرم را جواب دهد، با چشم‌های براق و نگاه باهوشش می‌گوید: «اگر دارودسته بالای شهری‌ها پیدایت کنند، چشمانت را کور می‌کنند. تو باید برای من یک لقمه پنیرِ هوای پاک پیدا کنی تا با تو ازدواج کنم!»

من از یک‌طرف به مار دودی چنبره زده بر آسمان خفگی شهر چشم می‌دوزم و از یک‌طرف به دارودسته بالای شهری‌ها که هروقت یک مهاجر جنوب شهری ببینند، می‌ریزند سرش و کورش می‌کنند.

به مونس می‌گویم: «پس بیا برویم مزارع اطراف شهر. شاید آن جا لقمه‌ای پنیرِ هوای پاک باشد.»



می‌دانی این خواسته تو نقض آتش‌بس بین ما و آن‌هاست. پدرت در آخرین نبرد بین ما و آن‌ها کور شد و چون با نوک به سرش زده بودند، چند روز بعد تلف گشت. واقعا دنبال چه هستی؟»

نمی‌دانم چطور آرامش کنم. یک‌باره همه ناکامی‌هایی که در دارودسته پایین‌شهری‌ها طی دو قرن و نیم گذشته متحمل شده‌ام، جلوی چشمم می‌آید.

با داد و غار بلندتری به «راهور» می‌گویم: «فقط به‌خاطر مونس نیست، من دنبال لقمه‌ای پنیرِ هوای پاک هستم، هیچ‌وقت نتوانسته‌ام مزه‌زه‌اش کنم. چرا باید قسمت نیلگون آسمان کلان‌شهر فقط برای آن‌ها و در انحصار قلمرو آن‌ها باشد؟ آسمان خدا برای همه است.»

«راهور» هاج‌وواج و ساکت مرا می‌نگرد و می‌گوید: «تو باغی شده‌ای. از من دور شو.»

اوج می‌گیرم. بغضی در میان غارغار مخفی ست. دیگر نمی‌خواهم بغض خواسته‌هایم را میان غارغار اندوهناکم مخفی کنم. می‌خواهم آن چه را که می‌خواهم و آنچه را که حق خود می‌پندارم، فریاد بزنم.

روی بلندترین شاخه بلوط پارک محله می‌نشینم. شب شده است و ستاره‌ها در هوای دودی آسمان، کورسویِ تک‌وتوک و کم‌رنگی دارند. فریاد می‌زنم: «ای طایفه جنوب شهری‌ام! چه زمانی می‌خواهید از خواب غفلت بیدار شوید؟ آسمان روزتان بی‌خورشید مانده و آسمان شبتان بی‌ستاره است. فرض که چهارصد سال هم عمر کنید، پس چه زمانی می‌خواهید یک لقمه پنیرِ هوای پاک خودتان را مزه‌مزه کنید؟ چه

این مدت عمرم - دو قرن و نیم - نه راهی دیده‌ام و نه راهوری. فقط نامی شنیده‌ام و سایه سنگین محافظه‌کاری را هر آینه بالای سرخود احساس کرده‌ام.

همان‌طور که از بالای پارک محله جنوب شهر می‌گذرم، برق سیگاری نظرم را جلب می‌کند. دم غروب، نور خورشید، بی‌رمق شده و هر نور دیگری که در چشمانم منعکس شود، مرا به خود می‌خواند. پایین و پایین‌تر می‌روم. آن‌قدر که «راهور» را عاقبت پیدا می‌کنم، مثل همیشه کنار بساط منقل چند دوره‌گرد چمباتمه زده و چرت می‌زند.

- سلام راهورِ دانا!

می‌خواهم همین اول کاری با چرب‌زبانی مثل موم نرمش کنم.

از صدای من به یکباره جا می‌خورد و با صدای جیغ گونه‌ای می‌پرد. بی‌هیچ سلامی با تعجب می‌پرسد: «این جا چه می‌کنی؟ چه می‌خواهی؟»

- راهور جان، تو خوب می‌دانی که من خیلی‌وقت پیش والدینم را از دست‌داده‌ام. می‌خواهم از تنهایی در بیایم، آمده‌ام پیش شما که برایم پدري کنید و به خواستگاری «مونس» برویم.

- «مونس»؟! دختر کیست؟ نمی‌شناسمش.

- بالاشهری است.

تا می‌گویمش: «بالاشهری است!» از زمین پاهایش کنده می‌شود و با داد و غار می‌گوید: «تو دیوانه شده‌ای؟ می‌خواهی پدرمان را بیاورند جلو چشمان؟! این همه مونس در تیر و طایفه خودت هست، یک‌کاره برای من عاشق بالاشهری‌ها شده‌ای؟ اصلا



بر بلندای آسمان خراش، کنار «مونس»  
می‌نشینم. می‌پرسم: «چه می‌بینی؟»  
با شوق می‌گوید: «آسمان آبی و خورشید  
ظهرگاهی.»

خون سرخ از دو کاسه چشمانم باران گرفته  
است.

زمانی می‌خواهید نیلی آسمان را ببینید؟»  
تا انتهای شب به انتظار بر شاخه بلوط  
می‌نشینم و واگویه خویش را با صدای بلند  
تکرار می‌کنم.  
چندتنی از طایفه خویش و حتی چندگونه  
پرنده دیگر گرداگردم می‌نشینند.

پرنده‌ها همگی می‌گویند: «ما هم یک  
لقمه پنیر هوای پاک خودمان و آبی آسمان  
خودمان را می‌خواهیم.»

در همین حین «راهور» از راه می‌رسد و  
فریاد بر می‌آورد: «او یاغی‌ست. می‌خواهد  
به‌خاطر یک «مونس» مفاد آتش‌بس بین ما  
و بالاشهری‌ها را زیر پا بگذارد. اگر همگی  
به آن سوی مرزمان کوچ کنید، یا کور  
می‌شوید و یا کشته.»

پرنده‌ها همه با هم فریاد می‌زنند: «یا مرگ  
یا آسمان آبی!»

صبح که می‌رسد، دارودسته پایین‌شهری‌ها،  
روبروی بالاشهری‌ها صف کشیده‌اند.  
«مونس» بر بلندای یک آسمان خراش  
نشسته و به این صف‌آرایی خیره‌خیره نگاه  
می‌کند. باورش نمی‌شود که یک مبارزه  
واقعی شکل‌گرفته باشد. پدر و مادر او هم  
یکی از پایین‌شهری‌ها و دیگری از بالا  
شهری‌ها بوده‌اند. همیشه پشت مرزها،  
مرزشکنی‌های زیرپوستی بوده که راه را  
بی‌هیچ راهوری خودبه‌خود و اندک‌اندک  
می‌گشاید.

تا نزدیک ظهر غارغار مبارزه به گوش  
می‌رسد و خون سرخ از پَرهای مشکی  
براقشان جاری‌ست.

نفسم گرفته، می‌روم و کورمال‌کورمال





## نیکول کیدمن بهترین بازیگر جشنواره فیلم ونیز

هشتادو یکمین دوره جشنواره ونیز با نمایش فیلم‌هایی با مضامین اجتماعی و سیاسی چالش برانگیز و تجلیل از بزرگان سینما، باردیگر جایگاه خود را به عنوان یکی از مهم‌ترین رویدادهای سینمایی جهان تثبیت کرد.

نیکول کیدمن بازیگر برجسته استرالیایی با بازی درخشان خود در فیلم بیبی گرل موفق به کسب جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره فیلم ونیز شد. او در این فیلم نقش یک مدیر عامل پرشور و در عین حال ناراضی را ایفا می‌کند که درگیر رابطه ای عاشقانه اما چالش برانگیز با یک کارآموز جوان می‌شود.

متأسفانه کیدمن به دلیل فوت ناگهانی مادرش نتوانست در مراسم افتتاحیه فیلم و نیز حضور یابد و جایزه خود را شخصا دریافت کند. با این حال پیام احساسی او که توسط کارگردان فیلم هالینا راین، قرائت شد، تاثیر عمیقی بر حضار گذاشت. کیدمن در این پیام از نقش بی بدیل مادرش در زندگی و حرفه اش سخن گفت و جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره ونیز را به او تقدیم کرد. «من در شوک هستم و باید پیش خانواده ام بروم. اما این جایزه برای اوست. او به من شکل داد، مرا راهنمایی کرد و من را ساخت. برخورد زندگی و هنر دلخراش است و قلب من شکسته است.»

## کاترین دونو رئیس هیئت داوران جوایز سزار

کاترین دونو رئیس هیئت داوران پنجاهمین دوره جوایز سزار شد. مراسم اعطا جایزه در روز ۱۰ اسفند ۲۸ فوریه در کنسرت هال المپیا پاریس برگزار خواهد شد.



ستاره سینمای فرانسه در طی هفت دهه فعالیت حرفه ای خود با فیلم سازان مطرحی مانند لوئی لئونول، فرانسوا تروفو، ژاک دمی و لارس فون ترنر همکاری کرده است.

خانم دونو خود تاکنون ۱۴ بار نامزد جایزه سزار شده و ۲ بار هم این جایزه را برای «آخرین مترو» ساخته فرانسوا تروفو و «هندوچین» ساخته رژی وارانیه دریافت کرده است.





## سعید راد

## ستاره چشم آبی سینمای ایران درگذشت

کرد و این انقطاع از ستم‌هایی است که به یک بازیگر می‌شود. »

جواد طوسی منتقد فیلم نیز گفته است: « به نظرم بهروز وثوقی در ذهنش استیو مک کوئین را برای بازی داشت و سعید راد هم پل نیومن را، اما انقطاع چند ساله باعث شد آرزوی او در این مسیر محقق شود و نقاط اوج دوران بازیگری اش نیز تکرار نشود. »

سعید راد بازیگر پیشکسوت سینمای ایران بر اثر بیماری در اول مرداد در ۷۹ سالگی درگذشت. سعید راد به واسطه دوستی با امیر نادری عکاس فیلم « فاتحین صحرا» در سال ۱۳۵۰ توانست با بازی در این فیلم اولین تجربه بازیگری اش را بدون هیچ پیش زمینه‌ای به دست آورد. چشمان آبی و اندام مناسب در کنار بازی‌های درخشان باعث ماندگاری او در خاطره‌ها شد. او پیش از انقلاب ۵۷ در ده‌ها فیلم بازی کرد. برای بازی در « صبح روز چهارم» ( ۱۳۵۱) و « تنگنا» (۱۳۵۳) دو جایزه از جشنواره سینمایی سپاس کسب کرد.

اوج شهرت سعید راد در سینمای پس از انقلاب بازی در فیلم « عقاب‌ها» به کارگردانی ساموئل خاچیکیان در سال ۱۳۶۳ است. اما بنا بر دلایلی نامعلوم سعید راد بعد از فیلم عقاب‌ها ممنوع‌التصویر شد و بعد از تلاش‌های زیاد برای رفع این ممنوعیت که موفقیت آمیز نبود مجبور شد ایران را ترک کند. اما بعد از سال‌ها دوری از ایران در سال ۱۳۷۸ به وطن بازگشت و در فیلم دول به کارگردانی احمد رضا درویش حضور پیدا کرد.

هوشنگ گلمکانی منتقد سینما در مراسم یادبود سعید راد گفت: «سعید راد با آن استیلی که داشت در سینمای پس از انقلاب جایی نداشت و او یکی از قربانیان تصمیم‌هایی بود که بین فعالیتش در دو دوران انقطاع ایجاد شد، پس به ناچار مهاجرت



## مگی اسمیت بازیگر سریال دانتون ابی درگذشت

کالیفرنیا» جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را دریافت کرد.

اسمیت از سال ۲۰۰۱ با ایفای نقش کارکنان هاگوارتز در مجموعه فیلم‌های هری پاتر با محبوبیت زیادی بین طرفداران هری پاتر پیدا کرد و برای ایفای این نقش سه بار برنده جایزه امی و یک بار گلدن گلوب شد.

اسمیت در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ در ۸۹ سالگی در لندن درگذشت. پادشاه چارلز سوم در بیانیه ای نوشت: «در حالی که پرده از یک گنج ملی برداشته می‌شود، ما به همه کسانی در سراسر جهان می‌پویندیم تا با هم صمیمیت از او یاد کنند. بسیاری از اجراهای عالی او مورد تحسین و محبت قرار داشت. گرما و شوخ طبعی اش در صحنه و خارج از صحنه می‌درخشید.»

اسمیت توسط سیاستمدارانی از جمله ریشی سوناک و نخست وزیر کی پر استارم که وی را «گنجینه ملی» توصیف کردند، مورد ستایش قرار گرفت.

مگی اسمیت بازیگر صاحب نام بریتانیا از سال ۱۹۵۲ در ۱۷ سالگی در تئاتر اکسفورد به روی صحنه رفت و در سال ۱۹۶۵ برای بازی در یک فیلم کوتاه مقابل دوربین رفت. در سال ۱۹۵۸ در فیلم «جایی برای رفتن نیست» ایفاگر نقش اول شد. او در دوران حرفه‌ای خود در ۶۰ فیلم و چندین مجموعه تلویزیونی به ایفای نقش پرداخت وی همچنین برای اجرای ۷۰ نمایش به روی صحنه رفت.

بر اساس رتبه بندی وبسایت آی ام دی پی، مگی اسمیت جزو ۱۰ بازیگر برتر سینمای بریتانیا و یکی از ۱۰۰ بازیگر برتر تاریخ سینمای جهان بی شمار می‌رود.

اسمیت در سال ۱۳۷۰ برای ایفای نقش خانم برودی در فیلم «بهار زندگی دوشیزه» جین برودی جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد و در سال ۱۹۷۹ برای ایفای نقش دایابری در فیلم «سوئیت





## وداع با بانوی آواز کردی ایران

فتانه ولیدی اولین زن کرد ایرانی بود که در رادیو ایران در دهه چهل خورشیدی به کردی آواز خواند. او بیش از ۶۰ ترانه سرود اما در اوج شهرت در ۲۱ سالگی خواندن را کنار گذاشت. او با مشکلات روحی مواجه شده بود. بعد از انقلاب اسلامی امید برای بازگشت او به صحنه کلا از بین رفت. فتانه ولیدی خواننده و ترانه سرای نام کرد ایرانی، سوم مهرماه در ۷۱ سالگی در سنندج درگذشت. از فتانه ولیدی ده ها اثر ماندگار به جا مانده است. بسیاری از آثار او در سال‌های پیش از انقلاب در رادیو ایران ضبط و منتشر شدند. از مهم‌ترین آثار او «سه بری گول فروش» ( صبری گل فروش) است که توسط هنرمندان بسیاری بازخوانی شده است. او از شاگردان پدر هنرمندش محمد شریف ولید و همچنین استاد حسن کامکار بود و با هنرمندانی از جمله عباس کمندی و حسن زیرک همخوانی کرده است.

این هنرمند هواداران بسیاری در میان کردهای کشورهای سوریه، ترکیه، عراق و ارمنستان داشته و برای بسیاری از زنان یک الگوی هنجار شکن محسوب می‌شد. فتانه ولیدی دو دهه آخر عمر خود را همراه با مشکلات روحی و در انزوا سپری کرد.

مراسم بدرقه این هنرمند روز صبح شنبه پنجم مهرماه با حضور صدها نفر در سنندج برگزار شد. پیکر این خواننده پر آوازه بر دوش زنان و همراه با نوای دف و ترانه « لای لای دلم لای » در آرامستان بهشت محمدی سنندج آرام گرفت.



## «ملانیا» عنوان کتاب تازه ملانیا ترامپ

همیشه آسان نباشد اما با اراده و شجاعت می‌توانید به رویاهای خود برسید.»

ملانیا در آغاز کتاب می‌نویسد، من به‌عنوان یک فرد حقیقی که اغلب مورد تجزیه و تحلیل عمومی قرار گرفته‌ام. احساس مسئولیت می‌کنم که سوابق را درست کنم. گزارش واقعی تجربیاتم را ارائه دهم.

ملانیا در سال ۱۳۷۰ در اسلوانی به دنیا آمد. مادرش یک طراح لباس و پدرش یک کارآفرین صنعت خودرو بود و او در کنار خواهر بزرگترش، اینس در شهر سونیکا در فاه نسبی بزرگ شد. او در نوجوانی به‌عنوان یک مدل پیشاهنگی کارش را شروع کرد و قبل از این که در بیست و شش سالگی به نیویورک نقل مکان کند، در ایتالیا و فرانسه زندگی و کار کرده بود و در آنجا حرفه خود را ادامه داد. در سال ۱۹۹۸ او با ترامپ در یک باشگاه شبانه آشنا شد. آنها در سال ۲۰۰۵ ازدواج کردند و یک سال بعد صاحب یک پسر به نام بارون شدند.

ملانیا ترامپ بانوی اول سابق امریکا در کتاب خاطرات تازه منتشر شده‌اش، مواضع خود در باره حمایت از حق انتخاب در موضوع سقط جنین، لحظه‌ای که اولین بار دونالد ترامپ را در یک کلوپ شبانه در نیویورک ملاقات کرد و شایعات «بی‌رحمانه» در باره ابتدای پسرش به او تیسیم را بیان کرده است.

پیش از انتشار کتاب، چندین رسانه در باره موضوعاتی که در کتاب به آنها پرداخته شده، افشاگری کردند. از جمله دیدگاه‌های او در باره سقط جنین، که به دلیل مواضع ضد سقط جنین همسرش باعث واکنش‌های منفی شد.

این کتاب ۲۵۶ صفحه ای در باره جزئیات شخصی زندگی این مدل سابق اهل اسلوانی نیست. ملانیا در باره مادر بودن نوشته: «تجربه فرآیند یادگیری عمیقی بوده است، فرآیندی که من را به گونه‌ای شکل داده که هرگز تصور نمی‌کردم.»

او درباره پیشرفت حرفه مدلینگ خود می‌گوید: «مسیر موفقیت ممکن است



## سوفیا لورن ۹۰ ساله شد

حرفه او با بازی در مجموعه‌ای از فیلم‌های کم‌مدی کم هزینه آغاز شد. سوفیا لورن با راهنمایی کارلو پونتی، تهیه کننده سینما- که بعدها با هم ازدواج کردند- جذب بازی در فیلم‌های مهم‌تری از جمله «آیدا» شد.

با شروع دهه ۸۰ میلادی لورن به تدریج حضورش را در سینما محدود کرد. از آن زمان او در فیلم‌هایی مثل آماده پوشیدن (۱۹۹۴)، پیرمرد های بد اخلاق تر (۱۹۹۵)، نه (۲۰۰۹) و زندگی پیش رو (۲۰۲۱) ایفای نقش کرده است.

سوفیا لورن به تازگی در فیلمی به کارگردانی پسرش ادواردو پونتی بازی کرده که اقتباسی است از رمان «زندگی پیش رو» اثر رومن گاری نویسنده مشهور فرانسوی. داستان درباره ارتباط یک نجات یافته هولوکاست و یک پسر دوازده ساله سنگالی است.



سوفیا لورن ستاره مشهور ایتالیایی، جمعه ۲۰ سپتامبر (۳۰ شهریور) تولد ۹۰ سالگی خود را جشن گرفت. به انتخاب انستیتو فیلم آمریکا از او به عنوان یکی از بزرگترین ستارگان زن در سینمای کلاسیک نام برده می‌شود. در طول ۵۰ سال زندگی حرفه‌ای او بارها توسط مجلات و منتقدان به عنوان یکی از زیباترین زنان جهان مورد تحسین قرار گرفت.

زیبایی سوفیا لورن گاهی بر مهارت‌ها و توان بالای بازیگری‌اش سایه می‌انداخت. با این حال حضور قدرتمند او در سینمای آمریکا و هم بازی شدن با برخی از ستارگان مطرح آن دوران از جمله کری گرانت، فرانک سیناترا، آلن لاد، ویلیام هولدن و پل نیومن جایگاه او را به عنوان یک بازیگر حرفه‌ای در سینما تثبیت کرد.

تا پیش از دریافت اسکار برای بهترین بازیگر زن در سال ۱۹۶۱ او بیش از ۵۰ فیلم ایفای نقش کرده بود. اما بازی در فیلم «دو زن» به کارگردانی ویتوریا دسیکا بود که زندگی او را تغییر داد. خودش در این باره می‌گوید: «تا قبل از دو زن، من یک اجراکننده بودم پس از آن بود که بازیگر شدم.»

موفقیت‌های لورن در طول زندگی حرفه‌ای اش بارها تکرار شد. جایزه بهترین بازیگر زن کن (۱۹۶۱)، چهار جایزه بهترین بازیگر گلدن گلوب، بهترین بازیگر زن بفتا (۱۹۶۲)، جایزه اسکار افتخاری (۱۹۹۱) و خرس طلای افتخاری جشنواره برلین (۱۹۹۲) تنها بعضی از افتخارات او هستند.



## پری صابری دار فانی را وداع گفت

و «من به باغ عرفان» را در باره سهراب سپهری به روی صحنه برد.

پری صابری همچنین «هفت شهر عشق» را با الهام از اشعار عطار نیشابوری، «هفت خوان رستم» از حکیم ابوالقاسم فردوسی، «رند خلوت نشین» در باره حافظ و «باغ دلگشا»، را نیز در شرح احوالات سعدی به روی صحنه برد. اما به گفته خودش نمایش شمس پرنده از بهترین کارهایی است که بسیار دوستش داشت.

یکی از ویژگیهای پری صابری این بود که سهم قابل توجهی برای موسیقی ایران در نمایش‌های مختلف در اجرای نمایش‌هایی که به روی صحنه می‌برد قائل بود و به همین دلیل در دو نمایش شمس پرنده و اسطوره سیاوش موسیقی و آواز و حرکات موزون جایگاه ویژه‌ای داشتند.

یکی از بزرگترین افتخارات بنده (نگارنده) به عنوان بازیگر بازی در نمایش من به باغ عرفان و آشنایی با این بانوی فرهیخته بود. در کنار بازیگران کهنه‌کار تعدادی هم از جمله بنده تازه سال و بسیار جوان بودیم. اجرا در تالار وحدت در حالی که تمام صندلی‌ها و بالکن‌های سالن نمایش پراز تماشاچی است و هر روز بر تعداد کسانی که موفق به خرید بلیت نمی‌شوند افزوده می‌شود افتخار بزرگی است. اما این موفقیت بزرگ به کام بعضی از به اصطلاح منتقدان خوش نیامد. اجرای هر صحنه با رقص نور همراه بود. ابتدا نور را قطع کردند و سرانجام مانع اجرای نمایش شدند.

پری صابری، هنرمند سرشناس تئاتر بعد از مدتها مبارزه با بیماری سه شنبه بیستم شهریورماه دارفانی را وداع گفت. هنرمندی یگانه که با اجرای درخشان (شمس پرنده) که با نگاهی به دیدار شمس و مولانا نوشته شده بود و هم چنین «اسطوره سیاوش» اقتباسی از شاهنامه فردوسی که در تالار یونسکو فرانسه به روی صحنه برد؛ توانست بخش زیبایی از فرهنگ فاخر ایرانی را در قالب دیپلماسی فرهنگی به جهان صادر نماید و برای این درخشش نشان شوالیه کشور فرانسه را از آن خود کند.

پری صابری متولد فروردین ۱۳۱۱ در کرمان بود و پس از پایان دوره متوسطه برای ادامه تحصیل در رشته تئاتر و سینما به فرانسه رفت. او در دوران دانشجویی فیلم کوتاهی بر اساس یکی از رباعیات خیام ساخت که در سال ۱۹۵۴ به عنوان بهترین فیلم دانشجویی شناخته شد.

خانم صابری در سال ۱۳۴۴ به ایران بازگشت و فعالیت‌های تئاتری خود را در دانشگاه تهران آغاز کرد و بانی تأسیس تالار مولوی شد.

عضویت او در گروه تئاتر بازارگاد به سرپرستی زنده یاد حمید سمندریان و اجرای نمایشنامه کرگدن اثر اوژن یونسکو نقطه عطف کارنامه هنری این هنرمند بود.

او پس از انقلاب فعالیت خود را در زمینه معرفی شاعران معاصر همچون فروغ فرخزاد و سهراب سپهری ادامه داد و نمایش «من از کجا، عشق از کجا» را در باره فروغ





اما در تاریخ تئاتر ایران سابقه نداشت  
نمایشی تا این اندازه مورد توجه واقع شود  
و رکورد تعداد تماشاچی و همینطور رکورد  
فروش را بشکنند.



## حقوق بشر و ضمانت‌های سازمان یافته

### (نهادهای حمایت کننده دولتی)

هما مهری، کارشناس حقوق بشر

توضیح:

من زیر به جهت معرفی هیئت پیگیری اجرای قانون اساسی، در اجرای بند (ب) ماده ۳ دستورالعمل نحوه اعمال مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی و تبصره ۱ آن، توسط رییس جمهور مسعود پزشکیان در تاریخ آذر ماه ۱۴۰۳ اعلام شده است در حالی که مطلب زیر بیانگر ضمانت حقوق بشر و سازمان های مرتبط با آن می باشد. به امید تضمین حقوق بشر در همه قوا و سازمان های مرتبط! همگام با پیگیری اجرای حقوق ملت.

#### چکیده

به جهت تعهدات جهانی خود، ملزم به تضمین تعهدات دولت خود هستند. اجرای حقوق بشر و ضمانت دول متعهد، مستلزم تصویب قوانین و ایجاد و تشکیل مراکز تضمین کننده حقوق بشر است. ازین رو نخست باید بررسی شود چه قوانینی در راستای احقاق حقوق بشر تصویب شده است و دوم آن که نهادهای اجرایی مناسب در جهت تضمین این حقوق ایجاد شده است یا خیر؟

یافته‌ها بیانگر این مهم است که قانون اساسی مهم‌ترین قانون کشور در حوزه تکلیف به اجرای حقوق ملت است و هم چنین نهادهای مربوط به دولت و قوای سه گانه در اهداف و وظایف خود به موضوع احقاق حقوق انسان‌ها توجه ویژه‌ای داشته‌اند. حال به بررسی قوانین و نهادهای نظارتی در کشور ایران می‌پردازیم.

هدف این مقاله، بررسی حقوق بشر و ضمانت‌های سازمان یافته در محدوده نهادهای حمایت کننده دولتی است. این تدوین با بهره‌گیری از مستندات کتابخانه‌ای و مراجعه به قوانین و مقررات حقوق بشری می‌باشد. بررسی ضمانت‌های قانونی شامل قوانین موجود مانند قانون اساسی و قوانین مربوط به حقوق شهروندان است و در بخش ضمانت‌های نهادی به بررسی سه قوه مقننه، مجریه و قضاییه و سازمان‌های وابسته به هدف تضمین اجرای حقوق بشر اختصاص دارد.

حقوق بشر، حقوقی است که برای حفظ کرامت انسان و آزادی‌های بنیادین بشر در نظر گرفته شده و برای همه انسان‌ها به صورت مساوی منظور شده است. جهانشمولی حقوق بشر امری پذیرفته شده و مورد قبول است که دولت‌ها



## مقدمه

بشر به موازات پیشرفت فردی و توسعه اجتماعی جامعه خویش، توانسته است از طریق آموزش و تجربه با حقوق و مسئولیت‌های خود آشنا شده و ضمن دستیابی به آگاهی از حقوق خود، در صدد اعمال و اجرای آن برآید. دست یافتن به حقوق افراد مستلزم تمهیداتی است که در دویخ «قانون» و «نهاد» به وسیله تصویب و یا تشکیل نهاد اجرایی صورت می‌گیرد. این که حقوق بشر در جامعه اجرایی شده است؟ این که قانون مناسب در موضوع حقوق بشر تصویب شده است؟ این که نهاد مناسبی شکل گرفته است؟ جامعه تا چه میزان پذیرای اجرای حقوق بشر بوده است و یا دولت چه میزان از این راه را طی کرده است؟ را به بررسی می‌پردازیم تا دریابیم چه ابزاری برای رسیدن به اهداف مورد نظر - که همانا اجرا و حمایت از حقوق بشر است - در دسترس می‌باشد و چگونه می‌توان به تحقق بیشتر این تضمین‌ها یاری رساند.

پایبندی به حقوق بشر و آزادی‌های عمومی شهروندان در نظام‌های سیاسی دموکراتیک امری لازم است. برای نشان دادن این پایبندی، دولت‌ها باید به ارزش‌های حقوق بشری متعهد باشند و عملکردشان در راستای این تعهد باشد. دولت‌ها وظیفه دارند در حکومت‌داری خود، خواسته‌ها و نیازهای مردم را پاسخگو باشند و حکمرانی آنها مطلوب باشد. زیرا آن چه که هیچ بشری انتظار ندارد نگرانی و تشویش از نقض حقوق بشر آن هم توسط دولت حاکم بر کشور خود است.

در دنیای امروز فعالیت‌های بشردوستانه توسط سازمان‌های مردم نهاد و یا تشکیلات مشابه آن با قصد کمک و همیاری در زمان‌های بحرانی و حتی غیربحرانی به حمایت از مردم نیازمند می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا حد توان در کمک به مردم نقشی موثر داشته باشند اگر چه مسلم است که نخستین گروه حامی در هر شرایطی باید دولت‌ها باشند. دولت‌ها از امکانات و ابزارهای متعددی چون اعتبارهای مادی و معنوی برخوردارند و می‌توانند با اقتداری که دارند به حمایت و حفظ حقوق بیشتری از مردم بپردازند.

در این مقاله لازم است به تعریف دولت<sup>۱</sup> به معنایی که در این متن به آن توجه شده است پرداخته شود. از دولت تعاریف و تعابیر مختلفی شده است. معنای برون مرزی دولت به عنوان یک جامعه سیاسی از جمله عناصر زیر است:

الف- جمعیت

ب- سرزمین

پ- تشکیلات سیاسی

ت- هیئت حاکمه

در معنای درون مرزی، دولت به مفهوم مجموعه دستگاه‌های قانونگذاری، قضایی و اجرایی یک کشور است. در این مقاله منظور از دولت، تعریف اخیرالذکر است که باید با تشکیلات و سازمان هر یک از سه قوه شناخت بیشتری داشته باشیم.

کلیدواژه: دولت، قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضائیه، بازرسی کل کشور

## بخش اول: قوه مجریه

دولت در متن قوانین به قوه مجریه اطلاق می‌شود. قوه مجریه به استناد قانون اساسی در فصل نهم درمبحث اول موضوع ریاست جمهوری و وزراء<sup>۲</sup> و جایگاه و شرح وظایف این قوه را برشمرده است. در اصل یکصد و سیزدهم آمده است: «پس از مقام رهبری رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است و مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را جز در اموری که مستقیماً به رهبری مربوط می‌شود بر عهده دارد.» رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود و مدت ۴ سال مسئولیت اداره کشور را بر عهده دارد و تنها یک بار می‌تواند مجدداً انتخاب شود.

نکته مورد تأکید اصل ۲۲ قانون اساسی است که به صراحت اعلام می‌دارد: «رئیس جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی و یا قوانین عادی بر عهده دارد در برابر ملت و رهبر و مجلس شورای اسلامی مسئول است.» رئیس جمهور وزراء را انتخاب می‌کند. امضای عهدنامه‌ها و قراردادهای دولت با سایر دول خارجی و پیمان‌های بین‌المللی با رئیس جمهور است و ده‌ها وظیفه مهم دیگر که در اصول مربوط به قانون اساسی قابل مطالعه است. بدین ترتیب در موضوع حقوق بشر و اجرای تعهدات، دولت در قبال قراردادهای کنوانسیون‌ها و هر تعهد خارجی و بین‌المللی مخاطب و مسئول است.

دیوان محاسبات کشور<sup>۳</sup> هرچند که یک نهاد دولتی محسوب می‌شود اما به استناد اصل ۵۴ قانون اساسی مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی فعالیت می‌کند.

## بخش دوم: قوه مقننه

قانون اساسی در فصل ششم به شرح وظایف قوه مقننه می‌پردازد.<sup>۴</sup> این قوه شامل نمایندگان مجلس است که با آرای مردم انتخاب می‌شوند و به مدت ۴ سال به عنوان وکیل ملت به پاسداری از حقوق ملت و خدمت به مردم مشغول هستند. نمایندگان تلاش می‌نمایند در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر قرار دهند.

این قوه دارای کمیسیون‌های تخصصی در موضوع‌های مورد توجه مجلس است و نمایندگان برای اجرای وظایف خود با اقداماتی چون حضور در صحن علنی، شرکت در کمیسیون‌ها و نظارت به قانونگذاری اقدام می‌کنند. کمیسیون اصل ۹۰ یکی از اهرم‌های نظارتی مجلس است که در بخش نهادها به آن می‌پردازیم. شوروی نگهبان در مجلس شورای اسلامی به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آنها تشکیل شده است که دارای شش نفر فقیه و شش نفر حقوقدان است. هر مصوبه در مجلس شورای اسلامی با تأیید شورای نگهبان قابل اجرا خواهد بود.

## بخش سوم: قوه قضائیه

قانون اساسی در فصل یازدهم به قوه قضائیه<sup>۵</sup> و شرح وظایف آن پرداخته است. قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده دار وظایف زیر است:

۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبی، که قانون معین می‌کند.

۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.

۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.

۴- کشف جرم و تعقیب مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام.

۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین.

بدین ترتیب مرجع رسمی تظلمات و شکایات دادگستری است. تشکیل دادگاه‌ها و تعیین صلاحیت آنها منوط به حکم قانون است. (اصل ۱۵۹) در قوه قضائیه دو نهاد دیوان عدالت اداری (اصل ۱۷۳) و سازمان بازرسی کل کشور (اصل ۱۷۴) به منظور رسیدگی به شکایات مردم نسبت به ماموران و حق نظارت نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین پیش بینی شده است.



## مبحث دوم: قوانین

قوانین و مقررات در کشور در موضوع‌های مختلف در مجلس شورای اسلامی با تصویب و یا در موضوع مقررات در هیئت وزیران وضع می‌گردد. قوانین عادی نیز متناسب با موضوع در مجلس از طریق طرح یا لایحه مصوب می‌شود. این مصوبات نباید مغایرتی با قانون اساسی داشته باشد. ازین رو شورای نگهبان با بررسی هر مصوبه مجلس اظهار نظر خود را مبنی بر تأیید اعلام می‌دارد در غیر این صورت به مجلس جهت اصلاح باز می‌گردد. در واقع شورای نگهبان شورایی است که بر مصوبات مجلس نظارت دارد و انطباق مصوبه مجلس را با قانون اساسی و شرع مورد بررسی قرار می‌دهد.

- ✓ حق انتخاب و کیل
  - ✓ حکم به مجازات فقط به موجب دادگاه
  - ✓ تأکید بر اصل براهت
  - ✓ شکنجه ممنوع
  - ✓ ممنوعیت هتک حرمت و حیثیت افراد
  - ✓ عدم اعمال حق فرد بر ضرر غیر
  - ✓ عدم سلب حق تابعیت فرد ایرانی
  - ✓ حق درخواست تابعیت اتباع خارجه طبق قانون
- بدین ترتیب حقوق افراد، مندرج در بخش حقوق ملت ۲۴ مورد است که در زمره حقوق بنیادین محسوب می‌شود.

### ۱- قانون اساسی و حقوق ملت

قانون اساسی از اصل ۱۹ تا اصل ۴۲ اختصاص به حقوق ملت و حقوق بنیادین بشر دارد.

- ✓ برخورداری از حقوق مساوی ( اصل ۱۹)
- ✓ برخورداری همه مردم از حمایت یکسان در حمایت از قانون
- ✓ تضمین حقوق زنان از طرف دولت
- ✓ مصون بودن حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص
- ✓ ممنوعیت تفتیش عقاید
- ✓ آزادی بیان در نشریات و مطبوعات
- ✓ ممنوعیت افشای ارتباطات مردم و هرگونه تجسس و استراق سمع
- ✓ آزادی احزاب، جمعیت‌ها و انجمن‌های سیاسی و صنفی
- ✓ آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمائی
- ✓ آزادی حق انتخاب شغل
- ✓ حق برخورداری از تأمین اجتماعی
- ✓ حق آموزش و پرورش رایگان و همگانی
- ✓ حق داشتن مسکن مناسب
- ✓ عدم بازداشت افراد بدون حکم قانون
- ✓ ممنوعیت تعبد افراد
- ✓ حق دادخواهی افراد

### ۲- قانون احترام به آزادی‌های مشروع و

#### حفظ حقوق شهروندی<sup>۲</sup>

قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نخست به صورت بخشنامه در قوه قضائیه منتشر شد. سپس به عنوان ماده واحده با ۱۵ بند در مجلس شورای اسلامی وصول و پس از بررسی و رای گیری به تصویب رسید.

دستورالعمل اجرایی بند ۱۵ قانون فوق‌الذکر در ۲۰ ماده به تأیید رئیس قوه قضائیه رسیده است. متن این قانون در موضوع کشف و تعقیب جرائم، تحقیقات، صدور قرارهای تأمین، بهره‌گیری از وکیل و مستندات قانونی، رعایت حقوق مندرج در بخش حقوق ملت قانون اساسی، منع شکنجه و موارد مشابه است. کلیه محاکم عمومی، انقلاب، نظامی و دادسراها و ضابطان قوه مکلفند این قانون را رعایت و اجرا کنند.

### ۳- منشور حقوق شهروندی<sup>۳</sup>

منشور حقوق شهروندی در همایش قانون اساسی و حقوق ملت از طرف رئیس جمهور وقت اعلام شد. در متن مقدمه منشور بیان شده است: « این منشور با هدف استیفا و ارتقای حقوق شهروندی و به‌منظور تدوین «برنامه و خط‌مشی دولت»، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که یا در منابع نظام حقوقی ایران شناسایی شده‌اند و یا دولت برای



- ر- حق تشکیل و برخورداری از خانواده
- ز- حق برخورداری از دادخواهی عادلانه
- ژ- حق اقتصاد شفاف و رقابتی
- س- حق مسکن
- ش- حق مالکیت
- ص- حق اشتغال و کار شایسته
- ض- حق رفاه و تأمین اجتماعی
- ط- حق دسترسی و مشارکت فرهنگی
- ظ- حق آموزش و پژوهش
- ع- حق محیط زیست سالم و توسعه پایدار
- غ- حق صلح، امنیت و اقتدار ملی

#### ۴- سایر قوانین و مقررات

قوانین و مقررات در ایران نیازمند تنقیح و بازنگری است. حجم قوانین و عدم انسجام منجر به پراکندگی موضوع‌های متفاوتی شده است. به صورتی که با مطالعه بیشتر می‌توان دریافت که برخی از محتوای قوانین با داشتن آیین دادرسی‌های خاص توجهی مطلوب به حقوق بشر داشته‌اند و ظرایف مناسبی را در متن قانون رعایت کرده‌اند. جستجو در ضمانت‌های قانونی نیازمند زمان یک پژوهش است که در این مقاله نمی‌توان به آن پرداخت. ازین رو به بخش‌های دیگر می‌پردازیم.

شناسایی، ایجاد، تحقق و اجرای آنها از طریق اصلاح و توسعه نظام حقوقی و تدوین و پیگیری تصویب لوایح قانونی یا هرگونه تدبیر یا اقدام قانونی لازم تلاش جدی و فراگیر خود را معمول خواهد داشت. برای دستیابی به این هدف همکاری سایر قوا و نهادها و مشارکت مردم، تشکل‌ها، اتحادیه‌های صنفی، سازمان‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی ضروری است.»

در ادامه مقدمه منشور اعلام شده است که مواد مختلف این منشور در هماهنگی و سازگاری با یکدیگر و در چارچوب نظام حقوقی موجود باید تفسیر و اجرا شود به نحوی که موجب کاهش حقوق شهروندان ایرانی و حقوق اتباع سایر کشورها که در قوانین و یا تعهدات بین‌المللی کشور شناسایی شده است، نگردد. منشور در ۱۲۰ ماده در تاریخ ۱۳۹۵/۹/۲۹ رسمیت یافت و به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. پیشنهاد برنامه و خط‌مشی مربوط به اجرای کامل منشور حقوق شهروندی از جمله مسئولیت‌های دستیار ویژه حقوق شهروندی است که به استناد منشور، مسئول است.

عناوین حقوق اعلامی در منشور عبارتند از:

- الف- حق حیات، سلامت و کیفیت زندگی
- ب- حق کرامت و برابری انسانی
- پ- حق آزادی و امنیت شهروندی
- ت- حق مشارکت در تعیین سرنوشت
- ث- حق اداره شایسته و حسن تدبیر
- ج- حق آزادی اندیشه و بیان
- چ- حق دسترسی به اطلاعات
- ح- حق دسترسی به فضای مجازی
- خ- حق حریم خصوصی
- د- حق تشکیل، تجمع و راهپیمایی
- ذ- حق تابعیت، اقامت و آزادی رفت و آمد



## الف - تاریخچه

نحوه شکل‌گیری مرجعی که بتواند به شکایت‌ها و دادخواهی‌های مردم از مأموران رسیدگی کند در سال ۱۳۰۹ به نام «محاکمات مالیه» تشکیل شد. پس از آن شورای دولتی جایگزین گردید. در اردیبهشت ۱۳۲۹ قانون مسئولیت مدنی مصوب شد که در واقع، مسئولیت مدنی دولت را در برابر افراد مطرح می‌ساخت.

پس از انقلاب اسلامی، قانون اساسی به هدف رسیدگی به دعاوی و شکایات اداری یک دادگاه عالی به نام «دیوان عدالت اداری» تأسیس نمود که عهده دار نظارت در مطابقت آیین نامه‌ها، تصمیمات و اقدامات اداری قوه مجریه با قوانین و حل اختلاف بین افراد و دولت است.

دیوان عدالت اداری از مراجع اختصاصی دادگستری است که قانون آن در تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۴ به تصویب رسید و تاکنون نیز آیین دادرسی آن چند بار اصلاح شده است. در مرداد ماه ۱۳۹۲ قانون جدید دیوان تصویب و لازم الاجراء گردید.

## ب - تشکیلات

قانون دیوان عدالت اداری درتشکیلات دیوان هرشعبه رسیدگی را مرکب از یک رئیس و دونفر مستشار اعلام کرده است و ملاک رأی راه رأی اکثریت دانسته و رأی را قطعی اعلام می‌کند. حدود صلاحیت و اختیارات دیوان عدالت اداری در ماده ۱۰ قانون به شرح زیر است:

۱- رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از:

الف- تصمیمات و اقدامات واحدهای دولتی اعم از وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و سازمان تأمین اجتماعی و تشکیلات و نهادهای انقلابی و مؤسسات وابسته به آنها.

ب- تصمیمات و اقدامات مأموران واحدهای مذکور در بند «الف» در امور راجع به وظایف آنها.

۲- رسیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند

## گفتار دوم: نهادهای قانونی

نهادهای تضمین‌کننده حقوق بشر در سه قوه به اشکال مختلف وجود دارد. موضوع احقاق حقوق شهروندان به جهت ضرورت تضمین بیشتر زیر نظر قوه قضائیه انجام وظیفه می‌کند و اجرای اوامر و نواهی صدور احکام در این قالب قابلیت اجرایی بیشتری نسبت به قوای دیگر در کشور دارد. اکنون به بررسی یکایک نهادهای مذکور پرداخته می‌شود و تاریخچه فعالیت و تشکیلات آن به صورت مختصر شرح داده می‌شود.

### ۱- دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری به منظور رسیدگی به شکایت‌ها، دادخواهی‌ها و اعتراضات مردم نسبت به مأموران یا واحدها یا آیین نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها و زیر نظر قوه قضائیه تأسیس شد. مستند ایجاد و تأسیس دیوان عدالت اداری اصل ۱۳۷ قانون اساسی است. اصل ۱۳۷ قانون اساسی بیان می‌دارد: «به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد. حدود اختیارات و نحوه عمل این دیوان را قانون تعیین می‌کند.»



قضات دیوان عدالت اداری باید دارای شرایط ویژه ای باشند از جمله سابقه ۱۵ سال کارقضایی، مدرک تحصیلی تخصصی، عدالت، ایمان و تعهد عملی، حسن اخلاق و امانت داری، تابعیت ایران و..

دعاوی به دعوی ابطال و دعوی خسارت تقسیم شده است و دیوان متشکل از شعب بدوی، شعبه تجدید نظر، هیئت عمومی و هیئت‌های تخصصی است. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری شامل بخش تشکیلات، آیین دادرسی، اعاده دادرسی، اجرای احکام و سایر مقررات می‌باشد که به موضوع های صلاحیت، ترتیب رسیدگی، رسیدگی در شعب بدوی، تجدید نظر و رسیدگی در هیئت عمومی را شامل می‌شود. قانون دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۵ در مجلس و مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۵ بخش، ۳ مبحث در ۱۲۴ ماده و ۳۹ تبصره تصویب شد. اکنون در کشور ۵۰ شعبه بدوی انجام وظیفه می‌کنند.

## ۲- سازمان بازرسی کل کشور<sup>۱</sup>

سازمان بازرسی کل کشور یکی از دستگاه‌های قوه قضائیه کشور است که به هداف اجرای اصل ۱۷۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تشکیل شده است. فعالیت سازمان زیر نظر رئیس قوه قضائیه انجام می‌گیرد. این سازمان در زمره سازمان‌های امنیتی محسوب می‌شود. اصل مذکور این فعالیت را چنین بیان می‌دارد:

اصل ۱۷۴: «بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد. حدود اختیارات و وظایف این سازمان را قانون تعیین می‌کند.»

### الف- تاریخچه

رسمیت بازرسی در کشور به سال ۱۳۰۸ بر می‌گردد که نظامنامه هیئت تقشیشه مملکتی و وظیفه ماموران دولتی به تصویب هیئت وزیران رسید. در سال ۱۳۱۵ خورشیدی با تصویب قانون اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات عدلیه، بازرسی کل کشور به ریاست وزیر دادگستری قرار گرفت و دفتر بازرسی کل کشور

کمیسرین‌های مالیاتی، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصرأ از حیث نقض قوانین و مقررات با آنها.

۳- رسیدگی به شکایات قضات و مشمولان قانون مدیریت خدمات کشوری و سایر مستخدمان واحدها و مؤسسات مذکور در بند (۱) و مستخدمان مؤسساتی که شمول این قانون نسبت به آنها محتاج ذکر نام است اعم از لشکری و کشوری از حیث تضییع حقوق استخدامی.

تبصره ۱- تعیین میزان خسارات وارده از ناحیه مؤسسات و اشخاص مذکور در بندهای (۱) و (۲) این ماده پس از صدور رأی در دیوان بر وقوع تخلف با دادگاه عمومی است.

تبصره ۲- تصمیمات و آراء دادگاه‌ها و سایر مراجع قضائی دادگستری و نظامی و دادگاه‌های انتظامی قضات دادگستری و نیروهای مسلح قابل شکایت در دیوان عدالت اداری نمی‌باشد.

در ماده ۱۲ قانون حدود صلاحیت و وظایف هیئت عمومی دیوان نیز شرح داده شده است:

۱- رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی یا حقوقی از آیین‌نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات عمومی غیردولتی در مواردی که مقررات مذکور به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوط یا تجاوز یا سوءاستفاده از اختیارات یا تخلف در اجرای قوانین و مقررات یا خودداری از انجام وظایفی که موجب تضییع حقوق اشخاص می‌شود.

۲- صدور رأی وحدت رویه در موارد مشابه که آراء متعارض از شعب دیوان صادر شده باشد.

۳- صدور رأی ایجاد رویه که در موضوع واحد، آراء مشابه متعدد از شعب دیوان صادر شده باشد.

تبصره - رسیدگی به تصمیمات قضائی قوه قضائیه و صرفاً آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و تصمیمات رئیس قوه قضائیه و مصوبات و تصمیمات شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجلس خبرگان و شورای عالی امنیت ملی از شمول این ماده خارج است.



مؤسسات عامه المنفعه و نهادهای انقلابی و سازمان‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه یاسهام آنان متعلق به دولت است یا دولت به نحوی از انحاء بر آنها نظارت یا کمک می‌نماید و کلیه سازمان‌هایی که شمول این قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام آنها است بر اساس برنامه منظم.

ب- انجام بازرسی‌های فوق العاده حسب الامر مقام معظم رهبری و یا به دستور رئیس قوه قضائیه و یا درخواست رئیس مجلس یا کمیسیون اصل نود قانون اساسی مجلس شورای اسلامی و یا بنا به تقاضای وزیر یا مسئول دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط و یا هر موردی که به نظر رئیس سازمان ضروری تشخیص داده شود.

ج- اعلام موارد تخلف و نارسائی‌ها و سوء جریانات اداری و مالی در خصوص وزارتخانه‌ها و نهادهای انقلاب اسلامی و بنیادهای رئیس جمهور و در خصوص مؤسسات و شرکت‌های دولتی و وابسته به دولت به وزیر ذی‌ربط و در مورد شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به وزیر کشور و در خصوص مؤسسات غیردولتی کمک بگیر از دولت به وزیر ذی‌ربط و در خصوص سوء جریانات اداری و مالی مراجع قضایی و واحدهای تابعه دادگستری به رئیس قوه قضائیه و در موارد ارجاعی کمیسیون اصل نود قانون اساسی نتیجه بازرسی به آن کمیسیون اعلام خواهد شد.

د- در مواردی که گزارش بازرسی متضمن اعلام وقوع جرمی است، چنانچه جرم دارای حیثیت عمومی باشد، رئیس سازمان یا مقامات مأذون از طرف وی یک نسخه از گزارش را با دلائل و مدارک مربوط برای تعقیب و مجازات مرتکب به مرجع صالح قضایی ارسال و موضوع راتا حصول نتیجه نهائی پیگیری نمایند و در مورد تخلفات اداری، انضباطی و انتظامی مستقیماً مراتب را به مراجع ذی‌ربط منعکس نموده و پیگیری لازم را به عمل آورند. مراجع رسیدگی کننده مکلفند وقت رسیدگی و جهت حضور را به اطلاع سازمان بازرسی کل کشور برسانند.

مختصر این که این نظارت و بازرسی سه گونه صورت می‌پذیرد:

از دفتر اختصاصی وزیر عدلیه شمرده شد. در سال ۱۳۳۷ به فرمان شاه، بازرسی شاهنشاهی تأسیس شد ولی چون مجوز قانونی نداشت در سال ۱۳۴۱ به فرمان شاه، دستور دولت وقت تعطیل شد و بازرسی کل کشور تا سال ۱۳۴۷ به وظایف قانونی خود ادامه داد.

در سال ۱۳۴۷ قانون تشکیل سازمان بازرسی شاهنشاهی مشتمل بر ۱۴ ماده و دو تبصره به تصویب مجلس رسید و برابر با این قانون اداره کل بازرسی کل کشور به اداره کل بازرسی وزارت دادگستری که وظیفه آن تنها رسیدگی به امور قضایی و اداری دادگستری بود تبدیل شد و دیگر وظیفه‌های اداره کل بازرسی کشور به سازمان بازرسی شاهنشاهی واگذار شد. برابر ماده ۱ قانون، سازمان بازرسی شاهنشاهی زیر نظر شاه بود و نخست مسئول امور مربوط به این سازمان در دو مجلس شد و نیز تعیین رئیس سازمان به فرمان شاه بود.

پس از انقلاب اسلامی از سال ۱۳۶۰ روسای این سازمان تاکنون ۵ نفر - هر کدام مدتی - ریاست این سازمان را بر عهده داشتند.

قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور نخست به تعریف نظارت و بازرسی می‌پردازد و بر مبنای آن وظایف و اختیارات سازمان را تعیین می‌کند: «نظارت و بازرسی از نظر این قانون عبارت است از مجموعه فعالیت‌های مستمر و منظم و هدف‌دار به منظور جمع‌آوری اطلاعات لازم در باره مراحل حین و بعد از اقدامات دستگاه‌های مشمول ماده (۲) این قانون، تجزیه و تحلیل آنها، تطبیق عملکرد دستگاه با اهداف و تکالیف قانونی و ارائه پیشنهادهای مناسب در جهت حسن جریان امور، سازمان بازرسی همچنین می‌تواند قبل از اقدامات دستگاه‌های مذکور نیز اطلاعات لازم را جمع‌آوری کند.»

وظایف و اختیارات سازمان به شرح زیر می‌باشد:

الف- بازرسی و نظارت مستمر کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات و اموراداری و مالی دادگستری، سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه قوه قضائیه و نیروهای نظامی و انتظامی و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها و دفاتر اسناد رسمی و



است مالی که مأمور معاینه و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریح کلیه حسابداران خزانه بوده و نیز نظارت می‌کند که هزینه‌های معینه در بودجه از میزان معین شده تجاوز نکند و تغییر و تبدیل نیاید و هر وجهی در محل خود صرف شود و نیز مکلف است که در امر معاینه و تفکیک محاسبات ادارات دولتی و جمع‌آوری سند خرج محاسبات و صورت کلیه محاسبات مملکتی اقدام نماید.»

### الف- تاریخچه

نگه‌داشتن حساب دخل و خرج و کنترل آن از عصر سومری‌ها آغاز شد و در عصر رنسانس در اروپا حسابداری به عنوان دفترداری دو طرفه موجودیت پیدا کرد. سپس دولت‌ها به عنوان اهرم کنترل دخل و خرج از آن استفاده کردند. در ایران نیز از دوره هخامنشیان نظام مالی وجود داشت. پس از ورود اسلام به ایران در اداره امور حسابرسی مشاغلی چون وزیر، والی و حاسب دیده می‌شود. در دوره صفویه و قاجاریه امور مالی وضعیت بهتری یافت. امیرکبیر اولین وزارتخانه مالی را تاسیس کرد و از سال ۱۲۲۵ هجری قمری رشته حسابداری در مدرسه دارالفنون به وجود آمد و در این رشته مدرک تحصیلی داده شد. در دوران مشروطه، پس از تصویب متمم قانون اساسی مشروطه در سال ۱۲۸۶ هجری خورشیدی محاسبات و تفریح حساب جاری زیر بنای حسابداری و حسابرسی را تعیین کرد.

دیوان محاسبات کشور طبق اصول ۱۰۱ تا ۱۰۳ قانون اساسی مشروطه و متمم آن در سال‌های ۱۲۵۸ و ۱۲۸۶ هجری خورشیدی موجودیت پیدا کرد و در دوره دوم مجلس شورای ملی به تاریخ ۱۳ صفر ۱۳۲۹ قانون آن تصویب شد. این دیوان در سال ۱۳۰۲ منحل و دوباره در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی دوباره راه اندازی شد. در سال ۱۳۵۲ قانون دیوان محاسبات مورد تجدید نظر کلی قرار گرفت. رئیس شعبه و مستشاران به پیشنهاد وزیر دارایی و فرمان شاه منصوب می‌شد.

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ در اصول ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی، دیوان محاسبات کشور از وزارت اقتصاد و دارایی جدا گردید و زیر نظر

۱- بازرسی مستمر

۲- بازرسی فوق العاده

۳- بازرسی موردی

قانون تشکیل سازمان بازرسی کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۷/۱۵ با آخرین اصلاحات و الحاقات در ۱۶ ماده و در آخرین اصلاحیه ۹ ماده اصلاحی و الحاقی دارد. آیین نامه اجرایی این قانون دارای ۷۵ ماده، ۲۶ تبصره و ۷ فصل در تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱۵ مصوب شد.

### ۳- دیوان محاسبات کشور<sup>۱۰</sup>

دیوان محاسبات کشور، موسسه ای دولتی است که در امور مالی و اداری مستقل بوده و زیر نظر مجلس شورای اسلامی به عنوان بازوی نظارتی عمل می‌کند. دیوان دادگاهی مالی است که مأمور بررسی و تفکیک محاسبات اداره مالیه و تفریح کلیه حسابداران خزانه بوده و نیز نظارت می‌کند که هزینه‌های معین شده در بودجه از میزان تعیین شده تجاوز نکند و تغییر و تبدیل نیابد. در واقع دیوان وظیفه دارد که هر وجهی در محل خود صرف شود. اصل ۵۴ و ۵۵ قانون اساسی مبنای قانونی ضرورت تشکیل این سازمان است:

اصل ۵۴: «دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی می‌باشد. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به‌موجب قانون تعیین خواهد شد.»

اصل ۵۵: «دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، موسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که به‌نحوی از انحاء از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌نماید که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به‌مصرف رسیده باشد. دیوان محاسبات، حساب‌ها و اسناد و مدارک مربوطه را برابر قانون جمع‌آوری و گزارش تفریح بودجه هر سال را به انضمام نظرات خود به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌نماید. این گزارش باید در دسترس عموم گذاشته شود.»

در اصطلاح حقوقی، دیوان محاسبات چنین تعریف شده است: «دیوان محاسبات دادگاهی





و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشم، از قانون اساسی دفاع کنم و در گفته‌ها و نوشته‌ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مدنظر داشته باشم.» از این رو در اصل ۸۴ مسئولیت نماینده مردم با شفافیت بیان شده است: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.»

اصل ۹۰ قانون اساسی در مسئولیت کمیسیون بیان می‌دارد: «هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتابا به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.»

#### الف- تاریخچه

هرچند که مجالس در هر کشوری مرجع رسیدگی مردم می‌باشد و آیین نامه داخلی مجالس نیز به این نقش صحنه گذاشته و تأکید کرده‌اند اما بعد از انقلاب اسلامی و تدوین قانون اساسی با اصل ۹۰ این راه قانونا برای نمایندگان مجلس هموار شد تا با ابزار نظارتی اصل ۹۰ بتوانند به نمایندگی از ملت از طرق مختلف تماس و ارجاع مردمی شکایات خود را مطرح و آنان با رسیدگی و پاسخگو کردن قوای کشور از آنان توضیح بخواهند. البته نمایندگان مجلس دارای ابزارهای دیگر نیز هستند ولی اهمیت کمیسیون اصل ۹۰ بر همگان روشن است.

#### ب- سازمان بندی و تشکیلات کمیسیون

در بررسی نقش کمیسیون اصل ۹۰، آیین نامه داخلی مجلس اعلام می‌دارد که کمیسیون وظیفه نظارتی دارد و مرجع قضایی نیست و حکمی نیز صادر نمی‌کند چون رسیدگی این کمیسیون جنبه نظارتی مجلس در اجرای قوانین است. ماده ۴۴ آیین نامه داخلی مجلس می‌گوید: «... این کمیسیون می‌تواند با قوای سه گانه جمهوری اسلامی و تمام وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های وابسته به آنها و بنیادها

مستقیم مجلس شورای اسلامی به صورت سازمانی مستقل ادامه یابد.

#### ب- تشکیلات

دیوان محاسبات کشور به استناد اصول قانون اساسی تشکیل شد. قانون این دیوان در سال ۱۳۶۱ مصوب شد و بعدها اصلاحاتی بر قانون صورت گرفت. دیوان محاسبات مستقیما زیر نظر مجلس شورای اسلامی است. رئیس و دادستان دیوان محاسبات پس از افتتاح هر دوره قانونگذاری به پیشنهاد کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی معرفی و با تصویب نمایندگان مردم انتخاب می‌شود. مقر دیوان در تهران است و در مراکز استان‌ها ادارات کل مستقر هستند. هیئت عمومی دیوان به ریاست رئیس کل دیوان و با حضور دادستان و دست کم سه چهارم مستشاران اصلی دیوان تشکیل می‌شود.

دیوان محاسبات دارای منشور اخلاق حرفه‌ای است که در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۲۰ به تصویب ریاست دیوان محاسبات کشور رسیده و از تاریخ تصویب لازم‌الرایه است. قانون دیوان محاسبات کشور در ۴۷ ماده و در ۵ فصل در تاریخ ۱۳۷۰/۵/۲۰ به تصویب رسید. اخیرا وظایف جدید دیوان محاسبات در اصلاح جدید آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در مواد ۲۶ تا ۳۳ بررسی و تصویب شده است.

#### کمیسیون اصل ۹۰

کمیسیون اصل ۹۰ که بر اساس اصل ۹۰ قانون اساسی به این نام خوانده می‌شود برای رسیدگی به شکایات عامه مردم از طرز کار قوای سه گانه تشکیل شده است. مجلس شورای اسلامی به عنوان خانه ملت که طبق اصول قانون اساسی وظایفی را بر عهده دارد که در بخشی از سوگند نمایندگان به صراحت آمده است: «من در برابر قرآن مجید، به خدای قادر متعال سوگند یاد می‌کنم و با تکیه بر شرف انسانی خویش تعهد می‌نمایم که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشم، ودیعه‌ای را که ملت به ما سپرده به عنوان امینی عادل پاسداری کنم و در انجام وظایف و کالت، امانت و تقوی را رعایت نمایم و همواره به استقلال و اعتلای کشور





و نهادهای انقلابی و مؤسساتی که به نحوی از انحاء به یکی از قوای فوق الذکر مربوط می‌باشند، مستقیماً مکاتبه یا به آنها مراجعه نماید و برای رسیدگی به شکایاتی که از طرف مسئولین مربوط بدون جواب مانده و یا جواب قانع کننده به آنها داده نشده و رفع مشکلات، توضیح بخواند و آنها مکلفند در اسرع وقت جواب کافی بدهند. گزارش کمیسیون اصل ۹۰ پس از ارائه به هیئت رئیسه بدون رعایت نوبت در دستور کار مجلس قرار می‌گیرد و در اولین جلسه علنی قرائت می‌گردد.»

کمیسیون با وظایفی که به عهده دارد با وسعت کاری بسیاری مواجه است لذا اعضای کمیسیون اقدام به تقسیم کار و موضوع بندی مسائل کرده‌اند. علت این حجم از کار نیز به این جهت است که هر شخص طبیعی یا حقوقی ممکن است صاحب شکایت باشد. البته این رسیدگی مشروط به این است که موضوع مورد شکایت در صلاحیت مجلس باشد؛ یعنی باید شکایت از طرز کار مجلس یا قوه قضائیه یا قوه مجریه باشد. این کمیسیون می‌تواند با مراجع مورد شکایت مکاتبه کرده و از مسئولین آن مراجع دعوت به عمل بیاورد و نیز می‌تواند هیئت تحقیق تعیین کرده و به بررسی و تحقیق قضیه بپردازد. بدین ترتیب به موجب قانون، اجازه مکاتبه و تحقیق مستقیم را به کمیسیون اصل ۹۰ با دستگاه‌های دولتی جهت رسیدگی به شکایات مردم مصوب ۱۳۵۹/۱۱/۱ می‌دهد. کمیسیون اصل ۹۰ برای تسریع در وظیفه، اقدام به تدوین آیین نامه داخلی کرده است.

امکانات ذیل بهره‌گیری از ارجاع شکایات‌ها را برای مجلس شورای اسلامی فراهم می‌سازد:

- ارائه پاسخ کافی و مجاب کننده به شاکیان؛
- تذکر به دستگاه‌ها و پیگیری امر نسبت به رفع اشکالات موجود در سازمان‌ها تا حصول نتیجه مثبت احتمالی؛
- آگاهی و ایجاد تحرک در نمایندگان برای استفاده از حقوق نظارتی پارلمان (تذکر، سؤال، استیضاح و اظهار نظر)
- اطلاع به عامه مردم در عملکرد دستگاه‌ها و شناساندن آسیب‌هایی که عارض بر دولت و قدرت عمومی می‌شود.

کمیسیون دارای دو واحد رسیدگی و واحد دفتر است که طبق آئین نامه داخلی انجام وظیفه می‌کند. هیئت رئیسه کمیسیون اصل ۹۰ می‌تواند برای هر یک از واحدهای فوق به تعداد مورد نیاز بخش‌هایی را تشکیل دهد. این کمیسیون دارای کمیته‌های مختلفی است که به ۷ بخش تقسیم می‌شود:

بخش فرهنگی، بخش اقتصادی، بخش سیاسی - نظامی، بخش رفاهی و اجتماعی، بخش عمرانی و فنی، بخش قضایی، بخش مکتبه، که کمیسیون بر حسب سلیقه خود آئین نامه داخلی دارد و شکایات واصله را به انواعی تقسیم می‌کند. مجلس شورای اسلامی در ساختار خود دارای معاونت نظارت است. یکی از گزارش‌های اعلامی کمیسیون اصل ۹۰ در خصوص حقوق‌های نامتعارف و نجومی برخی از مقامات و مدیران کشور بود که گزارش آن قرائت شد و منجر به برخی از مسائل ناگفته گردید!<sup>۱۱</sup>

### نتیجه‌گیری:

حقوق بشر در جهان امری مورد قبول است و اکثر کشورها نیز آن را پذیرفته و اجرا می‌کنند. در ایران نیز بر اساس ماده ۹ قانون مدنی مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است. ازین رو پذیرش و تصویب قراردادهای کنوانسیون‌ها و هر تعهدی که بین کشور ایران و سایر کشورها منعقد شود، در داخل کشور باید اجرا و اعمال شود. تنها محدودیت در زمینه اجرای تعهدات، وجود حق شرط در متون برخی از معاهدات است.

در گفتار نخست به قوانین داخلی پرداخته شد. مهم‌ترین قانون، قانون اساسی و ضمانت‌های مندرج در آن نیز الزام آور است. وجود نهادهای نظارتی بیانگر اهمیت قانون اساسی است هرچند امضاء اعلامیه حقوق بشر و میثاقین توسط دولت ایران، کشور را براساس ماده ۹ قانون مدنی فوق الذکر مسئول اجرا و اعمال آن می‌داند. ایران به چندین معاهده بین المللی دیگر نیز پیوسته و متعهد است. در ضمن قوانین دیگر در کشور هیچ کدام به اهمیت قانون اساسی نبوده‌اند. وجود منشور حقوق شهروندی نیز که برنامه



های شفاف و روشن، گره های موجود را در روابط ملت، دولت کاهش خواهد داد هرچند که اصلاح ساختاری در مراکز پاسخگویی مورد انتظار است.

پانوش:

۱. به نقل از مقاله معاونت آموزشی و پژوهشی دیوان عدالت اداری، سایت دیوان عدالت اداری
۲. اصل ۱۱۳ الی ۱۴۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۳. سایت دیوان محاسبات کشور
۴. اصول ۶۲ الی اصل ۹۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۵. اصول ۱۱۵ الی ۱۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۶. مصوب تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۵ است.
۷. در تاریخ بیست و نهم آذرماه ۱۳۹۵ اعلام شد.
۸. سایت دیوان عدالت اداری
۹. سایت سازمان بازرسی کل کشور
۱۰. سایت دیوان محاسبات کشور
۱۱. سایت مجلس شورای اسلامی
۱۲. علاقمندان می‌توانند متن گزارش را در صفحه اخبار مجلس و در نسخه آزمایشی سایت جدید مجلس مشاهده کنند.
۱۳. رای شماره ۶۴ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع صدور رای ایجاد رویه در خصوص مرخصی زایمان از ۶ ماه به ۹ ماه مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۴

#### منابع:

- ۱- مهرپور، حسین، حقوق بشر در اسناد بین المللی و موضع جمهوری اسلامی، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴
- ۲- پروین، خیرالله، حقوق بشر از نظر تا عمل، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶
- ۳- پروین، خیرالله، دلیر، حسین، ارزیابی و اصلاح فرآیند های اداری در آیین سازمان بازرسی کل کشور، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال پانزدهم، شماره ۴۲، بهار ۱۳۹۳
- ۴- معاونت آموزشی و پژوهشی دیوان عدالت اداری
- ۵- آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی

www.majlis.ir  
www.parliran.ir  
www.icana.ir/fa  
www.dmk.ir  
www.divan-edalat.ir  
www.dotic.ir  
www.bia-judiciary.ir  
www.bazresi.ir

عمل رئیس جمهور خوانده شد در زمان خود تا حدودی اثر داشت که به جهت خارج بودن نقد گفتار اول از موضوع مقاله از آن چشم می‌پوشیم. باید یادآور شد که ایران در مظان اتهام عدم رعایت حقوق بشر بوده و هست از این رو کمیسیون حقوق بشر برای ایران گزارشگر ویژه نیز انتخاب کرده است. علیرغم برخی اتهامات به چرایی و چگونگی بهره مندی از این گزارش ها نمی توان وجود یک ساختار را برای بهبود حقوق بشر لازم ندانست بلکه موجب می شود تا همگان در قبال رفتار و کردار خود در هنگام مسئولیت در قبال ملت خویش، شفافیت داشته و بپذیرند که خردمندانه عمل کنند

در گفتار دوم درباره نهادهای سازمان یافته مستند به قانون اساسی به بررسی آن پرداخته شد. دیوان عدالت اداری نقش مهمی در احقاق حقوق بشر در کشور داشته است و توانسته با آرای خود روزنه مطلوبی در ادهان عمومی در دستیابی به حقوق باز گذارد. به عنوان نمونه رای صادره<sup>۱۳</sup> در مورد الزام مرخصی زایمان به میزان ۹ ماه بود که دولت به دلایل گوناگون اجرای آنرا به تاخیر می‌انداخت. نهاد دوم سازمان بازرسی کل کشور است که به دلیل امنیتی بودن سیستم بازرسی در آن کمتر گزارش های خود را به اطلاع همگان می‌رساند. این نهاد زیر نظر قوه قضائیه هستند. لازم به ذکر است ستاد حقوق بشر در معاونت بین الملل قوه قضائیه است و با استناد به تشکیلات و آیین نامه خود در موضوع حقوق بشر در ایران و تعاملات بین ایران و دول خارجی اقدام می‌کند. دیوان محاسبات نیز زیر نظر قوه مقننه است که به بررسی بودجه و نحوه مصارف آن در چارچوب قانون می‌پردازد. کمیسیون اصل نود نیز پرونده های ارجاعی را چون مسکن مهر، بررسی حقوق نامتعارف و پرونده رئیس دولت نهم و دهم رادر دستور کار دارد.

در مجموع می‌توان گفت چالش پیش روی این نهادها، حجم پرونده های موجود، اطاله رسیدگی، کمبود نیروی انسانی متخصص، کمبود اعتبارات مالی، عدم پاسخگویی و مواردی مشابه است که رسیدگی به حقوق بشر و حقوق شهروندی را با کندی مواجه ساخته است. بی شک امید به پاسخگویی و ارائه گزارش



## حرية التعبير: حصن لتحقيق سيادة القانون



ليلا صادقي  
مترجم عربي

يمكن اعتبار حق حرية التعبير أساساً للعديد من حقوق الإنسان الأخرى، وقد انعكس هذا الحق في أولى الوثائق الدولية والمحلية لحقوق الإنسان.

وفقاً لهذه التعريفات، فإن حق حرية التعبير هو حق لكل إنسان في التعبير عن آرائه ومعلوماته باستخدام أي وسيلة، حتى خارج حدود بلده.

وتناولت المقالة الأسئلة التالية: ما هي مكونات حق حرية التعبير؟ هل يمكن ضمان حق حرية التعبير؟ ما هو تأثير متابعة وحماية وتنفيذ حق حرية التعبير على المجتمع؟ ما هي التغييرات التي طرأت على حق حرية التعبير عبر الزمن؟ ما هو دور حرية التعبير في المجتمعات الديمقراطية؟ هل يمكن تقييد حرية التعبير؟

الإجابات المختصرة عن هذه الأسئلة جاءت كالتالي:

يمكن القول إن حرية التعبير تشمل كلاً من «المعلومات والأخبار» و«الآراء والأفكار الشخصية».

علاوة على ذلك، ليس شرطاً أن تكون المعلومات والآراء المقدمة مفيدة للاستفادة من هذا الحق؛ بل إن التعبير عن المعلومات والآراء غير المفيدة أو حتى المزعجة يُعتبر أيضاً جزءاً من حرية التعبير، بشرط ألا تؤدي هذه التغييرات إلى انتهاك القيود المسموح بها على حرية التعبير. حتى الصمت يُعد جزءاً من حرية الفرد.

كتبت هذه المقالة السيدة «آرزو عزيزي»، محامية. استهلّت المقالة بالحديث عن حرية التعبير بوصفها حصناً لتحقيق سيادة القانون، ثم تناولت دور حرية التعبير في المجتمعات الحديثة.

في مقدمة النص ورد ما يلي:

حرية التعبير هي إحدى المبادئ الأساسية والحقوق الجوهرية التي يمكن أن يتمتع بها كل فرد في المجتمعات الديمقراطية. هذا الحق يشبه الحقوق الأساسية الأخرى مثل الحق في الحياة، الحق في العدالة، الحق في التربية، الحق في التعليم، والحق في تحسين ظروف الحياة، ويُعتبر حصناً للديمقراطية وسيادة القانون.

حرية التعبير تعني حق البحث والمقند والتوضيح وإبداء الرأي في أي موضوع أو مجال وبأي شكل، بشرط المسؤولية. كما تعني أن يتمكن كل فرد من التعبير عن رأيه حتى لو كان هذا الرأي مختلفاً عن آراء الآخرين أو حتى عن الرأي العام.

في المجتمعات الديمقراطية، تُعتبر حرية التعبير حقاً إنسانياً مكفولاً لجميع أفراد المجتمع. هذا يعني أن أي إنسان لا يجب أن يُضطهد أو يُعذب أو يُعتقل بسبب آرائه أو انتقاداته.

هذا الحق يشمل أيضاً الحق في الوصول إلى المعلومات والأحداث ونقلها للآخرين، ومنع أي محاولات لتقييد هذا الحق. حرية التعبير تضمن الحق الإنساني لكل فرد في التعبير عن آرائه وانتقاداته بدون اضطهاد أو تمييز.

## حقوق وحریات أساسیة للنساء فی ضوء الدستور الإیرانی



ملخص مقالة كتبها «محسن مقیمی» تناولت الحريات المنصوص عليها في الدستور الإيراني، مع التركيز بشكل خاص على الحريات والضمانات القانونية المتعلقة بحرية النساء.

المادة العشرون من الدستور الإيراني: تنص هذه المادة صراحة على أن جميع أفراد الشعب، من رجال ونساء، متساوون أمام القانون ويتمتعون بجميع الحقوق الإنسانية والسياسية والاقتصادية والاجتماعية والثقافية، مع مراعاة أحكام الشريعة الإسلامية.

المشاركة السياسية: يعترف الدستور الإيراني بحق النساء في التصويت والترشح لجميع الانتخابات.

التعليم: تتمتع النساء الإيرانيات بحق التعليم في جميع المراحل الدراسية، وقد حققن نجاحات كبيرة في العديد من التخصصات.

العمل: يحق للنساء الإيرانيات العمل في مختلف المجالات المهنية.

ومع ذلك، تناول الكاتب القيود المفروضة على حرية النساء في إيران، مثل قانون الأسرة، والحجاب الإلزامي، والمشاركة السياسية المحدودة. في ختام المقالة، استعرض الكاتب الحلول لتحسين وضع حرية النساء في إيران.



## كسر صمت النساء كنقطة انطلاق في حقوق البيئة

في هذه المقالة، تم تحليل أداء القوانين المتعلقة بالبيئة باستخدام المنهج التحليلي المقارن. وفي نتائج البحث، تبين أن مشاركة النساء في القضايا البيئية ليست فقط عنصراً من عناصر حقوق الإنسان وخطوة نحو مكافحة التمييز الجنسي وتحقيق العدالة بين الجنسين، بل إنها، كما يظهر في التجارب التاريخية، قادرة على تقديم حلول أكثر استدامة وفعالية للتعامل مع الأزمات البيئية. يجب أن تتزامن متابعة ومشاركة النساء مع النمو الصناعي ومع التصدي للتفكير الرأسمالي الذي يهدد البيئة.

كتبت هذه المقالة السيدة «فاطمة قائمي نسب» حول حقوق البيئة، وفيما يلي ملخصها: في الوقت الحاضر، أصبحت الأزمات البيئية واحدة من أكبر التحديات العالمية، والجميع يدرك أن البيئة هي ثروة إلهية. تسلط هذه المقالة الضوء على الدور التاريخي والمعاصر لإنجازات النساء في مواجهة بعض التحديات البيئية. كما تستعرض حساسية النساء الخاصة تجاه الأضرار البيئية، بهدف كسر صمت النساء وتعزيز مشاركتهن الفعالة والواعية في متابعة وحل المشكلات البيئية.





## Breaking Women's Silence as a Spark in Environmental Law

This article, written by Fatemeh Ghaemi-Nasab, deals with environmental law. Below is the abstract of the paper:

Today, environmental crises have become one of the most significant global challenges, and it is widely recognized that the environment is a divine resource. The present article highlights the historical and contemporary contributions of women's achievements in environmental challenges and reviews their special sensitivity to environmental harm. It thus aims to break the silence of women and encourage their active and informed participation in addressing and resolving environmental issues. The study employs a comparative analysis to evaluate the effectiveness of laws in this area. In the end, the findings revealed that not only women's participation in environmental matters is an element of human rights and a progressive step toward combating gender discrimination and achieving gender justice but also, as historical evidence show, greater involvement of women can lead to more sustainable and effective solutions for tackling environmental crises. This pursuit and participation of women should advance in tandem with industrial growth and expansion of capitalism, which is against the environment.



# Fundamental Rights and Freedoms of Women Under the Constitution of the Islamic Republic of Iran

The summary of the article by Mohsen Moghimi deals with the freedoms set in Iran's Constitution, especially women's rights and the legal guarantees for their freedoms.

**Article 20 of the Constitution:** The article explicitly states that all members of the nation, including men and women, are equally protected by the law and entitled to all human, political, economic, social and cultural rights, provided they observe Islamic principles.

**Political Participation:** Iran's Constitution recognizes women's right to vote and stand as a candidate in all elections.

**Education:** Iranian women have the right to education at all levels and have achieved significant successes in many fields of study.

**Employment:** Women in Iran are entitled to work and pursue various careers.

The article also addresses limitations on women's freedom in Iran; including family law, mandatory hijab and limited political participation. In conclusion, the author reviews strategies for improving women's freedom in Iran.







over time? What is the role of the right to freedom of expression in democratic societies? And, can freedom of expression be restricted?

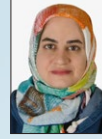
In summary, the answers to these questions generally state that: It can be said freedom of expression encompasses both "information and news" and "personal opinions and thoughts". Moreover, the right to freedom of expression is not conditional on the usefulness of the information or opinions expressed, and unhelpful and even offensive ones are free to be expressed, provided that they do not violate permissible limitations on freedom of expression. Even being silent is also a part of an individual's right to freedom.

or discrimination. The right to freedom of expression can be considered as a foundation for other human rights, as reflected in the earliest domestic and international human rights documents. According to these definitions, the right to freedom of expression is the right of every individual to share their information and opinions through any means, even beyond national borders.

The article goes on to address the following questions: What are the components of the right to freedom of expression? Is it possible to guarantee this right? What are the societal impacts of pursuing, protecting and implementing the right to freedom of expression? What changes can be seen in the right to freedom of expression



# Freedom of Expression, a Cornerstone for Establishing the Rule of Law



زهرا داورزینی  
مترجم انگلیسی

The present article, written by Arezoo Azizi, a lawyer, first discusses freedom of expression as a cornerstone for establishing the rule of law. Then, it reviews its role in modern societies. In the introduction, it is stated:

Freedom of expression is one of the fundamental principles and the basic rights that every individual in democratic societies should enjoy. Like other fundamental rights, such as the right to life, justice, training, education, and improving living conditions, freedom of expression serves as a foundation for democracy and the rule of law. Freedom of expression means the right to search, criticize, explain and express opinions on any subject, in any area, and in any form, together with a sense of responsibility. It implies that every individual should be able to express their view, even if the view differs from others or public opinions. In democratic societies, freedom of expression is guaranteed as a human right for all members of the community. This ensures that no one should face pressure, torture, prosecution or imprisonment for expressing their opinions or critiques. This right also includes access to information and events and the ability to share them with others, and any effort to restrict it should be prevented. Freedom of expression ensures the human right of every individual to express and maintain their opinions and critiques without any prosecution



## Identity card

CHIEF EDITOR:

Ashraf Gramizadehgan

AUTHORS IN THIS ISSUE:

Roofia Tigrari (art editor), Arezoo Azizi,  
Seied Mohsen Moghimi, Homa Mehri,  
atemeh Ghaeminasab, Maliheh  
Fallahpoor, Zahra Davarzani, Leila  
Sadeghi.

EXECUTING DIRECTOR:

Homaion Koochakzadeh

LOGO DESIGNER:

Morteza Momayez

TECHNICAL COUNSELOR:

Alireza Frzami

COVER & ART DIRECTOR:

Maryam Farzamifard

GRAPHIC:

Atefeh Hashemi

TYPE:

Women Rights

PRINT:

Nazar Printing

ADDRESS:

#401, No 11, Mahzad Al, South Iranshahr  
Ave, Teh.

TEL:

09121302775 - 021 88318949

EMAIL:

h\_q\_zanan@yahoo.com

WEBSITE:

www.hqzanan.org



# Women Rights Magazine

- Honorable writers and translators who wish to have their works published in the Women's Rights Quarterly, should attach a brief description of their education, occupation, research works, and translation along with the content, or send their resume to the publication's email.
- Content should be sent in typed format to the publication via email.
- The translated content must be accompanied by a copy of the original text.
- Please keep a copy of your article in your archive.
- Women rights are free to edit and shorten the contents.
- Any use of exclusive content and images of Women Rights Magazine is subject to permission from the responsible manager.
- Women rights accepts your advertisements in the field of educational, cultural, economic and service activities.

# برگ اشتراک حقوق زنان

شماره اشتراک: .....

نام: نام خانوادگی: سن: تحصیلات:  
شغل: تلفن:  
نشانی/ صندوق پستی:

به پیوست فیش بانکی به شماره  
ریال مبلغ  
بابت بهای اشتراک نشریه‌ی حقوق زنان (برای ۴ شماره) فرستاده می‌شود.  
خواهشمند است مجله را برای شماره به نشانی بالا بفرستید.

برگ اشتراک را کامل و خوانا پرکرده و کد پستی را حتما یادداشت کنید.

بهای اشتراک را به حساب جاری شماره (۰۱۰۸۳۳۸۹۰۶۰۰۵) یا به شماره کارت (۶۰۳۷۹۹۷۵۹۷۹۷۴۴۴) بانک ملی ایران شعبه‌ی امیرآباد (کد ۱۲۸) به نام اشرف گرامی‌زادگان پرداخت نمایید و از طریق ایمیل یا واتساپ به شماره ۰۹۱۲۱۳۰۲۷۷۵ ارسال نمایید.  
لطفا کپی فیش را نزد خود نگهدارید.

بهای اشتراک برای هر شماره نشریه مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال (۱۰۰ هزار تومان) است.

در صورت هرگونه تغییر در نشانی، دفتر مجله را آگاه کنید.

ایمیل نشریه: [h\\_q\\_zanan@yahoo.com](mailto:h_q_zanan@yahoo.com)

ایمیل پشتیبان: [gramizadehgan@yahoo.com](mailto:gramizadehgan@yahoo.com)

سایت نشریه: [www.hqzanan.org](http://www.hqzanan.org)

علاقمندان اشتراک نشریه در خارج از کشور از طریق دوستان و خویشاوندان خود در ایران اقدام کنند.